

در معرفی مولانا اسد الله الغالب

علی بن ابی طالب علیه السلام

سید محسن طیب نیا

بسم الله الرحمن الرحیم

مثنوی حیدری : اشعاری دل انگیز، شورانگیز و شعورآفرین

نویسنده:

محسن طیب نیا

ناشر چاپی:

رسالت

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

مثنوی حیدری : اشعاری دل انگیز، شورانگیز و شعورآفرین

مشخصات کتاب

عنوان و نام پدیدآور : مثنوی حیدری : اشعاری دل انگیز، شورانگیز و شعورآفرین/ سیدمحسن طیب نیا.

مشخصات نشر : قم: رسالت، ۱۳۹۴.

مشخصات ظاهری : ۱۸۴ص.؛ ۲۱/۵×۱۴/۵س م.

شابک : ۹۷۸-۹۶۴-۶۸۳۸-۷۲-۷

موضوع : علی بن ابی طالب (ع)، امام اول، ۲۳ قبل از هجرت - ۴۰ق -- احادیث

موضوع : علی بن ابی طالب (ع)، امام اول، ۲۳ قبل از هجرت - ۴۰ق. -- شعر

موضوع : علی بن ابی طالب (ع)، امام اول، ۲۳ قبل از هجرت - ۴۰ق. -- فضایل

موضوع : شعر فارسی-- قرن ۱۴

موضوع : شعر مذهبی فارسی -- قرن ۱۴

موضوع : احادیث شیعه

رده بندی دیویی : ۸فا۱/۶۲

رده بندی کنگره : PIR۸۳۵۲ /ی۲۵ م۲ ۱۳۹۴

سرشناسه : طیب نیا، سیدمحسن، ۱۳۵۵ -

وضعیت فهرست نویسی : فیپا

شماره کتابشناسی ملی : ۴۰۵۹۵۱۶

ص:۱

اشاره

چاپ اول / ۱۵۰۰ / ۱۳۹۴ نسخه

چاپخانه اشراق

شابک : ۹۷۸ – ۹۶۴ – ۶۸۳۸ – ۷۲ – ۷

قیمت : ۹۰۰۰۰ ریال

صندوق الکترونیکی مؤلف : mohsentayyeb۱۱۰@gmail.com

تلفن مرکز پخش قم : ۰۲۵) ۳۷۸۳۲۳۳۲)

بسم الله الرحمن الرحيم

ص :٣

تقدیم

این اثر ناچیز را تقدیم می کنم

به وجود مقدّس حضرت ولیّ عصر علیه السلام

مگو دیگر تو را با ما چه کار است

که چشمم از فراقت سوگوار است

بیا بشنو ز دل ای یوسف حُسن

که نجوایش دمادم یار یار است!!

فهرست

مقدّمه

.Your browser does not support the audio tag

در احادیث شیعه و سنّی درباره مقام بسیار والا و بی نظیر حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه وآله نقل شده است :

لَوْ أنَّ الغِیاضَ اَقْلامٌ ، والبَحْرَ مِدادٌ ، والجِنَّ حُسّابٌ ، والْإِنْسَ کُتّابٌ ، ما أحْصَوْا فضائلَ علیٍّ بنِ ابی طالب علیه السلام .(۱)

اگر درختان قلم ، و دریاها مداد ، و پریان حساب گر ، و آدمیان نویسنده باشند ، فضائل علیّ بن ابی طالب را نتوان به حساب آورند .

آری ، طبق این سخن نورانیِ حضرت رسول خدا صلی الله علیه وآله فضائل مولا علی بن ابی طالب علیه السلام بی نهایت است و هیچ کس نتواند فضائل و مناقب آن حضرت علیه السلام را به تمامه بازگو کند .

بنابراین امت اسلام - چه شیعه و چه اهل سنّت - همگی معترف به فضائل بی مثال و بی مانند حضرت مولانا علی بن ابی طالب علیه السلام هستند .

ص: ۷

۱- ۱) مناقب خوارزمی ، ص ۳۲ ؛ کفایه الطالب ، ص ۷۵ ؛ فرائد السمطین ، ص ۲۳۱ ؛ لسان المیزان ، ص ۲۰۲ و ...

اکنون به چند حدیث دیگر که بزرگان اهل سنت در کتب خویش ، درباره مقام والای حضرت اسداللّه الغالب علیه السلام نقل نموده اند ، توجه فرمائید :

قال رسول اللّه صلی الله علیه وآله :

أَنَا مدینَهُ العِلم وعَلیٌّ بابُها ، فَمَنْ أرادَ العلمَ فَلْیَأْتِ بابَهُ .(۱)

من شهر علمم و علی باب آن است ؛ پس هر کس علم می خواهد از درش آید .

قال رسول اللّه صلی الله علیه وآله :

أَنَا مدینَهُ الجَنَّهِ وعلیٌّ بابُها ، فمَن أرادَ الجَنَّهَ فَلْیَأْتِها مِنْ بابِها .(۲)

من شهر بهشتم و علی باب آن است ؛ پس هر کس بهشت می خواهد باید از درش آید .

قال رسول اللّه صلی الله علیه وآله :

عَلیٌّ بابُ عِلمی ومُبَیِّنٌ لِاُمَّتی ما اُرْسِلْتُ بِهِ مِنْ بَعدی ؛ حُبُّهُ ایمانٌ وبُغْضُهُ نِفاقٌ، والنَّظَرُ اِلیهِ رَأفَهٌ ومَوَدَّتُهُ عِبادَهٌ.(۳)

علی باب علم من است ، و بیان می کند برای امت من پس از من

ص: ۸

۱- ۲) تاریخ بغداد ، ج ۴ ، ص ۳۴۸ ؛ مناقب ابن مغازلی ، ص ۸۱ ؛ حاکم نیشابوری ، ج ۳ ، ص ۱۲۷ ؛ البدایه والنهایه ، جزء هفتم ، ص ۳۵۹ ؛ مجمع الزّوائد ، ج ۹ ، ص ۱۱۴ ؛ ذخائر العقبی ، ج ۱ ، ص ۷۷ ؛ جامع الاصول ، ج ۹ ، ص ۴۷۲ و ...

۲- ۳) مناقب ابن مغازلی، ص ۸۶ ؛ ینابیع الموده، ص ۷۳ ؛ تاریخ امیرالمؤمنین علیه السلام، ج ۲، ص ۴۵۷ و ...

۳- ۴) صواعق المحرقه ، ص ۷۳ ؛ اسعاف الرّاغبین ، ص ۱۷۱ ؛ ینابیع الموده ، ص ۲۸۲ ؛ کنز العمّال ، ج ۱۱ ، ص ۴۱۶ و ...

رسالت مرا ، دوستی علی ایمان است و دشمنی علی نفاق است ، و نظر سوی علی رأفت است ، و دوستی علی عبادت است .

قال رسول اللَّه صلی الله علیه وآله :

أنا وعلیٌّ مِن شَجَرهٍ واحِدَهٍ والنّاسُ مِنْ أشْجارٍ شَتّی .(۱)

من و علی از یک درختیم و سایر مردمان از درختان دیگر .

قال رسول اللَّه صلی الله علیه وآله :

یا علی ! أنتَ مِنّی وأنا منک .(۲)

ای علی تو از منی و من از تو هستم .

قال رسول اللَّه صلی الله علیه وآله :

علیٌّ مَعَ الحقِّ والحقُّ مَعَ علیٍّ .(۳)

علی همیشه با حق است و حق همیشه با علی است .

قال رسول اللَّه صلی الله علیه وآله :

عنوانُ صحیفَهُ المؤمنِ حبُّ علیّ بن ابی طالب .(۴)

۱- ۵) تاریخ مدینه دمشق ، ج ۴۲ ، ص ۶۵ ؛ ینابیع الموده ، ص ۱۱۳ ؛ کنز العمّال ، ح ۳۲۹۳۶ ، الدر المنثور ، ج ۴ ، ص ۴۴ ؛ ذخائر العقبی ، ص ۱۶ و ...

۲- ۶) صحیح بخاری ، ج ۳ ، ص ۱۶۸ ؛ مستدرک علی الصحیحین ، ج ۳ ، ص ۱۲۰ ؛ سنن الکبری ، ج ۸ ، ص ۵۰ و ...

۳- ۷) تاریخ بغداد ، ج ۱۴ ، ص ۳۲۳ ؛ مجمع الزوائد ، ج ۷ ، ص ۲۳۵ ؛ تاریخ دمشق ، ج ۴۲ ، ص ۴۴۹ ؛ مناقب ابن مردویه ، ص ۱۱۳ ؛ کنز العمّال ، ج ۵ ، ص ۳۰ و ...

۴- ۸) الصواعق المحرقه ، ج ۱ ، ص ۱۹۳ ؛ مناقب ابن مغازلی ، ص ۲۴۳ ؛ تاریخ دمشق ، ج ۵ ، ص ۲۳۰ و ...

در روز قیامت ، برجسته ترین چیزی که در کارنامه مؤمن مشاهده می شود ، عشق ورزیدن به علی بن ابی طالب است .

قال رسول اللَّه صلی الله علیه وآله :

شیعهُ عَلِیٍّ هُمُ الفائزونَ یوم القیامه .(۱)

شیعیان علی همان رستگاران روز قیامت اند .

قال رسول اللَّه صلی الله علیه وآله :

أعلمُ اُمّتی من بعدی ، علی بن ابی طالب .(۲)

علی بن ابی طالب بعد از من عالم ترین فرد این امت است .

قال رسول اللَّه صلی الله علیه وآله :

لَوِ اجْتَمَعَ النّاسُ علی حُبِّ علیٍّ بن ابی طالب لَما خَلَقَ اللَّهُ النّارَ .(۳)

اگر مردمان بر محبّت علی بن ابی طالب یکدل می شدند ، خداوند جهنم را خلق نمی کرد .

و صدها حدیث معتبر دیگری که دانشمندان اهل سنت درباره مناقب والای حضرت علی بن ابی طالب علیه السلام نقل نموده اند .

البته حق علیّ بن ابی طالب علیه السلام زمانی ادا می شود که مسلمان او را به ص :۱۰

---

۱ – ۹) الدر المنثور ، ج ۶ ، ص ۳۹۷ ؛ شواهد التنزیل ، ج ۱ ، ص ۵۰۰ ؛ مناقب خوارزمی ، ص ۱۱۳ ؛ المعجم الکبیر ، ج ۶ ، ص ۳۵۴ و ...

۲- ۱۰) کنز العمّال ، ح ۳۲۹۹۷ و ...

۳- ۱۱) مناقب خوارزمی ، ص ۱۳۱ ؛ ینابیع الموده ، ص ۲۱۳ و ...

عنوان جانشین و خلیفه بلافصلِ رسول خدا صلی الله علیه وآله بپذیرند و هیچ کس را بر آن حضرت علیه السلام مقدّم ندارند .

و افتخار ما شیعیان این است که این حقیقت را پذیرفته ایم و آن حضرت علیه السلام را بر همه انسان ها - بعد از رسول خدا صلی الله علیه وآله - مقدّم و برتر می دانیم .

با توجه به این احادیث معتبر نبوی در شأن مولا علی بن ابی طالب علیه السلام می گوئیم :

مطالبی که در این کتاب درباره وجود مقدّس امیرالمؤمنین علیه السلام و فضائل بی کران آن به زبان شعر بیان شده ، نه تنها مبالغه نیست ؛ بلکه قطره ای از مناقب اسداللّه الغالب علیه السلام است .

ما در این مجموعه برای بیان مناقب مولا علی علیه السلام زبان شعر را انتخاب کرده ایم ؛ زیرا زبان شعر علاوه بر این که زبانی زیبا ، هنرمندانه و دلنشین است ؛ همچنین این زبان در ذهن مخاطب می ماند و به سختی فراموش می گردد .

اکثر اشعاری که بیان نموده ایم ، در حقیقت ترجمه آیات و روایات - در مناقب امیرالمؤمنین علیه السلام - به زبان شعر است که ما در بسیاری از جاها در پاورقی ، روایات و اسناد آن را هم ذکر کرده ایم .

امیدوارم این مجموعه کوچک مورد مقبولیت حضرات معصومین علیهم السلام واقع گردد و ذخیره ای باشد برای فردای قبر و قیامت من و تمام عزیزانی که آن را می خوانند و این حقیر را از دعای خیرشان فراموش نمی کنند .

در پایـان از اسـتاد ادیب و ارجمنـد جنـاب حجهالاسـلام والمسـلمین حاج شـیخ علی معجزاتی - که از راهنمایی های ایشان در سرودن و ویرایش اشعار بسیار بهره مند شدم - کمال تشکر و امتنان را دارم .

یا مولا ! یا امیرالمؤمنین ! ای برادر رسول خدا صلی الله علیه وآله ما عاشقانت این را از عمق قلبمان می گوئیم :

گر به سجده کس هزاران سال شد

بی ولای مرتضی ابطال شد

ذرّه ای از خاک پای مرتضی

هر دو عالم را کند عرش خدا

نور حکمت از علی ظاهر شود

هر که جز این گوید او کافر شود

راه اقوم ، اصل برهان مرتضی است

تا قیامت روح قرآن مرتضی است

سید محسن طیب نیا

ص :۱۲

بخش اول : مثنوی حیدری در منقبت مولی امیرالمؤمنین علیه السلام

اشاره

ص: ۱۳

در معارف توحیدی و خداشناسی

می نمایم ابتدا با نام او

تا ببندم با قلم احرام او

.Your browser does not support the audio tag

خلق را او از عدم آغاز کرد(۱)

باب رحمت را سراسر باز کرد

ص: ۱۵

۱- ۱۲) دو چیز از مهمترین اصول ادیان الهی است : ۱ - آفرینش آغاز و ابتدائی دارد و مخلوقات خدا قدیم نیستند .

هیچ کس را در مقامش راه نیست

هیچ کس از ذات او آگاه نیست (۱)

ذات پاکش بی قیاس و بی مثال

در نیاید هیچ کس را در خیال(۲)

ص: ۱۶

۱- ۱۳) طبق معارف وحیانی انسان به هر کمالات و مقاماتی که برسد باز در مقام خدائی خدا ، هیچ راهی ندارد ؛ زیرا بین آن ذات مقدس و موجودات هیچ سنخیتی برقرار نیست و این حقیقت ناب در ده ها روایت اهل بیت علیهم السلام آمده است . به عنوان مثال امام رضا علیه السلام می فرماید : وکُنْهُهُ تفریقٌ بَیْنَهُ وَبینَ خَلْقِهِ ؛) بحار الانوار ، ج ۴ ، ص ۲۲۸) . کُنه خدا) ذات خدا (جداست از مخلوقاتش و او مباین مخلوقات خویش است . طبق این معارف توحیدی ، سخنان صوفیه در رابطه با فنای در ذات خداوند مردود است . فنای در ذات یعنی سالک در منتهای سیر و سلوکش چون قطره ای در دریای ذات الهی فانی و محو می شود .) قطره دریا می شود ! ! (

۲- ۱۴) این بیت شعر به دو اصل بسیار مهم توحیدی - که در معارف وحیانی آمده - اشاره کرده است : ۱ - ذات الهی را نمی توان به هیچ چیز مقایسه کرد ؛ زیرا او مثل و مانند ندارد ، همان گونه که قرآن می فرماید : » لَیْسَ کَمِثْلِهِ شَیْ ءٌ « ۲ - خیال و وهم و قوای دیگر ادراکی انسان هیچ گونه راهی به شناخت ذات خداوند ندارند و علت نیز همان است که گفتیم . بنابراین آنچه که انسان در رابط با ذات حق تعالی توهم ، خیال ، تعقّل یا شهود نماید ؛ آن چیزِ توهم یا شهود شده ، خدای واقع نیست

؛ بلکه خـدای ساخته شده ذهن است . در این باره روایات فراوانی از امامان معصوم علیهم السـلام به ما رسـیده است ، به عنوان نمونه : در تحف العقول آمـده که امـام حسـین علیه السـلام می فرمایـد : إحْتَجَبَ عَنِ العُقولِ کَمـا إحْتَجَبَ عَنِ الأبصـار . همان گونه که چشم ها راهی به سوی خـدا ندارنـد ؛ عقل ها نیز این گونه اند . و می فرماید : ما تُصُوِّرَ فَهُوَ بِخلافه . هرگونه خداوند تصور و تعقّل شود او خلاف آن است . در توحیـد صـدوق آمـده که امام موسـی کاظم علیه السـلام می فرماید : هُوَ خِلافُ ما یُعْقَـلُ وخلافُ ما یُتَصَوَّرُ . خداونـد خلاف و غیر از آن چیزی است که تعقل و تصور می شود . بنابراین معارف حقّه وحیانی ، سخنان فلاسـفه صدرائی که وجود خداوند را به خورشید و یا نور بسیار قوی و وجود انسان و سایر پدیده ها را به نور شمع و یا نور ضـعیف تشبیه می نمایند ؛) وحدت تشـکیکی وجود (غیرقابل پذیرش است . آری ، خداوند متعال به هیچ چیز تشبیه نمی گردد و او بالاتر از تمثیل ها و قیاس های ساخته شده ذهن ما است ..

او »احد« ، » عالِم« ، »صمد « باشد مدام

ضعف در او ره نیابد والسلام (۱)

او بدون فکر انشا می کند

هم بدون نقشه برپا می کند(۲)

ص: ۱۷

۱- ۱۵) در آیات متعدّدی از قرآن مجید خداوند متعال به این صفات توصیف شده است . والسلام یعنی : حرف اول و آخر ما این است که خداوند احد ، عالم و صمد می باشد .

۲- ۱۶) انشا می کند : خلق می کند . این سخن نیز از مهمترین مباحث توحیدی خاندان عصمت و طهارت علیه السلام است . حضرت علی علیه السلام در این باره می فرماید : أنْشَأَ الخَلْقَ إنشاءاً و ابْتَدَأَهُ إبْتداءً ، بِلا رَوِیَّهٍ أجالَها ولا تَجْرِبَهٍ اسْتَفادَها .) نهج البلاغه (خلقت را آغاز کرد و موجودات را بیافرید ، بدون نیاز به فکر و اندیشه ای ، و یا استفاده از تجربه ای . طبق این سخن امام علی علیه السلام) أنشأ الخلقَ انشاءاً وابتَیدأه ابتداءً (عالم نمی تواند قدیم باشد ؛ زیرا موجودی که - جهت خلق آن - صاحب ابتدا باشد در زمان می گنجد و آغازی دارد و قدیم بودن موجود با آغاز داشتن آن غیرقابل جمع است . بنابراین فلاسفه که برخی از موجودات را (عقول) قدیم می دانند (هر چند قدیم زمانی)غیرقابل قبول است و این دیدگاه مخالف با دیدگاه توحید امامان معصوم علیهم السلام است .

او تجلّی کرد با آیات خویش

پس نگو هرگز سخن زین جمله بیش(۱)

ص :۱۸

۱- ۱۷) او بـا آیاتش تجلّی کرد ، یعنی : عالم تجلّی فعل خـداست . مصـرع دوم یعنی : بیش از این سـخن » که عالم تجلّی فعل خـداست « چیزی نگو ! یعنی نگو عالم تجلّی ذات خداونـدی است که این سـخن باطل است ؛ زیرا زمانی که ثابت گردد عالَم هستی ، مباین با ذات الهی است و پدیـده ها غیرخدا هسـتند ؛ دیگر صـحیح نمی باشد که گفته شود : عالم تجلّی و ظهور ذات خداونـد است ! ! صوفیه - که به وحـدت وجود قائلنـد - عالم را تجلّی ذات خـدا می دانند و با توجه به این عقیده پرسـتش هر چیز - حتّی بت - را پرسـتش خدا می نامند ! ! شـبستری در گلشن راز می گوید : مسلمان گر بدانستی که بت چیست بدانستی که دین در بت پرستی است و نیز می گوید : من و ما و تو و او هست یک چیز که در وحدت نباشد هیچ تمییز زمانی که گفته شود عالم ظهور و تجلّی ذات خداست، یعنی خداوند به صورت اشیاء بروز کرده است و این همان وحدت وجود و موجود یا » همه چیز خدائی « است . ابن عربی با توجه بر این عقیده غلط - در فصوصش ، فص هارونیه - نه تنها برخلاف نصّ قرآن ، بت پرستی قوم موسـی را کاملاً موجه جلوه می دهـد ؛ بلکه هارون نبی علیه السـلام - که مانع از گوساله پرستی قوم گردیده بود - را به نقص معرفت متهم می سازد و سـپس می گوید : فإنّ العارف من یری الحق فی کلّ شی ء بل یراه عین کلّ شی ء . عارف کسـی است که حق را در هر چیزی می بینـد ؛ بلکه او را عین هر چیزی می بینـد . ملاصـدرا - که فلسـفه خود را به عرفـان ابن عربی متصل می کند - نیز می گوید : کذلک هدانی ربّی بالبرهان النّیّر العرشـی إلی صراط مستقیم من کون الوجود والموجود منحصـراً فی حقیقه واحـده ... ولیس فی دار الوجود غیره دیّـار ، وکلّمـا یترآی فی عالم الوجود أنّه غیر الواجب المعبود إنّما هو من ظهورات ذاته وتجلّیّـات صـفاته الّتی هی فی الحقیقه عین ذاته ... فکـلّ مـا تـدرکه فهو وجود الحقّ فی أعیـان الممکنـات .) اسـفار اربعه ، ج ۲ ، ص ۲۹۲ . این چنین مرا پروردگـارم با برهان آسـمانی به سوی صـراط مسـتقم هـدایت فرمود که وجود و موجود و آنچه که هست منحصـر در یک حقیقت واحـد] یعنی خدا [است و در دار حقیقت موجودی جز خدا وجود ندارد و دیگر موجودات نیز فقـط عبارت از تجلّی و ظهور ذات و صـفات او می باشـند که در حقیقت ، آن ها عین ذات خـدا هسـتند ؛ بنـابراین هر چـه را که درک می کنی آن وجـود خداونـدی است به صـورت ممکنـات . همـان گـونه که بیـان شـد این عقـاید مغایرت کامل با تعالیم انبیاء الهی و خانـدان عصـمت و طهارت علیهم السـلام دارد ؛ زیرا آنان خدائی را به مردم معرفی کردند که خـالق اشـیاء و مبـاین با آن هاست. پس طبق تعالیم وحیانی بایـد گفت که عالم تجلّی فعل خـداست. اکنون از امیرالمؤمنین علیه السلام بشنوید : الحمدُ للَّهِ الّذی المُتَجَلّی لِخَلْقِهِ بِخَلْقِهِ .) بخشی از خطبه ۱۰۸ ، نهج البلاغه (سپاس خدایی را سزاست که با آفرینش مخلوقات بر انسان تجلّی کرد . در این سـخن نورانی کاملاً مشـخص است که مقصود از تجلّی ، تجلّی فعلی خداوند) همان خلقت مخلوقات (است نه تجلّی ذاتی که اهل تصوف می گویند . البته این را هم بگوئیم : چون خلقت خداوند - طبق ده ها روایت معصومین - » لا مِنْ شـی ء « است ؛ بنابراین مقصود از تجلّی فعلی خداوند متعال ، همان ایجاد اشـیاء بدون ماده و نقشه و طرّاحی قبلی می باشد .

نی برایش جسم دان ، ای اهل هوش !

او ببیند ، بشنود بی چشم و گوش(۱)

---

۱ - ۱۸) خداونـد مادی و جسم نیست ؛ زیرا ماده و جسم هم محدودند و هم محتاج مکان . اما ذات خداوند متعال نه محدود به حـدودی است و نه احتیاج به مکان دارد . موجودی که حـدّی معین ، و مکان دار باشـد ، خودْ مخلوق است و نمی توانـد خدا باشد . بنابراین خداوند عاری از صـفات مخلوقات است . امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید : ... خداوند شنواست بـدون وسـیله شـنوایی و بیناست بی آنکه چشم گشاید و برهم نهد ... او جدا و مباین با موجودات است و بر آن ها چیره و توانا است . هر که خدانـد را با صـفات مخلوقات وصف کنـد محدودش کرده و آن که محدودش کند ، او را به شـمارش آورده و آن که خدا را به شـمارش آورد ، ازلیت او را باطل کرده است . کسی که بگوید خداوند چگونه است ؟ او را توصیف کرده و هر که بگویـد خدا کجاست ؟ مکان برای او قائل شده است . خداوند عالم بود ، آنگاه که علومی وجود نداشت ؛ پرورنده بود آنگـاه که پدیـده ای نبـود و توانـا بود آنگـاه که توانـایی نبود .) نهـج البلاـغه ، بخشـی از خطبه ۱۲۳) حقیقتاً سـخنان نورانی امیرالمؤمنین علیه السلام بسیار بسیار عمیق و دلنشین و زیباست ؛ و هیچ کس جز امیرالمؤمنین علیه السلام نمی تواند خداوند را این گونه توصیف کند ؛ زیرا آن حضرت علیه السلام دروازه علم رسول خدا صلی الله علیه وآله است .

پس خدا را پاک از تشبیه دان

هر چه در وهم آیدَت ، او نیست آن(۱)

۱- ۱۹) همان گونه که مطرح نمودیم ، تشبیه کردن خداونـد به موجودات کاملاً غلط است و هر چه انسان در رابطه با خـدا در ذهن آورد ، چیزی جز بـافته هـای ذهن خویش نیست ؛ در حقیقت آن چیز ، خـدای سـاخته شـده ذهن خود او است نه خـدای واقع . دوباره از معصوم علیه السـلام بشـنوید : هُوَ خِلافُ ما یُعقَلُ وخلافُ ما یُتَصَوَّرُ فی الأوهام .) توحیـد صدوق ، ص ۱۰۶) خداونـد خلاـف آن چیزی اسـت که دربـاره آن انـدیشه می شـود و تصـور می گردد . امیرالمـؤمنین علیه السـلام می فرمایـد : پندارها برای او صـفتی نمی توانند پدید آورند و عقل ها از شناخت ذات او درمانده اند ؛ نه جزئی برای او می توان تصوّر کرد و نه تبعیض پذیر است و نه چشم ها و قلب ها) شـهود قلب (می توانند به ذات او معرفت کسب کنند .) بخشـی از خطبه ۹۱) و در سـخن بسـیار عمیق و زیبای دیگری می فرمایـد : اوست خـدای توانایی که اگر وهم وخیال انسان ها بخواهـد برای درک انـدازه قـدرتش تلاش کننـد ،] چه برسـد تلاش برای درک ذات ! ! [و افکار بلنـد و دور از وسوسه های دانشـمندان] علوم و معارف بشـری [بخواهـد ژرفای غیب ملکوتش را در نوردد و قلب های سراسـر عشق مشـتاقان ، برای درک کیفیت صـفات او کوشـش نمایـد و عقـل هـا با تلاش وصف ناپـذیر از راه های بسـیار ظریف و باریک بخواهنـد ذات او را درک کننـد ، دسـت قدرت بر سینه همه نواخته ، بازگرداند ؛ که با فکر و عقل نارسای بشری نمی توان او را درک کرد . خدایی که پدیده ها را از هیچ) عدم (آفرید ، نمونه ای در آفرینش نداشت تا از آن اسـتفاده کند یا نقشه ای از آفریننده ای پیش از خود ، که از آن در آفریـدن موجـودات بهره گیرد .) نهـج البلاـغه ، بخشـی از خطبـه ۹۱) حقیقتـاً تمـام توحیـد ژرف در این سـخن مبـارک مولا امیرالمؤمنین علیه السلام دیده می شود .

ظلم اندر کار او نبوَد روا

کس جز این گوید ، بوَد عبد هوی(۱)

جای او نبوَد درون آسمان

او نگنجد در مکان و در زمان

ص :۲۱

۱ـ ۲۰) خداونـد متعـال هرگز به هیـچ موجودی ظلم نمی کنـد ؛ زیرا منشـأ ظلم ، یـا جهـل و نـادانی است و یا ضـعف و رذائل نفسانی و از آنجا که خداوند متعال کمال مطلق است و ضعف و ناتوانی و جهالت در ذات مقدّسش هیچ راهی ندارد ؛ بنابراین بر هیـچ موجودی ذرّه ای ظلم نمی کند . خداوند در کلامش می فرماید : » إِنَّ اللَّهَ لَا يَظْلِمُ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ وَإِنْ تَكُنْ حَسَنَةً يُضَاعِفْهَا وَيُؤْتِ مِنْ لَدُنْهُ أَجْراً عَظِيماً «) سوره نساء ، آیه ۴۰) . در حقیقت ، خدا هموزن ذرّه ای ستم نمی کند و اگر » آن ذرّه ، کارِ « نیکی باشد دو چندانش می کند ، و از نزد خویش پاداشی بزرگ می بخشد .

پس نگردد او عیان بر دیده ای

گر بگوئی دیده ام ، پُر خورده ای ! !(۱)

عقل را نبوَد رَهی در ذات او

قلب هم باشد حقیر و مات او(۲)

خلق شد (۳)عالَم ، نه از روی نیاز

نافعش نبوَد(۴) زِ ما صوم و نماز

---

۱ – ۲۱) یعنی : هیچ چشمی نمی تواند خداوند را درک کند و اگر بگوئی من خدا را) چه در بیداری و یا چه در خواب (دیده ام ؛ بدان که پرخوری نموده ای و به هزیان گویی دچار گشته ای ! ! آری ، خداوند دیده نمی شود ؛ زیرا او جسم و یا جسمانی نیست و کاملاً مجرد از مکان و زمان و ویژگی های اشیاء است . قرآن درباره عدم رؤیت خداوند می فرماید : » لَا تُدْرِكُهُ الْأَبْصَارُ وَهُوَ يُدْرِكُ الْأَبْصَارَ وَهُوَ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ «) سوره انعام ، آیه ۱۰۳) . چشم ها او را درنمی یابند و اوست که دیدگان را درمی یابد ، و او لطیفِ آگاه است .

۲ – ۲۲) نه قوای عقل توان درک ذات الهی را دارند و نه قوای باطن مانند قلب و شهود می توانند نسبت به ذات الهی معرفت کسب کنند . و علت آن دو چیز است :۱ – قوای انسان محدود است و ذات باری تعالی نامحدود ؛ و عقلاً محال است که محدود ، نامحدود را درک کند و نسبت به آن معرفت پیدا کند . ۲ – بین خالق و مخلوق مباینت تمام برقرار است ؛ بنابراین چون ذات خداوند متعال همسنخ و همجنس مخلوقاتش نیست ؛ هیچ عقل و شهودی نمی تواند بر آن دست یابد . احادیث در این باره متعدد است که برخی از آن ها را برای نمونه در مباحث پیشین آوردیم .

۳– ۲۳) خلق شد : خلق کرد .

۴– ۲۴) نافعش نبود : خداوند از نماز و روزه و عبادات ما هیچ نفعی نمی برد ؛ زیرا او بی نیازِ مطلق است .

او بوَد » رزّاق « » واهب « » ذو کرم «(۱)

برطرف از لطف سازد هر ألَم(۲)

هر چه او ایجاد بنمودش ، بدان !(۳)

هیچ نقصی را نمی بینی در آن(۴)

گر بخواهی علم تو افزون شود

نیک بر خوان : » قل هو اللّه أحد «(۵)

مُلک او باقی است ، باقی تا ابد

باز بشنو : بی نیاز است و صمد

ص :۲۳

۱- ۲۵) فراوان در قرآن کریم خداوند به این صفات معرفی گردیده است .

۲- ۲۶) ضـرّ و اَلَم : زیان و درد . در دعای جوشن کبیر آمده است : یا کاشِفَ الضُّرِّ والألَمْ ، یا عالِمَ السِّرِّ والهِمَمِ ، یا ربَّ البیتِ والحَرَمِ ، یا مَنْ خَلَقَ الْأَشیاءَ مِنَ العَدَمِ .

۳- ۲۷) آگاه باش .

۴- ۲۸) هر چه را خداوند متعال در عالم ایجاد نموده است ، حکیمانه و در مرتبه بالای اتقان و استحکام می باشد . خداوند در این باره در قرآن کریم می فرمایـد : » الَّذِی خَلَقَ الْمَوْتَ وَالْحَیَاهَ لِیَبْلُوَکُمْ أَیُّکُمْ أَحْسَنُ عَمَلاً وَهُوَ الْعَزِیزُ الْغَفُورُ × الَّذِی خَلَقَ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ طِبَاقاً مَا تَرَی فِی خَلْقِ الرَّحْمَانِ مِنْ تَفَاوُتٍ فَارْجِعْ الْبَصَرَ هَلْ تَرَی مِنْ فُطُورٍ «) سوره ملک ، آیات ۲ و ۳) . همان که مرگ و زنـدگی را پدیـد آورد تـا شـما را بیازمایـد که کـدامتان نیکوکارتریـد ، و اوست ارجمنـد آمرزنـده × همان که هفت آسـمان را طبقه طبقه بیافریـد . در آفرینشِ آن خدای بخشایشـگر هیچ گونه اختلاف و تفاوتی نمی بینی . باز بنگر ، آیا خلل و نقصانی می بینی ؟

۵- ۲۹) در احادیث وارده از معصوم علیه السلام آمده است که سوره مبارکه توحید ، بیان گر اوج معارف توحیدی است .

هر که گوید : » او بزاید «(۱) کافِر است

آفریده خَلق را ؛ نی(۲) صادر است

در ازل او بوُد و او با کس نبود

بعدها جلوه نمود(۳) و دل ربود(۴)

ص :۲۴

۱- ۳۰) در سوره مبارکه توحید هر گونه زایش از ذات الهی رَدّ و مورد ابطال قرار گرفته است : » لَمْ یَلِدْ « او نزائیده است .

۲- ۳۱) در تفکرات بشری مطرح می نمایند که خداوند معلولات را از ذات خود صادر می کند . می توان گفت که صدور نوعی زایش از ذات الهی است ؛ اما زایش لطیف ! ! که سوره مبارکه توحید ، هر گونه زایشی را ابطال نموده است . صدور از ذات خدا یعنی : خارج شدن اشیاء از ذات خداوند و بروز نمودن به صورت مخلوقات و معلولات . معنی بیت فوق : هر کس که معتقد باشد که خداوند زایش می کند او کافر است . آفرینش خدا و مخلوقات وی ، ایجاد شده خداوند هستند ، نه صادر شده از ذات خداوند .

۳- ۳۲) جلوه نمود : با آیات خویش که مخلوق او هستند عظمت خود را آشکار ساخت .

۴- ۳۳) در معارف وحیانی تنها ذات قدیم ، ذات خداوند متعال است و دیگر موجودات معدوم بودند و سپس ایجاد گردیدند . در تفکرات فلسفی که خداوند را از ازل علّت تامه می دانند ،) می گویند که علّت تام هرگز نمی تواند بدون معلول باشد (لاجرم عالَم را نیز قدیم معرفی می کنند و این در حالی است که در ده ها حدیث از نصوص دینی معتبر مطرح شده که ماسوی اللّه همگی حادث اند . این را هم بگوئیم : زمانی که عالَم قدیم باشد) هرچند قدیم زمانی (دیگر نمی توان مسأله خَلق را درباره آنان گفت و از این رو است که فلاسفه و عرفا از این واژه کم استفاده می کنند و مدام از واژه های تجلّی ، ظهور و صدور سخن می گویند .

او بوَد » قیّوم «(۱) » باسط «(۲) هر دو دست

آنکه دستش بسته داند هست پست(۳)

در بیان نعمت های الهی

.Your browser does not support the audio tag

هفت گانه آسمان(۴) را خلق کرد

در میانش اختران را خلق کرد

ص :۲۵

۱- ۳۴) قیوم : یعنی قوام دهنده ؛ خداوند برپا کننده و نگهدارنده عالم است .

۲- ۳۵) باسط: باز. باسط هر دو دست: هر دو دستش باز است؛ یعنی او صاحب قدرت است و مجبور نیست.

۳- ۳۶) اشاره ای دارد به قوم یهود که دستان خدا را بسته می دانستند . خداوند در قرآن کریم می فرماید : » وَقَالَتْ الْيَهُودُ يَدُ اللَّهِ مَغْلُولَهٌ غُلَّتْ أَيْدِيهِمْ وَلُعِنُوا بِمَا قَالُوا بَلْ يَدَاهُ مَبْسُوطَتَانِ يُنفِقُ كَيْفَ يَشَاءُ وَلَيَزِيدَنَّ كَثِيراً مِنْهُمْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ طُغْيَاناً وَكُفْراً وَأَلْقَيْنَا بَيْنَهُمْ الْعَدَاوَهَ وَالْبَغْضَاءَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَهِ كُلَّمَا أَوْقَدُوا نَاراً لِلْحَرْبِ أَطْفَأَهَا اللَّهُ وَيَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَاداً وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُفْسِدِينَ «) سوره مائده ، آیه ۶۴) . و یهود گفتند : » دست خدا بسته است « . دستهای خودشان بسته باد . و به سزای آنچه گفتند ، از رحمت خدا دور شوند . بلکه هر دو دست او گشاده است ، هر گونه بخواهد می بخشد . و قطعاً آنچه از جانب پروردگارت به سوی تو فرود آمده ، بر طغیان و کفر بسیاری از ایشان خواهد افزود ، و تا روز قیامت میانشان دشمنی و کینه افکندیم . هر بار که آتشی برای پیکار برافروختند ، خدا آن را خاموش ساخت . و در زمین برای فساد می کوشند . و خدا مفسدان را دوست نمی دارد .

۴- ۳۷) در آیات متعددی از قرآن کریم آمده است که خداوند متعال با قدرت کامله اش در بالای سرمان ، هفت آسمان تو در تو را ایجاد کرده است ؛ برای نمونه : » هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعاً ثُمَّ اسْتَوَى إِلَى السَّمَاءِ فَسَوَّاهُنَّ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ «) سوره بقره ، آیه ۲۹) . اوست آن کسی که آنچه در زمین است ، همه را برای شما آفرید سپس به آفرینش آسمان پرداخت ، و هفت آسمان را استوار کرد و او به هر چیزی داناست . » وَلَقَدْ خَلَقْنَا فَوْقَكُمْ سَبْعَ طَرَائِقَ وَمَا كُنَّا عَنْ الْخَلْقِ غَافِلِينَ «) سوره مؤمنون ، آیه ۱۷) . و به راستی ما بالای سر شما هفت راه آسمانی آفریدیم و از کار آفرینش غافل نبوده ایم . » فَقَضَاهُنَّ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ فِي يَوْمَيْنِ وَأَوْحَى فِي كُلِّ سَمَاءٍ أَمْرَهَا وَزَيَّنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِمَصَابِيحَ وَحِفْظاً ذَلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ «) سوره فصّلت ، آیه ۱۲) . پس آنها را به صورت هفت آسمان ، در دو هنگام مقرّر داشت و در هر آسمانی کار مربوط به آن را وحی فرمود ، و آسمانِ این دنیا را به چراغها آذین کردیم و آن را نیک نگاه داشتیم این است اندازه گیریِ آن نیرومند دانا .

اخترانی را که خود یک عالَم اند(۱)

در عجایب عقل ها را می برند

او زمین را بِستری هموار کرد(۲)

آسمان را مملو از اسرار کرد

ص :۲۶

---

۱ – ۳۸) خداونـد در قرآن دربـاره عظمت سـتاره هـای آسـمان می فرمایـد : » وَالسَّمَاءِ ذَاتِ الْبُرُوجِ «) سوره بروج ، آیه ۱) . سوگنـد به آسـمانِ آکنـده ز برج . » فَلَا أُقْسِمُ بِمَوَاقِعِ النُّجُومِ × وَإِنَّهُ لَقَسَمٌ لَوْ تَعْلَمُونَ عَظِيمٌ × إِنَّهُ لَقُرْآنٌ كَرِيمٌ «) سوره واقعه ، آیات ۷۷ – ۷۵) . نه » چنین است که می پنداریـد « ، سوگنـد به جایگاه های ویژه و فواصل معیّن سـتارگان × اگر بدانید ، آن سوگنـدی سـخت بزرگ است ! × که این » پیام « قطعاً قرآنی است ارجمند . » وَلَقَدْ زَيَّنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِمَصَابِيحَ وَجَعَلْنَاهَا رُجُوماً لِلشَّيَاطِينِ وَأَعْتَدْنَا لَهُمْ عَذَابَ السَّعِيرِ «) سوره ملك ، آیه ۵) . و در حقیقت ، آسـمان دنیا را با چراغهایی زینت دادیم و آن را مایه طرد شیاطین » قوای مزاحم « گردانیدیم و برای آنها عذاب آتش فروزان آماده کرده ایم .
۲– ۳۹) أَلَمْ نَجْعَلِ الْأَرْضَ مِهَاداً «) سوره نبأ ، آیه ۶) . آیا زمین را گهواره ای نگردانیدیم ؟ » وَالشَّمْسُ تَجْرِي لِمُسْتَقَرٍّ لَهَا ذَلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ × وَالْقَمَرَ قَدَّرْنَاهُ مَنَازِلَ حَتَّى عَادَ كَالْعُرْجُونِ الْقَدِيمِ × لَا الشَّمْسُ يَنْبَغِي لَهَا أَنْ تُدْرِكَ الْقَمَرَ وَلَا اللَّيْلُ سَابِقُ النَّهَارِ وَكُلٌّ فِي فَلَكٍ يَسْبَحُونَ «) سوره یس ، آیات ۴۰ – ۳۸) . و خورشـید به » سوی « قرارگاه ویژه خود روان است . تقـدیرِ آن عزیز دانـا این است × و برای مـاه منزلهـایی معین کرده ایم ، تـا چون شاخكِ خشكِ خوشه خرما برگردد × نه خورشـید را سِزَد که به ماه رسـد ، و نه شب بر روز پیشـی جوید ، و هر کدام در سـپهری شـناورند . » وَالسَّمَاءِ ذَاتِ الْبُرُوجِ «) سوره بروج (آیه ۱) . سوگند به آسمانِ آکنده از برج .

آسمان را بی ستون افراشته(۱)

نقص را با حکمتش برداشته(۲)

.Your browser does not support the audio tag

خاک را با رحمتش آباد کرد(۳)

قلب را با ذکر خود شاداب کرد

ص: ۲۷

۱- ۴۰) خداوند در قرآن می فرماید : » خَلَقَ السَّمَاوَاتِ بِغَيْرِ عَمَدٍ تَرَوْنَهَا وَأَلْقَى فِي الْأَرْضِ رَوَاسِيَ أَنْ تَمِيدَ بِكُمْ وَبَثَّ فِيهَا مِنْ كُلِّ دَابَّةٍ وَأَنزَلْنَا مِنْ السَّمَاءِ مَاءً فَأَنْبَتْنَا فِيهَا مِنْ كُلِّ زَوْجٍ كَرِيمٍ «) سوره لقمان ، آیه ۱۰) . آسمانها را بی هیچ ستونی که آن را ببینید خلق کرد و در زمین کوه های استوار بیفکند تا » مبادا زمین « شما را بجنباند ، و در آن از هر گونه جنبنده ای پراکنده گردانیدو از آسمان آبی فروفرستادیم و از هر نوع » گیاه « نیکو در آن رویانیدیم .

۲- ۴۱) الَّذِي خَلَقَ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ طِبَاقاً مَا تَرَى فِي خَلْقِ الرَّحْمَانِ مِنْ تَفَاوُتٍ فَارْجِعْ الْبَصَرَ هَلْ تَرَى مِنْ فُطُورٍ × ثُمَّ ارْجِعْ الْبَصَرَ كَرَّتَيْنِ يَنقَلِبْ إِلَيْكَ الْبَصَرُ خَاسِئاً وَهُوَ حَسِيرٌ «) سوره ملک، آیات ۳ و ۴). همان که هفت آسمان را طبقه طبقه بیافرید . در آفرینشِ آن » خدای « بخشایشگر هیچ گونه اختلاف » و تفاوتی « نمی بینی . باز بنگر ، آیا خلل و نقصانی می بینی ؟ × باز دوباره بنگر تا نگاهت زبون و درمانده به سویت بازگردد .

۳- ۴۲) یعنی : خاک بی ارزش را با نظر کردن به آن ارزش داد و از آن انسان آفرید . خداوند می فرماید : » كَيْفَ تَكْفُرُونَ بِاللَّهِ وَكُنتُمْ أَمْوَاتاً فَأَحْيَاكُمْ ثُمَّ يُمِيتُكُمْ ثُمَّ يُحْيِيكُمْ ثُمَّ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ «) سوره بقره ، آیه ۲۸) . چگونه خدا را منکرید ؟ با آنکه مردگانی بودید و شما را زنده کرد باز شما را می میراند و باز زنده می کند و آن گاه به سوی او بازگردانده می شوید . » وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَكُمْ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ إِذَا أَنْتُمْ بَشَرٌ تَنتَشِرُونَ «) سوره روم ، آیه ۲۰) . و از نشانه های او این است که شما را از خاک آفرید پس بناگاه شما به صورت بشری هر سو پراکنده شدید .

ابر را می رانَدَش در آسمان

تا دهد بعد از قُنوطَش(۱) ارمغان

میوه های گونَگون(۲) پر مشتری

در بهشتش نیز مملوْ از پری(۳)

ص: ۲۸

---

۱ – ۴۳) ناامیدی از آمدنش . بیت فوق به این آیه قرآن کریم اشارت دارد : » وَهُوَ الَّذِی یُنَزِّلُ الْغَیْثَ مِنْ بَعْدِ مَا قَنَطُوا وَیَنشُرُ رَحْمَتَهُ وَهُوَ الْوَلِیُّ الْحَمِیدُ «) سوره شوری ، آیه ۲۸) . و اوست کسی که باران را – پس از آنکه » مردم « نومید شدند – فرود می آورد ، و رحمت خویش را می گسترد و هموست سرپرست ستوده .

۲– ۴۴) گونَگون : گوناگون .

۳– ۴۵) پری : حور العین و همسران زیبای بهشتی . خداوند می فرماید : » وَبَشِّرِ الَّذِینَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِی مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ كُلَّمَا رُزِقُوا مِنْهَا مِنْ ثَمَرَةٍ رِزْقاً قَالُوا هَـذَا الَّذِی رُزِقْنَا مِنْ قَبْلُ وَأُتُوا بِهِ مُتَشَابِهاً وَلَهُمْ فِیهَا أَزْوَاجٌ مُطَهَّرَةٌ وَهُمْ فِیهَا خَالِدُونَ «) سوره بقره ، آیه ۲۵) . و کسانی را که ایمان آورده اند و کارهای شایسته انجام داده اند ، مژده ده که ایشان را باغهایی خواهد بود که از زیر درختان آنها جویها روان است . هر گاه میوه ای از آن روزیِ ایشان شود ، می گویند : » این همان است که پیش از این نیز روزیِ ما بوده « . و مانند آن نعمتها برای آنها آورده شود و در آنجا همسرانی پاکیزه خواهند داشت و در آنجا جاودانه بمانند . » وَحُورٌ عِینٌ × كَأَمْثَالِ اللُّؤْلُؤِ الْمَكْنُونِ × جَزَاءً بِمَا كَانُوا یَعْمَلُونَ «) سوره واقعه، آیات ۲۴ – ۲۲). و حوران چشم درشت × مثل لؤلؤ نهانِ میانِ صدف ! × اینها پاداشی است برای آنچه می کردند .

خواب و بیداریّ ما الطاف اوست(۱)

زندگی با یاد شیرینش نکوست(۲)

بهر ما بسیار نعمت آفرید(۳)

باش خائف از خدا چون شاخ بید(۴)

ص :۲۹

---

۱ – ۴۶) وَخَلَقْنَاکُمْ أَزْوَاجاً × وَجَعَلْنَا نَوْمَکُمْ سُبَاتاً × وَجَعَلْنَا اللَّیْلَ لِبَاساً × وَجَعَلْنَا النَّهَارَ مَعَاشاً «) سوره نبأ ، آیات ۱۱ – ۸) . و شما را جفت آفریدیم × و خواب شما را مایه آسایش گردانیدیم × و شب را برای شما پوششی قرار دادیم × و روز را برای معاش شما نهادیم .

۲ – ۴۷) الَّذِینَ آمَنُوا وَتَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِکْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِکْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ «) سوره رعد ، آیه ۲۸) . همان کسانی که ایمان آورده اند و دلهایشان به یاد خدا آرام می گیرد . آگاه باش که با یاد خدا دلها آرامش می یابد .

۳– ۴۸) اللَّهُ الَّذِی خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَأَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجَ بِهِ مِنَ الثَّمَرَاتِ رِزْقًا لَکُمْ وَسَخَّرَ لَکُمُ الْفُلْکَ لِتَجْرِیَ فِی الْبَحْرِ بِأَمْرِهِ وَسَخَّرَ لَکُمُ الْأَنْهَارَ × وَسَخَّرَ لَکُمُ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ دَائِبَیْنِ وَسَخَّرَ لَکُمُ اللَّیْلَ وَالنَّهَارَ × وَآتَاکُمْ مِنْ کُلِّ مَا سَأَلْتُمُوهُ وَإِنْ تَعُدُّوا نِعْمَةَ اللَّهِ لَا تُحْصُوهَا إِنَّ الْإِنْسَانَ لَظَلُومٌ کَفَّارٌ «) سوره نحل ، آیات ۳۴ – ۳۲) . خداست که آسمانها و زمین را آفرید ، و از آسمان آبی فرستاد ، و به وسیله آن از میوه ها برای شما روزی بیرون آورد ، و کشتی را برای شما رام گردانید تا به فرمان او در دریا روان شود ، و رودها را برای شما مسخّر کرد × و خورشید و ماه را – که پیوسته روانند – برای شما رام گردانید و شب و روز را نیز مسخّر شما ساخت × و از هر چه از او خواستید به شما عطا کرد ، و اگر نعمت خدا را شماره کنید ، نمی توانید آن را به شمار درآورید . قطعاً انسان ستم پیشه ناسپاس است .

۴– ۴۹) چون شاخ بید : مثل شاخه درخت بید که با اندکی باد به لرزش درمی آید ، انسان نیز باید با اندک گناهی بترسد و بر خود بلرزد . و این ترس چیز بدی نیست ؛ بلکه از نشانه های ایمان و یقین است . خداوند در قرآن می فرماید : » إِنَّ فِی ذَلِکَ لَآیَةً لِمَنْ خَافَ عَذَابَ الْآخِرَةِ ذَلِکَ یَوْمٌ مَجْمُوعٌ لَهُ النَّاسُ وَذَلِکَ یَوْمٌ مَشْهُودٌ «) سوره هود ، آیه ۱۰۳) . قطعاً در این یادآوریها برای کسی که از عذاب آخرت می ترسد عبرتی است . آن روز ، روزی است که مردم را برای آن گرد می آورند ، و آن روز ، روزی است که جملگی در آن حاضر می شوند . » وَلَنُسْکِنَنَّکُمُ الْأَرْضَ مِنْ بَعْدِهِمْ ذَلِکَ لِمَنْ خَافَ مَقَامِی وَخَافَ وَعِیدِ «) سوره ابراهیم ، آیه ۱۴) . و قطعاً شما را پس از ایشان در آن سرزمین سکونت خواهیم داد . این برای کسی است که از ایستادن در محشر به هنگام حساب در پیشگاه من بترسد و از تهدیدم بیم داشته باشد . » وَلِمَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ جَنَّتَانِ × فَبِأَیِّ آلَاءِ رَبِّکُمَا تُکَذِّبَانِ «) سوره الرحمن ، آیات ۴۷ – ۴۶) . و هرکس را که از مقام پروردگارش بترسد دو باغ است × پس کدام یک از نعمتهای پروردگارتان را منکرید؟ » وَأَمَّا مَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ وَنَهَی النَّفْسَ عَنْ الْهَوَی × فَإِنَّ الْجَنَّةَ هِیَ الْمَأْوَی «) سوره نازعات ، آیات ۴۱ – ۴۰) . و امّا کسی که از ایستادن در برابر پروردگارش هراسید ، و نفس » خود « را از هوس باز داشت × پس جایگاه او همان بهشت است .

بس غنی باشیم(۱) با إنعام(۲) او

کس نگردد با کُنه أنعام(۵۲) او

در مدح پیامبر اعظم و خاتم انبیاء محمّد مصطفی صلی الله علیه وآله

.Your browser does not support the audio tag

رحمهٌ للعالمین احمد بوَد(۳)

برترینِ مرسَلین احمد بوَد(۴)

۱- ۵۰) انسان هر چند ذاتاً فقیر الی اللّه است ؛ اما باللّه) به وسیله لطف و کرم الهی (غنی می باشد . خداوند متعال در قرآن می فرماید : » وَأَنَّهُ هُوَ أَغْنَی وَأَقْنَی «) سوره نجم ، آیه ۴۸) . و هم اوست که شما را بی نیاز کرد و سرمایه بخشید .

۲- ۵۱)۲ (۵۲ . إنعام او : نعمت های او . . أنعام او : حیوانات او .

۳- ۵۳) وَمَا أَرْسَلْنَاکَ إِلَّا رَحْمَهً لِلْعَالَمِینَ «) سوره انبیاء ، آیه ۱۰۷) . و تو را جز رحمتی برای جهانیان نفرستادیم .

۴- ۵۴) پیامبر بزرگوار اسلام صلی الله علیه وآله به دو دلیل برترینِ انبیاء و رُسُل می باشد : ر۱) وجود مقدّسشان خاتم پیامبران است ؛ چنانکه خداوند می فرماید : » مَا کَانَ مُحَمَّدٌ أَبَا أَحَدٍ مِنْ رِجَالِکُمْ وَلَکِنْ رَسُولَ اللَّهِ وَخَاتَمَ النَّبِیِّینَ وَکَانَ اللَّهُ بِکُلِّ شَیْءٍ عَلِیماً «) سوره احزاب ، آیه ۴۰) . محمّد پدر هیچ یک از مردان شما نیست ، ولی فرستاده خدا و خاتم پیامبران است . و خدا همواره بر هر چیزی داناست .

شافع امت بوَد روز جزا(۵۵)

آفرین بر جان پاکش ، مرحبا !(۱)

۱- ۵۶) إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِکَتَهُ یُصَلُّونَ عَلَی النَّبِیِّ یَا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَیْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِیماً «) سوره احزاب ، آیه ۵۶) . خدا و فرشتگانش بر پیامبر درود می فرستند . ای کسانی که ایمان آورده اید ، بر او درود فرستید و به فرمانش بخوبی گردن نهید .

مرتضی با آن مقامش عبد اوست(۱)

بهر حق ، او در دو عالم آبروست

او نبی بوُد و رسول و هم ولی(۲)

زین سبب شد خادمش مولا علی

آسمان با نام او رفعت گرفت

بوالحسن در جای او شوکت گرفت(۳)

برترین نعمت وجود مصطفی است

روی او آیینه وجه خدا

خاک پایش کُحلِ(۴) چشم اَنبیاست

نزد او محبوب ، محبوب خداست

ص :۳۲

---

۱ – ۵۷) تمام شیعیان مقام حضرت رسول خدا صلی الله علیه وآله را بالاتر از مقام امام علی علیه السلام می دانند ؛ لذا این تهمتی را که برخی به شیعه می زنند که شیعیان مقام و مرتبت امام علی علیه السلام را بالاتر از نبیّ مکرم صلی الله علیه وآله می دانند بی اساس و باطل است . روزی شخصی که متحیّر مقامات امیرالمؤمنین علیه السلام شده بود به آن حضرت عرض نمود : یا علی ! مقام تو بالاتر است و یا مقام رسول خدا ؟ امیرالمؤمنین علیه السلام به وی فرمود : أنا عَبْدٌ مِنْ عَبیدِ محمّد صلی الله علیه وآله .) کافی ، ج ۱ ، ص ۹۰) من غلامی از غلامان محمّدم .
۲– ۵۸) ولیّ : امام عالَمین .
۳– ۵۹) یعنی اگر مولا امیرالمؤمنین علی علیه السلام عالی ترین مقامات را در بین مخلوقات خدا به دست آورد به این علت بود که وی در جای رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم قرار گرفت و جانشین آن حضرت صلی الله علیه وآله وسلم گردید .
۴– ۶۰) کُحْلِ چشم : سرمه دیدگان .

نورِ مطلق تا ابد قرآن اوست

اصل دین در هر زمان برهان اوست

اشک ریزانم به عشقت یا رسول !

دست بر رویم بکش جان بتول

اشاره ای به گوشه ای از فضائل اسداللّه الغالب مولانا علی بن ابی طالب علیه السلام

.Your browser does not support the audio tag

در دو عالم نور حق مولا علی است

در مصاف کافران یکتا یلی است

ساقی کوثر ، امیر اولیا

وارث احمد بوَد در کیش ما

راه مولا عین راه مصطفی است

هر که در آن ره رود مرد خداست

بوی عطر مصطفی انفاس اوست(۱)

آفِتاب کربلا عباس اوست

هر که نوشد جرعه ای از جام او

کیمیا دان تربت اقدام او(۲)

ص: ۳۳

۱- ۶۱) یعنی : هرگاه انفاس مقدس امیرالمؤمنین علیه السلام فضائی را پر می کرد ، همگان بوی معطر رسول خدا صلی الله علیه وآله را استشمام می کردند .

۲- ۶۲) یعنی : هر کس سرِ پیاله ای از شراب معرفت امام علی علیه السلام را بنوشد ، خاک پایش کیمیا می شود و آن خاک را اگر بر آهن یا مس بزنند تبدیل به طلا می گردد .

او بوَد خورشید دین در آسمان

نورافشانی کند در هر زمان

جنت المأوی ز خاک فرش او

کاخ ها افراشته تا عرش او(۱)

آسمان در هر نماز مرتضی

با شعف می کرد بر او اقتدا(۲)

Your browser does not support the audio tag.

تا ابد باران ترنّم سر دهد :

نیست از بَهر علی کُفواً أحَد(۳)

با دَمی از آتش عشق علی

گشت عالم از خِفایش مُنجلی(۴)

این سخن بر عاشقانش اظهر است :

دینِ احمد بی ولایش ابتر است

دشمنش را بدتر از کافر بدان

سرنگون گردد به دوزخ جاودان

ص: ۳۴

۱- ۶۳) یعنی : بهشت جاوید خداوند با تبرک گرفتن از خاک فرش و گلیم منزل امیرالمؤمنین علیه السلام کاخ هایی را از طلا تا به عرش خداوند ساخته است .

۲- ۶۴) یعنی : هرگاه امیرالمؤمنین علیه السلام به نماز می ایستاد آسمان و ساکنان آن ، با عشق و شور و شعف بر آن حضرت علیه السلام اقتدا می نمودند و با امامت امیرالمؤمنین علی علیه السلام نماز خویش را می خواندند .

۳- ۶۵) یعنی : باران با آهنگش برای همیشه چنین می خواند : برای علی علیه السلام همتایی نیست .

۴- ۶۶) یعنی : با ذرّه ای از محبت علی علیه السلام عالَم به اذن خدا از عدم به عرصه وجود آمد .

نیست در قلبش به جز حبّ ولی) عج (

کلُّ یَومٍ مَنْ یَقولُ یا عَلِی(۱)

گفت احمد : می شود با کفر پیر

الَّذین نافَقونا فِی الغدیر(۲)

کعبه با دستان او رفعت گرفت(۳)

با جهادش دین حق قدرت گرفت(۴)

بی علی دین نیست جز پندارها

با ولایش پی بری اسرارها

ص: ۳۵

۱- ۶۷) یعنی : هر کس که هر روز مخلصانه ذکر » یا علی « را بگوید ، چنین شخصی در قلبش محبّت امام عصر علیه السلام را دارد . پیامبر صلی الله علیه وآله فرمود : ذِکْرُ عَلیّ عِبادَهٌ) ینابیع الموده ، ص ۲۱۱) .

۲- ۶۸) یعنی : پیامبر اسلام صلی الله علیه وآله فرمودند که : هر کس درباره جانشینی علی علیه السلام در روز غدیر با ما خیانت و نفاق بورزد ، بداند که او با حالت کفر پیر می شود و می میرد .) مضمون بخشی از خطبه پیامبر صلی الله علیه وآله در غدیرخم (.

۳- ۶۹) مرحوم علّامه امینی در کتاب گرانسنگ » الغدیر « ، ج ۷ ، از صفحه ۱۰ تا ۱۳ : منابع متعددی از اهل سنت را در مورد این واقعه ذیل بیان می فرماید : زمانی که مکه توسط پیامبر صلی الله علیه وآله و یارانش فتح شد ، پیامبر صلی الله علیه وآله در خانه کعبه اقدام به شکستن بت ها نمود ، قسمتی از بت های نصب شده بر داخل کعبه و یا بیرون آن به وسیله علی علیه السلام سرنگون شد . پیامبر صلی الله علیه وآله برای سرنگون ساختن بت های بالای بام کعبه به علی علیه السلام دستور داد تا بر دوشش قرار بگیرد و امام علی علیه السلام بر دوش مبارک پیامبر صلی الله علیه وآله قرار گرفت و بت بزرگ قریش را که از مس بود ، بر زمین افکند آن گاه به افکندن دیگر بت ها پرداخت .

۴- ۷۰) بر همه فِرَق اسلامی از روز آشکارتر است که اگر مجاهدت ها و رشادت ها و ایثارگری های علی علیه السلام در نبرد با کفار نبود ، اسلام نمی توانست پیشرفت کند .) برای دیدن مصادر آن از اهل سنت به کتاب » سیمای جهان تاب « مراجعه گردد (.

بر زبان جاری کن این ذکر جلی :

» یا علیُّ « » یا علیُّ « » یا علیّ «(۱)

.Your browser does not support the audio tag

گر بخواهی یابی از حیدر نشان

با تدبّر یا أخی ! قرآن بخوان(۲)

وصف او در کلّ قرآن جای شد

پرچم حق تا ابد برپای شد(۳)

» هل أتی «(۴) با » إنّما «(۵) » مَنْ یَشْتری «(۶)

نیک برخوان تا بگردی مشتری

ص: ۳۶

۱- ۷۱) همان گونه که مطرح شد در منابع اهل تشیع و تسنن از رسول خدا آمده است که : ذِکرُ علیٍّ عبادَةٌ . درباره مشروع بودن توسل به اولیاء خدا ، در کتاب » عجایبی از صحاح « مستند و مفصل سخن گفته ام .) مؤلّف (

۲- ۷۲) چند صد آیه از آیات قرآن کریم درباره امیرالمؤمنین علی علیه السلام نازل شده است و این سخنی است که بسیاری از علمای اهل سنّت نیز به آن معترفند . از علمای بزرگ اهل سنت ، حاکم نیشابوری در کتاب ارزشمند » شواهد التّنزیل « بیش از ۲۰۰ آیه از آیات قرآن کریم - از کتب پیشین اهل سنت - را می آورد که در شأن امیرالمؤمنین علیه السلام نازل شده است . در ادامه ، برخی از این آیات را به زبان شعر در آورده ایم تا مشتاقان امیرالمؤمنین علیه السلام بیشتر بهره مند گردند .

۳- ۷۳) پرچم حق : وجود مقدس امیرالمؤمنین علیه السلام . معنی بیت : وصف حضرت علی علیه السلام در سراسر قرآن مشاهده می شود ؛ بنابراین مدح آن حضرت تا ابد باقی است ؛ زیرا قرآن ابدی می باشد .

۴- ۷۴) اشاره به سوره مبارکه دهر دارد که طبق روایات متعدد اهل تشیع و تسنن درباره وجود نازنین امیرالمومنین علیه السلام و خاندان او علیهم السلام نازل گردیده است .

۵- ۷۵) اشاره دارد به آیه شریفه : » إِنَّمَا وَلِیُّکُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِینَ آمَنُوا الَّذِینَ یُقِیمُونَ الصَّلَاهَ وَیُؤْتُونَ الزَّکَاهَ وَهُمْ رَاکِعُونَ « ولیّ شما ، تنها خدا و پیامبر اوست و کسانی که ایمان آورده اند : همان کسانی که نماز برپا می دارند و در حال رکوع زکات می دهند .) سوره مائده ، آیه ۵۵) . طبق روایات فراوان اهل تسنن و اهل تشیع این آیه در شأن امام علی علیه السلام نازل گردیده است ؛ آن زمانی که در رکوع نمازش ، انگشتری خویش را به سائلی داد .

۶- ۷۶) اشاره دارد به آیه ۲۰۷ سوره مبارکه بقره که خداوند می فرماید : » وَمِنْ النَّاسِ مَنْ یَشْرِی نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاهِ اللَّهِ وَاللَّهُ

رَءُوفٌ بِالْعِبَادِ « . و از میان مردم کسی است که جان خود را برای طلب خشنودی خدا می فروشد ، و خدا نسبت به این بندگان مهربان است . طبق روایات فراوانی که شیعه و سنی نقل می کنند آیه فوق در شأن امیرالمؤمنین علیه السلام نازل گردیده ، آن زمانی که – هنگام هجرت رسول خدا صلی الله علیه وآله – از مرگ نهراسید و خطر را به جان خرید و در بستر رسول خدا صلی الله علیه وآله خوابید تا آن حضرت صلی الله علیه وآله به مدینه هجرت نماید . درباره این سه آیه به صورت مفصّل و با ذکر اسناد ، در کتاب » سیمای جهان تاب « سخن گفته ایم .

آیه » بلّغ «(۱) پیامت می دهد

رنگ و بویی از امام ات می دهد

ص: ۳۷

---

۱ – ۷۷) مقصود آیه ۶۷ ، سوره مبارکه مائده است که در غدیرخم جهت بیان امامت امیرالمؤمنین علیه السلام بر قلب پیامبر نازل گردید . خداوند می فرماید : » یَا أَیُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنْزِلَ إِلَیْکَ مِنْ رَبِّکَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ یَعْصِمُکَ مِنَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ لَا یَهْدِی الْقَوْمَ الْکَافِرِینَ «) سوره مائده ، آیه ۶۷) . ای پیامبر ، آنچه از جانب پروردگارت به سوی تو نازل شده ، ابلاغ کن و اگر نکنی پیامش را نرسانده ای . و خدا تو را از گزندِ مردم نگاه می دارد . آری ، خدا گروه کافران را هدایت نمی کند . در کتاب سیمای جهات تاب از ص ۳۲۴ تا ۳۶۳ به صورت مفصّل و مستند در رابطه با این آیه و پیام غدیر سخن گفته ایم .

با تدبّر آیه » اکمال دین «(۱)

خوب بنگر تا شوی اهل یقین

در دو عالم آیت الکبری است او

در حقیقت لایق زهرا است او

نَفْسِ احمد خوانَدَش پروردگار(۲)

تا ابد وصفش به مُصحَف ماندگار

ص: ۳۸

۱- ۷۸) اشاره به آیه ۳ ، سوره مبارکه مائده دارد که بعد از معرّفی حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام در غدیرخم ، بر پیامبر نازل گردید : » أَلْیومَ أَکْمَلْتُ لَکُمْ دِینَکُمْ وَأَتْمَمْتُ عَلَیْکُمْ نِعْمَتِی وَرَضِیتُ لَکُمْ الْإِسْلَامَ دِیناً « . امروز دین شما را برایتان کامل و نعمت خود را بر شما تمام گردانیدم ، و اسلام را برای شما به عنوان دین برگزیدم . اسناد متعدد این واقعه در مصادر اهل سنت ، در کتاب سیمای جهان تاب بیان شده است .

۲- ۷۹) خداوند متعال در داستان مباهله پیامبر صلی الله علیه وآله با نصارای نجران ، از امیرالمؤمنین علیه السلام به نَفْسِ پیامبر صلی الله علیه وآله یاد می کند : » فَمَنْ حَاجَّکَ فِیهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَکَ مِنْ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَأَبْنَاءَکُمْ وَنِسَاءَنَا وَنِسَاءَکُمْ وَأَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَکُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَةَ اللَّهِ عَلَی الْکَاذِبِینَ «) سوره آل عمران ، آیه ۶۱) . پس هر که در این باره پس از دانشی که تو را حاصل آمده ، با تو محاجه کند ، بگو : بیایید پسرانمان و پسرانتان ، و زنانمان و زنانتان ، و ما خویشان نزدیك و شما خویشان نزدیک خود را فرا خوانیم سپس مباهله کنیم ، و لعنت خدا را بر دروغگویان قرار دهیم . در این رابطه در کتاب سیمای جهان تاب ، حکمت چهارم ، بحث جامعی شده است . پیامبر صلی الله علیه وآله نیز درباره وجود مقدس امیرالمؤمنین علیه السلام می فرماید : خُلِقْتُ أنا وعلیّ مِن نورٍ واحدٍ . من و علی از یک نور آفریده شده ایم .) بحار الانوار ، ج ۳۵ ، ص ۳۴) . و فرمودند : » أنا وَعلیٌّ مِنْ شَجَرَهٍ واحِدَهٍ والنّاسُ مِنْ أشجارٍ شَتّی « . من و علی از یک درختیم و سایر مردم از درختان گوناگون .) ینابیع المودّه ، ص ۲۳۵) . ابن ابی الحدید معتزلی - از دانشمندان قرن هفتم اهل سنّت - از رسول خدا صلی الله علیه وآله نقل می کند که آن حضرت صلی الله علیه وآله فرمود : کُنْتُ أنا وعلیٌّ نوراً بینَ یَدَیِ اللَّهِ عزّ وجلّ قبلَ أن یَخلقَ آدمَ بأرْبَعَهِ عشر ألفَ عامٍ ، فلمّا خَلقَ آدمَ قسم ذلک فیه وجعلهُ جُزئین ، فجزءٌ أنا وجُزءٌ علیّ .) شرح نهج البلاغه ، ج ۲ ، ص ۲۵۰) . من و علی نور واحدی بودیم نزد خدای عزّوجلّ قبل از چهارده هزار سال که خداوند آدم را بیافریند و چون آدم را آفرید آن نور را قسمت کرد و آن نور را دو جزء نمود : جزئی را من و جزئی را علی قرار داد . در صحیح بخاری در باب مناقب علی بن ابی طالب علیه السلام آمده است که رسول خدا صلی الله علیه وآله درباره علی علیه السلام فرمودند : یا علی ! أنتَ منّی وأنا مِنکَ . ای علی تو از منی و من نیز از تو هستم . این حدیث شریف که در مشهورترین کتب اهل سنت وجود دارد به تنهایی ولایت و خلافت بلافصل مولانا علی علیه السلام را اثبات می کند ؛ زیرا آن کس که وجودش از رسول خدا صلی الله علیه

وآله هست سزاوار جانشینی آن عزیز صلی الله علیه وآله می باشد نه دیگران . احادیث متعددی در منابع شیعه و سنی آمده که پیامبر صلی الله علیه وآله و علی علیه السلام از نور واحدی خلق شده اند که می رساند هویت این دو عزیز بزرگوار علیهما السلام یکی است . در کتاب سیمای جهان تاب در حکمت نامه اول ، مفصّل در این رابطه بحث شده است .

» الّذین امنوا « در این کتاب

هست مصداق اتمّش بوتراب

» الّذین جاهدوا « را هم نگر

تا نگیری دامن غیرش دگر

هر کجا صحبت از ایثاری شود

اول و آخر به حیدر می رسد(۱)

ص :۳۹

۱- ۸۰) یعنی وجود مقدس امیرالمؤمنین علیه السلام رکن و اساس و اصل ایثار است .

آن که در میثاق حیدر مانده است

ایزد او را اهل خشیت خوانده است(۱)

آن که بودی روز و شب انفاق گر

در کلام حق علی بُد ، نی دگر(۲)

چون خدا فرماید از اهل یقین

رأس آن باشد امیر المؤمنین(۳)

ص : ۴۰

۱- ۸۱) طبق روایات متعدد ، مقصود خداوند متعال از اهل خَشیت ، پیروان امیرالمؤمنین علیه السلام اند که در پیمان ولایت او پا برجا مانده اند و میثاق الهی را به پشت سر نیفکندند.

۲- ۸۲) خداوند در قرآن می فرماید : » الَّذِینَ یُنفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ بِاللَّیْلِ وَالنَّهَارِ سِرّاً وَعَلَانِیَةً فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَیْهِمْ وَلَا هُمْ یَحْزَنُونَ «) سوره بقره ، آیه ۲۷۴) . کسانی که اموال خود را شب و روز ، و نهان و آشکارا ، انفاق می کنند ، پاداش آنان نزد پروردگارشان برای آنان خواهد بود و نه بیمی بر آنان است و نه اندوهگین می شوند . در احادیث بسیاری - از اهل تشیع و تسنن - آمده است که این آیه درباره علی علیه السلام نازل شده است ؛ زیرا آن حضرت علیه السلام چهار درهم داشت ، درهمی را در شب و درهمی را در روز و درهمی را آشکار و درهمی را در نهان انفاق کرد و این آیه نازل شد . برای نمونه ، سیوطی - از علمای اهل سنت - در تفسیرش » الدّرّ المنثور « از ابن عباس روایت نموده که وی در تفسیر این آیه گفته است در شأن علی بن ابی طالب علیه السلام نازل شد که چهار درهم داشت ، یکی را در شب و دومی را در روز و سومی را پنهانی و چهارمی را علنی صدقه داد . برای اطلاع بیشتر به تفسیر » البرهان « تألیف مرحوم سید هاشم بحرانی ذیل آیه فوق مراجعه گردد .

۳- ۸۳) خداوند متعال در قرآن کریم ، هر جا از اهل یقین سخن بگوید ، در رأس آن امیرالمؤمنین علیه السلام مقصود است .

راسخانْ در علم(۱) و اهل ذکر(۲) کیست ؟

آن خداوندانِ سرّ و فکر کیست ؟

این علیّ و یازده فرزند اوست

این وصیّ و دوده دلبند اوست

» عَمَّ «(۳) را بنگر چه غوغا می کند ؟ !

باطلان را خوب رسوا می کند !

ص: ۴۱

---

۱ – ۸۴) اشاره دارد به آیه ۷ از سوره مبارکه آل عمران که خداوند از راسخان تمجید می کند و آنان را مفسران واقعی قرآن کریم معرفی می فرماید . طبق روایات فراوان راسخان در علم علی و اولاد او علیهم السلام هستند .) به سیمای جهان تاب ، حکمت نامه چهارم مراجعه گردد (.

۲ – ۸۵) خداوند متعال در قرآن می فرماید : » وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ إِلَّا رِجَالاً نُوحِي إِلَيْهِمْ فَاسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ «) سوره نحل ، آیه ۴۳) . در روایات متعدد آمده است که اهل ذکر علی و اولاد آن حضرت علیهم السلام می باشند .) به کتاب سیمای جهان تاب ، حکمت نامه چهارم مراجعه گردد (.

۳ – ۸۶) خداوند متعال در سوره مبارکه نبأ) آیات ۵ – ۱) می فرماید : » عَمَّ يَتَسَاءَلُونَ × عَنِ النَّبَإِ الْعَظِيمِ × الَّذِي هُمْ فِيهِ مُخْتَلِفُونَ × كَلَّا سَيَعْلَمُونَ × ثُمَّ كَلَّا سَيَعْلَمُونَ « . درباره چه چیز از یکدیگر می پرسند ؟ × از آن خبر بزرگ × که درباره آن با هم اختلاف دارند × نه چنان است ، به زودی خواهند دانست × باز هم نه چنان است ، بزودی خواهند دانست . طبق روایات وارده » نبأ عظیم « ولایت و امامت امیرالمؤمنین علی علیه السلام است که بسیاری نپذیرفتند و مورد اختلاف امت قرار گرفت .) کافی ، ج ۱ ، ص ۲۰۷) . خداوند به منکران امام علی علیه السلام در این سوره می فرماید : » كلّا سَيَعلمون « یعنی به زودی خواهند دانست که علی علیه السلام بر حق است و راه دیگران باطل است .

هر کجا از مخلصین گوید سخن

قصد او حیدر بوَد ای مُمتَحَن !(۱)

بوالحسن باشد صراط مستقیم(۲)

غاصب حقّش بوَد فرد زَنیم(۳)

.Your browser does not support the audio tag

سوی مشرق ، سوی مغرب روز و شب

گر عبادت ها کنی با صد ادب

مرتضی را گر نگیری رهنما

عبد شیطان بوده ایّ و خودنما

صابرانی که خدا تمجید کرد

راه و رسم و دینشان تأیید کرد

ص :۴۲

۱- ۸۷) ممتحَن : امتحان شده .

۲- ۸۸) اشاره دارد به آیه ۶ از سوره مبارکه حمد : » اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ « خدایا ! ما را به راه راست هدایت فرما . در روایات اهل تسنن و تشیع از رسول خدا صلی الله علیه وآله نقل گردیده که صراط مستقیم ، مقصود راه علی بن ابی طالب علیه السلام است .) تفسیر التبیان ، شیخ طوسی ، ج ۱ ، ص ۴۲ ؛ مجمع البیان ، طبرسی ، ج ۱ ، ص ۲۸) . بنابراین ما هر روز ده بار موظّفیم که از خداوند درخواست نمائیم که ما را در راه ولایت علی و اولاد آن حضرت علیهم السلام هدایت بگرداند . علاء الدین متّقی هندی - از علمای مشهور اهل سنت - در کتاب » کنز العمّال « از رسول خدا صلی الله علیه وآله نقل می کند که فرمودند : إن تَوَلّوا علیّاً تَجِدُوهُ هادیاً مهدیاً یَسْلُکُ بِکُم الطریقَ المستقیم .) کنز العمّال ، ح ۳۲۹۶۶) . اگر علی را به ولایت بگیرید او را هدایت کننده هدایت شده ای می یابید که شما را به طریق مستقیم) صراط مستقیم (هدایت خواهد نمود .

۳- ۸۹) زنیم : ناپاک زاد .

جز علیّ و آل او مصداق نیست

مثل آنان شمس در آفاق نیست

شیر حقْ آن شاهد پیغمبر(۱) است

آن که او ساقیّ حوض کوثر است

خوانَدَش » خیر البریّه «(۲) ربّ او

هم بوَد » خیر البشر «(۳) بی گفتگو

ص :۴۳

۱- ۹۰) اشـاره دارد به آیه ۱۷ ، سوره مبارکه هود که خداونـد می فرمایـد : » أَفَمَنْ کَانَ عَلَی بَیِّنَهٍ مِنْ رَبِّهِ وَیَتْلُوهُ شَاهِـدٌ مِنْهُ وَمِنْ قَبْلِهِ کِتَابُ مُوسَـی إِمَامـاً وَرَحْمَهً أُوْلَئِـکَ یُؤْمِنُونَ بِهِ وَمَنْ یَکْفُرْ بِهِ مِنْ الْأَحْزَابِ فَـالنَّارُ مَوْعِـدُهُ فَلَـا تَکُنْ فِی مِرْیَهٍ مِنْهُ إِنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّکَ وَلَکِنَّ أَکْثَرَ النَّاسِ لَـا یُؤْمِنُونَ « . آیا کسـی که از جانب پروردگارش بر حجّتی روشن است و شاهـدی از » خویشان « او ، پیرو آن است ، و پیش از وی » نیز « کتاب موسـی راهبر و مایه رحمت بوده است » دروغ می بافـد « ؟ آنان » که در جسـتجوی حقیقـت انـد « به آن می گرونـد ، و هر کس از گروه هـای » مخـالف « به آن کفر ورزد آتش وعـده گـاه اوست . پس در آن تردیـد مکن که آن حقّ است » و « از جانب پروردگارت آمـده است ولی بیشتر مردم باور نمی کننـد . در روایات متعـددی در کتب اهل تسـنن و تشیع آمده است که مقصود از شاهد پیغمبر صلی الله علیه وآله در آیه فوق وجود مبارک امیرالمؤمنین علیه السـلام می باشـد . زیرا آن وجود نـازنین در دامـان رسول خـدا صـلی الله علیه وآله پرورش یـافت و اولین کسـی بود که به آن حضـرت صـلی الله علیه وآله ایمان آورد و با تمام وجودش تا آخر عمر مبارک رسول خـدا صـلی الله علیه وآله حامی و مـدافع جانانه آن حضرت صلی الله علیه وآله بود .) تفسیر الدّر المنثور ، جلال الدین سیوطی ، ذیل آیه فوق ، البحر المحیط ، ابوحیان اندلسی ، ج ۵ ، ص ۳۲۱ ، مجمع البیان ، طبرسی ، ج ۲ ، ص ۱۴ ، شواهد التنزیل ، حاکم نیشابوری ، ج ۱ ، ص ۳۰۷ و ... (.

۲- ۹۱) خداونـد در قرآن می فرمایـد : » إِنَّ الَّذِینَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَـاتِ أُوْلَئِـکَ هُمْ خَیْرُ الْبَرِیَّهِ × جَزَاؤُهُمْ عِنْـدَ رَبِّهِمْ جَنَّاتُ عَدْنٍ تَجْرِی مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِینَ فِیهَا أَبَداً رَضِـیَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ ذَلِکَ لِمَنْ خَشِـیَ رَبَّهُ «) سوره بینه ، آیات ۸ - ۷) . در حقیقت کسانی که گرویـده و کارهای شایسـته کرده انـد ، آنانـنـد که بهترین آفریدگاننـد × پاداشِ آنان نزد پروردگارشان باغهای همیشـگی است که از زیر درختان آن ، نهرها روان است ، جاودانه در آن همی مانند خدا از آنان خشـنود است و آنان نیز از او خشـنود این پاداش برای کسـی است که از پروردگارش بترسد . طبق روایات متعدد کتب اهل تشیع و اهل تسنن » خیر البریّه «) بهـترین خلاـیق (امیرالمـؤمنین علیه السـلام و پیروان آن حضـرت می باشـند . جـابر بن عبـداللَّه انصـاری می گویـد : هنگـامی که آیه خیر البریّه نازل شـد پیامبر صـلی الله علیه وآله رو به علی کرد و فرمود : هُمْ أنتَ وشـیعتُک تَرِدُ عَلَیَّ وشـیعَتُکَ راضـینَ مَرْضـیّین .) شواهد التنزیل ، حاکم نیشابوری ، ج ۲ ، ص ۳۶۰) . : منظور از خیر البریّه تو و شـیعیان تو می باشـید . در روز قیـامت تو و شـیعیانت بر من وارد می شویـد ، در حـالی که هم خـدا از شـما راضـی است و هم شـما از خداونـد راضـی و خشـنود هستیـد . این روایت در کتب دیگر اهل سـنت نیز آمده است ؛ از قبیل : الصّواعق المحرقه ، ابن حجر هیثمی ، ص ۹۶ ؛ تفسیر طبری ، ج ۳۰ ، ص ۱۷۱ ؛ نور الأبصار ، شبلنجی ، ص ۱۱۰ ؛ مناقب خوارزمی ، ص ۴۲۱ ؛ فتح الغدیر ، شوکانی ، ج ۵ ، ص ۴۶۴ .

۳– ۹۲) در احادیث متعددی آمده است که امیرالمؤمنین علیه السلام خیر البشر است : یا علیّ ! أنت خیر البشر ، من شکّ فیه إلّا کافر . علی خیرُ البشر و من أبی فقد کفر .) ینابیع المودّه ، شیخ سلیمان حنفی قُندوزی ، ص ۲۷۳) . علیّ بن أبی طالب خیر هذه الأُمّه بعدی .) شرح احقاق الحق ، ج ۴ ، ص ۲۵۱) . هو خیر امّتی .) مناقب ، محمّد بن سلیمان کوفی ، ج ۱ ، ص ۳۸۷) .

.Your browser does not support the audio tag

بو الحسن فاروق اعظم(۱) ، شیر حق

در رشادت برده از عالم سَبَق(۲)

با » أطیعوا اللّه «(۳) شد حیدر قرین

پیروانش جملگی مردان دین

بهر احمد در میادینْ(۴) آبروست

در میان امّتش » صدیق «(۵) اوست

ص: ۴۵

۱- ۹۳) فاروق اعظم : بزرگترین جدا کننده حق از باطل .

۲- ۹۴) سَبَق : پیشی و سبقت .

۳- ۹۵) اشاره دارد به آیه ۵۹ سوره مبارکه نساء که خداوند اطاعت از » أولی الأمر « را در کنار اطاعت از خود و رسولش واجب نموده است : » یَا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا أَطِیعُوا اللَّهَ وَأَطِیعُوا الرَّسُولَ وَأُوْلِی الْأَمْرِ مِنْکُمْ فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِی شَیْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَی اللَّهِ وَالرَّسُولِ إِنْ کُنتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْیَوْمِ الْآخِرِ ذَلِکَ خَیْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِیلاً « . ای کسانی که ایمان آورده اید ، خدا را اطاعت کنید و پیامبر و اولیای امر خود را نیز اطاعت کنید پس هر گاه در امری دینی اختلاف نظر یافتید ، اگر به خدا و روز بازپسین ایمان دارید ، آن را به » کتاب « خدا و » سنت « پیامبر او عرضه بدارید ، این بهتر و نیک فرجام تر است . در این باره روایات فراوانی از علمای اهل سنت نقل شده است که » أولی الامر « علی علیه السلام و اولاد آن حضرت می باشند .) جهت یافتن مصادر احادیث فوق به کتاب سیمای جهان تاب ، از ص ۴۸۳ تا ۴۹۶ مراجعه گردد (.

۴- ۹۶) میادین نبرد با کفار .

۵- ۹۷) در کتب اهل سنّت آمده است که پیامبر صلی الله علیه وآله فرمودند : الصِّدیقون ثلاثهٌ : » حبیب النّجار « مؤمن آل یاسین ، و» حزقیل « مؤمن آل فرعون ، و» علیّ بن ابی طالب « ثالثٌ وهُوَ أفضلهم .) مناقب ابن مردویه ، ص ۳۱۳ ؛ الجامع الصغیر ، سیوطی ، ج ۲ ، ص ۱۱۵ ؛ مناقب ابن مغازلی شافعی ، ص ۲۰۰ و ... (.

.Your browser does not support the audio tag

مصطفی خوانْدش امیرالمؤمنین(۱)

نفس احمد(۲) بوُد آن سردار دین

مُنْذِر است از جانب حق مصطفی

هادی امت بوَد شیر خدا(۳)

۱- ۹۸) در احادیث متعدد از امامان معصوم علیهم السلام آمده است که این لقب فقط مختص علی علیه السلام است و کسی حق ندارد آن را روی خود بگذارد ؛ به عنوان نمونه : شخصی بر امام صادق علیه السلام وارد شد و گفت : سلام بر تو ای امیرالمؤمنین ! امام صادق علیه السلام ایستادند و فرمودند : همانا این اسم تنها مختص امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام است و هیچ کس صلاحیت آن را ندارد که به آن لقب نامیده شود .) مستدرک الوسائل ، ج ۱ ، ص ۴۰۰ ؛ بحار الانوار ، ج ۳۷ ، ص ۲۳۱) . لقب شریف » امیرالمؤمنین « را پیامبر صلی الله علیه وآله در روز غدیر خم از جانب خداوند به علی علیه السلام دادند .) به کتاب سیمای جهان تاب ، از ص ۳۴۸ تا ۳۶۳ مراجعه شود (.
۲- ۹۹) طبق آیه ۶۱ سوره مبارکه آل عمران و روایات متعدد ، امیرمؤمنان علیه السلام نفس پیامبر است .
۳- ۱۰۰) خداوند در قرآن کریم می فرماید : » وَيَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْلَا أُنزِلَ عَلَيْهِ آيَةٌ مِنْ رَبِّهِ إِنَّمَا أَنْتَ مُنذِرٌ وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ «) سوره رعد ، آیه ۷) . و آنان که کافر شده اند می گویند : چرا نشانه ای آشکار از طرف پروردگارش بر او نازل نشده است ؟ » ای پیامبر « تو فقط هشداردهنده ای ، و برای هر قومی رهبری است . در احادیث شیعه و سنی آمده است : هنگامی که آیه : » إنّما أنت مُنْذِر ... « بر پیامبر صلی الله علیه وآله نازل شد ، آن حضرت دست بر سینه مبارکشان نهاد و فرمودند : من منذِر هستم ،) بنیان گذار و شارع شریعت اسلام من هستم (و هر قوم و جمعیتی هدایت گری دارد . سپس دست بر سینه علی نهاد و فرمود : ای علی ! هادی تو هستی ؛ علاقمندان به هدایت به وسیله تو هدایت می شوند .) الدّر المنثور ، ج ۴ ، ص ۴۵ ؛ شواهد التنزیل ، ج ۱ ، ص ۲۹۸ ؛ مستدرک الصحیحین ، ج ۳ ، ص ۱۲۹ و ... (.

باب شهر علم(۱) جز مولا که بود ؟

کان و بحر حلم جز مولا که بود ؟

.Your browser does not support the audio tag

جان احمد ، دست یزدان مرتضی است

کُنهِ تقوا ، روح فرقان مرتضی است

سوره توحید(۲) و انسان(۳) مرتضی است

یار احمد ، شیر میدان مرتضی است

۱- ۱۰۱) پیامبر صلی الله علیه وآله فرمودند : أنا مدینهُ العِلمُ وعلیٌّ بابُها ، فَمَنْ أرادَ العِلْم فَلْیَأْتِ الباب . من شهر علمم و علی دروازه آن می باشد؛ پس هرکس جویای علم باشد باید از دروازه آن وارد گردد. حدیث بسیار مشهور فوق در منابع متعدّدی از کتب اهل سنت آمده است .) به کتاب سیمای جهان تاب ، حکمت ۲۲ مراجعه گردد (.

۲- ۱۰۲) رسول خدا صلی الله علیه وآله فرمودند : یا علی ! مثلُکَ مثلَ » قل هُوَ اللّهُ أَحَدٌ « مَن أحبّک بقلبِهِ فکأنّما قرأ ثلث القرآن ومن أُحبّکَ بِقلبِهِ وَأعانک بلسانه فکأَنّما قَرَأَ ثُلُثَیِ القرآن ، ومن أحبّک بقلبه وأعانک بلسانه ونصرَک بِیدهِ فکأنّما قرأ القرآن کلّه .) خصال ، شیخ صدوق ، ج ۲ ، ص ۵۸۰ ؛ تفسیر نور الثقلین ، ج ۵ ، ص ۷۰۱) . ای علی ! تو به سوره » قل هو اللّه احد « می مانی ؛ هر کس قلباً تو را دوست داشته باشد ، مثل این است که یک سوم قرآن را خوانده باشد ، و هر کس تو را در دل دوست بدارد و به زبان یاریت رساند ، گویا دوسوم قرآن را خوانده باشد ، و هر کس تو را در دل دوست بدارد و به زبان کمکت کند و با عمل یاری ات رساند ، چنان است که همه قرآن را خوانده باشد .

۳- ۱۰۳) سوره انسان همان سوره دهر یا هل أتی است که درباره حضرت علی علیه السلام و حضرت زهرا علیها السلام و امام حسن و امام حسین علیهما السلام نازل شده است .

بحر دانش ، جان جانان مرتضی است

روح قرآن ، رکن ایمان مرتضی است

راه اقوم(۱) ، اصل برهان مرتضی است

فاش گویم : کلّ قرآن مرتضی است

.Your browser does not support the audio tag

در اُحد فریاد جبریل امین

» لا فتی إلّا علی «(۲) را نیک بین

عاشقا !(۳) روح القُدُس هم یار اوست

جبرئیل از زمره دربار اوست

.Your browser does not support the audio tag

ضربت حیدر به عَمرو(۴) عبدُوَد

برتر از طاعات انس و جن بوَد

۱- ۱۰۴) اشاره دارد به آیه ۹ سوره مبارکه إسراء .

۲- ۱۰۵) در جنگ احد جبرئیل امین علیه السلام آنچنان متحیّر از رشادت و فداکاری حضرت امیر علیه السلام گشته بود که مدام در آسمان فریاد می کشید : لا فتی إلّا علی ولا سیف إلّا ذوالفقار ابن ابی الحدید معتزلی در شرح نهج البلاغه ، ج ۱۴ ، ص ۲۵۱ ؛ و خوارزمی در کتاب مناقبش ، ص ۲۲۳ ؛ و ابن اثیر در کتاب تاریخ کامل ، ج ۲ ، ص ۱۰۷ ؛ شیخ مفید در کتاب ارشاد ، ص ۲۹۵ و دیگران نقل می کنند . در روز احد با فرار کردن مسلمین و رها نمودن رسول خدا صلی الله علیه وآله آنگاه که امیرالمؤمنین علیه السلام جانانه از جان رسول خدا دفاع می کرد ، مکرر از آسمان صدایی شنیده می شد که می گفت : لا فتی إلّا علی ولا سیف إلّا ذوالفقار و گوینده دیده نمی شد . از پیامبر صلی الله علیه وآله سؤال کردند که گوینده کیست ؟ فرمود : جبرئیل امین است .

۳- ۱۰۶) عاشقا ! : ای شیعیان عاشق مولا علی علیه السلام .

۴- ۱۰۷) اشاره دارد به نبرد جانانه امیر مؤمنان علیه السلام با پهلوان نامی و زورآور عرب به نام عمرو بن عبدوُد در جنگ خندق در سال پنجم هجری . در منابع شیعه و اهل سنت آمده است ، آنگاه که عمرو بن عبدوُد با ذوالفقار علی علیه السلام کشته شد ، پیامبر صلی الله علیه وآله فرمود : ضربةُ عَلِيٍّ یومَ الخندَق أفضلُ مِن عبادةِ الثَّقَلین إلی یوم القیامه . ضربتی را که علی بر عمرو بن عبدود در روز خندق زد ، برتر از عبادت تمام انسان ها و جنّی ها تا روز قیامت است . فلسفه این سخن پیداست ، چرا که در آن روز اسلام و قرآن ظاهراً بر لب پرتگاه قرار گرفته بود و بحرانی ترین لحظات خود را می پیمود ، کسی که با فداکاری خود بیشترین رشادت و ایثارگری را در میدان نشان داد و اسلام را از خطر حفظ کرد و تداوم آن را تا روز قیامت تضمین نمود ، آن حضرت علیه السلام بود . بنابراین عبادت همگان مرهون رشادت های مولا علی علیه السلام است .

برتر از آن تا قیامت تا ابد ! !

زین سبب گشته ملقّب به اسد(۱)

» شیر حق « را نام جز حیدر نبُود(۲)

زین جهت در آسمانها دل ربود

.Your browser does not support the audio tag

شاه مردان بر ولایت نصب شد

لیک حقّش بعد احمد غصب شد

غصب شد حقّش به دست ناکسان

آن ابرنا مردمان و کرکسان

هر که بی حیدر بمیرد کور باد

تا ابد از رحمت حق دور باد

ص: ۴۹

---

۱ – ۱۰۸) یعنی : آری ، رشادت علی علیه السلام در برابر عمرو و کشتن او برتری یافت از عبادت ثقلین) انس و جن (آن هم تا قیامت ؛ اکنون دانستی چرا خدا و رسولش او را اَسَد نامیدند ؟

۲ – ۱۰۹) یعنی : هیچ کس به جز امیرالمؤمنین علیه السلام در عالم سزاوار آن نخواهد بود که وی را « شیر حق » نام گذاری کنند .

Your browser does not support the audio tag.

در میان اولیا اختر بوَد

در قیامت ساقی کوثر بوَد

او به فرمان نبی لبیک گفت(۱)

بر خطر لبخند زد ، جایش بخفت(۲)

در رشادت کس به گردش کی رسد ؟

در خداترسی به قدرش کی رسد ؟

شیر یزدان حیدر کرار او

بهر احمد بهترین سردار او

هر که بی مهرش بمیرد کور باد

با شیاطین تا ابد محشور باد

گر رود بر نیزه ها سرهایمان

باز هم گوئیم : او مولایمان

ص: ۵۰

۱- ۱۱۰) همان گونه که قبلاً گفتیم طبق احادیث شیعه و سنی وجود مقدس رسول خدا صلی الله علیه وآله و امیرالمؤمنین علیه السلام قبل از این که خداوند آسمان ها و زمین را بیافریند به صورت نور واحدی بودند و خدا را پرستش می کردند ، سپس این نور مقدّس دو بخش گردید .) به کتاب سیمای جهان تاب ، حکمت نامه اول مراجعه گردد (. معنای اولین کس با نبی لبیک گفت ، یعنی : اولین موجودی که با رسول خدا صلی الله علیه وآله در عالم نور به خدا لبیک گفت ، علی علیه السلام بود .

۲- ۱۱۱) آنگاه که امیرالمؤمنین علیه السلام در شب لیله المبیت ، خواست در بستر پیامبر صلی الله علیه وآله بخوابد و مهیّای مرگ گردد ؛ به رسول خدا صلی الله علیه وآله فرمود : آیا با این کارم شما زنده می مانید ؟ رسول خدا صلی الله علیه وآله فرمودند : آری یا علی ! علی علیه السلام با شنیدن این سخن خندید و به سجده افتاد و خدا را شکر نمود .) سیمای جهان تاب ، حکمت ششم (.

مصطفی او را برادر خوانده است

هر که بی حیدر بوَد درمانده است

گو که قرآن با علی معنا شود

چشم دل با ذکراو بینا شود

شیعیانش را بگو : آزادگان

آبرومند زمین و آسمان

بوی او عالم معطّر می کند

روی او عالم منوّر می کند

یک نخ از مویش ز عالم بیش باد

هر که منکر شد بر او صد نیش باد(۱)

چهره اش زیباتر از یوسِف بوَد

علم مولا برتر از آصف(۲) بوَد

علم آن حضرت کجا آصف کجا ؟(۳)

روی وجه اللّه کجا یوسِف کجا ؟

۱- ۱۱۲) یعنی : یک نخ از موی سر مولا علی علیه السلام ارزشش از کلّ عالم بیشتر است ، و هر کس که انکار کند بدنش پر از نیش های مار و عقرب و گزندگان باد .
۲- ۱۱۳) علم امیرالمؤمنین علیه السلام بسیار بیشتر از علم آصف بن برخیا باشد . آصف بن برخیائی که - به قول قرآن - با دارا بودن حرفی از اسم اعظم الهی و علمِ کتاب آسمانی ، توانست تخت بزرگ و باعظمت بلقیس) پادشاه کشور یمن (را با چشم برهم زدنی در کاخ حضرت سلیمان علیه السلام بیاورد . داستان آن در سوره مبارکه نمل آمده است .
۳- ۱۱۴) در روایات آمده که علم آصف بن برخیا در مقایسه با علم علی علیه السلام همانند نمی در برابر دریاست .) سیمای جهان تاب ، حکمت نامه ۲۲) .

شخص » مولانا « نباشد جز علی(۱)

نه رئیس صنف رقص(۲) و تنبلی

شخص مولانای ما جایی که هست

مولوی و غیر او هستند پست

هست در جایی که مولانای ما

ابن اعرابی است زیر پای ما(۳)

عده ای دکّان به راه انداختند

از علی هم نردبانی ساختند

خرج سازد نام او را بهر خویش

تا برد با نام او کارش به پیش

کرده نامش را تنور نان خویش

او اسیر کشف و طنبور است و ریش

با فروش یا علی نان می خرد

اسم و رسم و موقعیّت می برد

ص :

۱- ۱۱۵) یعنی : شایسته نیست کسی جز امیرالمؤمنین علیه السلام را » مولانا « خواند .
۲- ۱۱۶) مقصود رقص سَماع صوفیه است که در مثنوی و سایر آثار مولوی به شدّت از آن دفاع و تمجید شده است و این در حالی است که اجماع علمای اهل بیت علیهم السلام رقص سماع را بدعت و حرام می دانند .
۳- ۱۱۷) یعنی : جایی که معارف مولا امیر المؤمنین علیه السلام است ، معارف و تفکرات بشری - مانند معارف مولوی و ابن عربی و غیره - که آمیخته با اشتباهات و انحرافات کوچک و بزرگ است را زیر پا می گذاریم) بی توجه هستیم (و فقط جیره خوار سفره معارف نورانی علی و اولاد طاهرینش علیهم السلام هستیم .

خود تهی از علم و تحقیق این گروه

از غرور و ادّعا مانند کوه

مثنوی می خواند و نی می زند

بی خبر کاو شرع را پی می زند(۱)

از متانت ، از دیانت وین قبیل

اکتفا کردند بر یک مَن سبیل

شد ولایت دست ایشان ملعبه

راه می یابند بر هر مصطبه(۲)

فرقه فرقه حال با خود می کنند

در خفا آن کار بی خود می کنند

قطب و تریاک است کار و سازشان

لیک ذکر یا علی آوازشان

نعره ها و خلسه ها و ذکر هو

خود نبرده از حقیقت رنگ و بو

خرقه و کشکول و دستار و سِتار

جای درس و اشک و تقوا و بحار(۳)

نیست در قاموس اینان منکَری

هست معبودش خدای دیگری

ص :۵۳

۱– ۱۱۸) از پی می زند : از پایه و اساس می زند .
۲– ۱۱۹) مصطبه : سکو ، تخت ، سریر .
۳– ۱۲۰) مقصود کتاب شریف بحار الأنوار است .

از حسابیّ و کتابی غافل اند

از رساله از مسائل جاهل اند

نیست از قرآن و تفسیرش خبر

می رود با پیر(۱) خود اندر سقر(۲)

از صحیفه هست بیگانه ولی

خویش را جا می زند صاحب ولی

طالب نهج البلاغه نیست او

در عوض با سلسله می زیست او

جای جا از دین حق بربوده اند

جای جا بر دین حق افزوده اند

معنی بدعت همین باشد رفیق !

نیک بنگر با که پیمایی طریق ؟!

دین جعلی نیست دین مرتضی

دین شناسی کن از اول با وفا !

از فقیهانی که تقوا پیشه اند

در عمل در علم دین کوشیده اند

اخذ باید کرد دین مصطفی

راه باید رفت راه مرتضی

دین صوفی نیست راه مستقیم

رهروانش دور از اسلام عظیم

۱- ۱۲۱) مرشد و قطب .

۲- ۱۲۲) جهنم .

صد فلان شاه و فلان شاه و فلان

صد کرامت های کذب و بی نشان

نام عرفان بسته بر بازار خویش

دست شیطان داده اند افسار خویش

خانقه وا کرده مسجد بسته اند

بی شریعت نزد خود وارسته اند(۱)

پیروِ مولا علی این است این ؟!

عارف و مرد و ولی این است این ؟!

خود علی بی زار از صوفی گری

صلح کلّ(۲) و کارزار زرگری

هست بی زار از زرنگی شان علی

از دو رنگی و جفنگی شان علی

ص :۵۵

۱- ۱۲۳) این بیت اشاره دارد به این عقیده صوفیه : آنگاه که صوفی واصل ، به حقیقت دین رسید ، شریعت - که فقط ابزاری است جهت رسیدن به حقیقت - از وی ساقط می گردد و او کاملاً بی نیاز از نماز و روزه و غیره می شود . مولوی در مقدمه پنجم مثنوی می گوید : اذا وصلت الحقایق ، بطلت الشرایع ؛ یعنی : زمانی که حقیقت برای عارف سالک پدیدار شود ، شریعت از وی ابطال می گردد . اجماع علمای امت اسلام ، این تفکّر صوفیه را انحرافی و مخالف قرآن و سنّت بیان می دارند .

۲- ۱۲۴) صوفیه تمام راه ها و ایده ها و عقاید و مذاهب را بر حق می دانند ؛ به عنوان مثال ابن عربی می گوید : عقد الخلائق فی الاله عقایداً و انا اعتقدت جمیع ما عقدوه هر یک از خلایق درباره خداوند عقایدی دارند ؛ ولیکن من هرچه آنان عقیده کرده اند ، عقیده دارم .) فتوحات مکّیه ، ج ۳ ، ص ۱۷۵) .

مکتب مولاست ، مستور حجاب :

فلسفه ، عرفان ، مدرنیسم سراب(۱)

این حُجُب نور حقیقت تار کرد

اهرم عقل بشر ناکار کرد

این سه تا شد دین قلّابیّ ما

سفره رنگیّ و سیرابیّ ما(۲)

این کجا و مکتب مولا کجا ؟!

این کجا و مهدی زهرا کجا ؟!

بوده آیا این مزخرف ها ز دین ؟!

حاشَ لِلَّه یا امیرالمؤمنین !!

مکتب مولاست چیزی مستقل(۳)

رو شناس آن را و غیر آب بِهِل(۴)

هست آیات و حدیث و سیره ها

مکتب ناب حبیب دلربا

هم زیارات ، ادعیه ، هم معجزات

جملگی هستند انوار حیات

ص :۵۶

۱- ۱۲۵) معارف نورانی امیر المؤمنین علیه السلام و اهل بیت علیهم السلام پاک و مطهرش توسط حجاب فلسفه) تفکّرات یونانی (و عرفان) تصوف (و مدرنیسم سراب ، توسط بعضی مسطور شده است .

۲- ۱۲۶) در سه کتاب » ابن عربی از نگاهی دیگر « ، » معارف حقیقی در صحیفه سجادیه « ، » چه کسانی نمی فهمند؟ « در ۱۵۰۰ صفحه مباحث و عقاید غلط و انحرافی صوفیه و فلسفه التقاطی را با استنادات فراون به ده ها کتاب آنان و شروح متعدد

این کتب بیان نموده ایم .

۳- ۱۲۷) یعنی مستقل و جدا از تفکرات بشری .

۴- ۱۲۸) رها ساز .

غیر اینها نیست آئین علی

گوش دل بسپار بر دین علی

بهر انسان این کفایت می کند

لیک شیطان هم غوایت(۱) می کند

تا که راه دیگری پیش آورد

شخصْ حرف تازه از خویش آورد

مکتب مولا نماید منزوی

مبتلا سازد بشر بر کجروی

در اقالیم سخن یکتاست او(۲)

خود سخن های علی غوغاست او

نور و عشق و شور و مستیّ و صفا

رَوح و شیرینیّ و شادیّ و بقا

حکمت و لطف و هدایت در هم است

نسخه دنیا و عُقبی با هم است

هرچه خیر است و سعادت اندر اوست(۳)

بهر فرهنگ بشر هم آبروست

.Your browser does not support the audio tag

عشق مولا بر دلت آتش زند

غیر از او از راهِ حق می افکند

۱- ۱۲۹) گمراهی .
۲- ۱۳۰) یعنی : در میدان بلاغت و فصاحت و سخنان نغز ، امیرالمؤمنین علیه السلام یکتای عالمیان است .
۳- ۱۳۱) نهج البلاغه .

بوعلی ، عطّار ، حافظ ، مولوی

شیخ اکبر ،(۱) شیخ صدرا ،(۲) قونوی

آنچه اینان در معارف(۳) گفته اند

سنگ را جای جواهر سفته اند(۴)

دین و عرفان را نگیر از ناصبی

گر چنین کردی چو » ثانی «(۵) غاصبی

نیست کس جز او که قلبم را رُبود

تا ببوسم خاک پایش در سجود

هم صفا ، هم مروه ، هم بیت الحرام

ذکرشان » مولا علی « باشد مدام

خاک پای قنبرش را ای نگار !

سرمه سان بر دیده کَش با افتخار

مولوی ! کمتر بگو : شمسم کجاست ؟!

هر کجا باشد بدان پا در هواست

۱- ۱۳۲) شیخ اکبر : محی الدین عربی .
۲- ۱۳۳) شیخ صدرا : ملاصدرا .
۳- ۱۳۴) عمده انتقادات به این بزرگان تفکّرات بشری ، بیشتر در حوزه خداشناسی و معارف توحیدی است ؛ امّا این بزرگان ادبیات و تفکّرات بشری ، در برخی از مباحث انسان شناسی و اجتماعی سخنان جالب و قابل استفاده متعددی نیز دارند .

۴- ۱۳۵) یعنی : هر چه این بزرگان معارف بشری در رابطه با خدا و جهان بینی توحیدی در کتب و رسائلشان گفته اند ، در حقیقت سنگ و کلوخ را به بند کشیده اند و جای جواهر به دیگران قالب کرده اند .

۵- ۱۳۶) ثانی : خلیفه دوم .

گر علی را مولوی ! بشناختی

شمس از اوّل رها می ساختی

شمس را در اسم گویندش چنین

چون دغلبازی که گویندش » امین «

چشم بگشا تا ببینی شمس کیست

بهتر از او در میان خلق نیست

شمس دین مولا امیرالمؤمنین

نورافشانی کند بر عالمین

.Your browser does not support the audio tag

از شب قدری که مولایم در آن

با شعف رو کرد سمتِ آسمان(۱)

آسمان مسحور چشمان علی است

زین سبب دائم به دنبال ولی است

تا به هنگام ظهورش خم شود

صورت خود را بر اقدامش نهد

.Your browser does not support the audio tag

مصطفی آنگه که در معراج خویش

چون کشید او وصف حیدر را به پیش

بی محابا حوریان برپا شدند

اشک ریزان عاشق مولا شدند

جملگی گفتند با صوت جَلی :

» یا علیٌّ « » یا علیٌّ « » یا علی «

---

۱ – ۱۳۷) حضرت امیرمؤمنان علی علیه السلام در شب نوزده ماه مبارک رمضان ، مکرر به آسمان نگاه می کرد و می فرمود : إنّا للّه وإنّا إلیه راجعون، ولا حول ولا قوه إلاّ باللّه ، اللّهمّ بارک لی فی الموت .

.Your browser does not support the audio tag

بوالحسن در قلب هر کس جای شد

ای خوشا ! جنّت در آن برپای شد

گر به سجده ، کس هزاران سال شد

بی ولایش جملگی ابطال شد

ذرّه ای از خاک پای مرتضی

هر دو عالم را کند عرش خدا

.Your browser does not support the audio tag

هر که با حیدرْ وَ آلش خصم شد

نام او بر روی دوزخ رسم شد

شمر را دوزخ خورَد با اشتها

هکَذا مَنْ رَدَّ وُلْدَ الْمُرتَضی(۱)

دشمنانش در جهنم هیزمند

منکرانش قعر آتش کژ دمند(۲)

---

۱ – ۱۳۸) در روز رستاخیز ، دوزخ با نفس هایش شمر را می بلعد . همچنین کسانی که فرزندان علی علیه السلام را رد کنند و با آن ها خصومت نمایند نیز خوراک دوزخ اند .
۲ – ۱۳۹) کسانی که با ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام خصمانه برخورد می نمایند و راه مردم را بر ولایت آن حضرت می بندند ، مشمول این آیه هستند : » وَنَادَی أَصْحَابُ الْجَنَّهِ أَصْحَابَ النَّارِ أَنْ قَدْ وَجَدْنَا مَا وَعَدَنَا رَبُّنَا حَقّاً فَهَلْ وَجَدْتُمْ مَا وَعَدَ رَبُّکُمْ حَقّاً قَالُوا نَعَمْ فَأَذَّنَ مُؤَذِّنٌ بَیْنَهُمْ أَنْ لَعْنَهُ اللَّهِ عَلَی الظَّالِمِینَ × الَّذِینَ یَصُدُّونَ عَنْ سَبِیلِ اللَّهِ وَیَبْغُونَهَا عِوَجاً وَهُمْ بِالآخِرَهِ کَافِرُونَ «) سوره اعراف ، آیات ۴۵ – ۴۴) . و بهشتیان ، دوزخیان را آواز می دهند که : ما آنچه را پروردگارمان به ما وعده داده بود درست یافتیم آیا شما » نیز « آنچه را پروردگارتان وعده کرده بود راست و درست یافتید ؟ می گویند : آری . پس آواز دهنده ای میان آنان آواز در می دهد که : لعنت خدا بر ستمکاران باد × همانان که مردم را از راه خدا باز می دارند و آن را کج میخواهند و آنها آخرت را منکرند .

آب جوشانْ گرزهای آتشین(۱)

هدیه ای(۲) بر خصم مَوْلَی المُوقنین !

هر چه آن بی آبرو زاری کند

هیچ کس نبوَد وِ را یاری کند(۳)

---

۱ – ۱۴۰) هَذَانِ خَصْمَانِ اخْتَصَمُوا فِی رَبِّهِمْ فَالَّذِینَ کَفَرُوا قُطِّعَتْ لَهُمْ ثِیَابٌ مِنْ نَارٍ یُصَبُّ مِنْ فَوْقِ رُءُوسِهِمُ الْحَمِیمُ × یُصْهَرُ بِهِ مَا فِی بُطُونِهِمْ وَالْجُلُودُ × وَلَهُمْ مَقَامِعُ مِنْ حَدِیدٍ × کُلَّمَا أَرَادُوا أَنْ یَخْرُجُوا مِنْهَا مِنْ غَمٍّ أُعِیدُوا فِیهَا وَذُوقُوا عَذَابَ الْحَرِیقِ «) سوره حج ، آیات ۲۲ – ۱۹) . این دو گروه ، دشمنان یکدیگرند که در باره پروردگارشان با هم ستیزه می کنند ، و کسانی که کفر ورزیدند ، جامه هایی از آتش برایشان بریده شده است و از بالای سرشان آب جوشان ریخته می شود × آنچه در شکم آنهاست با پوست بدن شان بدان گداخته می گردد × و برای وارد کردن ضربت بر سر آنان گُرزهایی آهنین است × هر بار بخواهند از شدت غم ، از آن بیرون روند در آن باز گردانیده می شوند که هان بچشید عذاب آتش سوزان را .
۲ – ۱۴۱) هدیه ای : برای ریشخند جهنمیان کردن ؛ همان گونه که خداوند به جهنمیان می گوید : » ذُقْ إِنَّکَ أنتَ العزیزُ الکریم « . » إِنَّ شَجَرَهَ الزَّقُّومِ × طَعَامُ الْأَثِیمِ × کَالْمُهْلِ یَغْلِی فِی الْبُطُونِ × کَغَلْیِ الْحَمِیمِ × خُذُوهُ فَاعْتِلُوهُ إِلَی سَوَاءِ الْجَحِیمِ × ثُمَّ صُبُّوا فَوْقَ رَأْسِهِ مِنْ عَذَابِ الْحَمِیمِ × ذُقْ إِنَّکَ أَنْتَ الْعَزِیزُ الْکَرِیمُ × إِنَّ هَذَا مَا کُنتُمْ بِهِ تَمْتَرُونَ «) سوره دخان ، آیات ۵۰ – ۴۳) . آری ! درخت زقّوم × خوراک گناه پیشه است × چون مسِ گداخته در شکم ها می گدازد × همانند جوشش آب جوشان × او را بگیرید و به میان دوزخش بکشانید × آن گاه از عذابِ آب جوشان بر سرش فروریزید × بچش که تو همان ارجمند بزرگواری ! × این است همان چیزی که درباره آن تردید می کردید .
۳ – ۱۴۲) إِنَّ الْمُجْرِمِینَ فِی عَذَابِ جَهَنَّمَ خَالِدُونَ × لَا یُفَتَّرُ عَنْهُمْ وَهُمْ فِیهِ مُبْلِسُونَ × وَمَا ظَلَمْنَاهُمْ وَلَکِنْ کَانُوا هُمُ الظَّالِمِینَ × وَنَادَوْا یَا مَالِکُ لِیَقْضِ عَلَیْنَا رَبُّکَ قَالَ إِنَّکُمْ مَاکِثُونَ × لَقَدْ جِئْنَاکُمْ بِالْحَقِّ وَلَکِنَّ أَکْثَرَکُمْ لِلْحَقِّ کَارِهُونَ «) سوره زخرف ، آیات

۷۸ - ۷۴) . بی گمان ، مجرمان در عـذاب جهنّم ماندگارنـد × عذاب از آنان تخفیف نمی یابد و آنها در آنجا نومیدند × و ما بر ایشان ستم نکردیم ، بلکه خود ستمکار بودند × و فریاد کشند : ای مالك ، بگو : پروردگارت جان ما را بستاند . پاسخ دهد : شما ماندگارید × قطعاً حقیقت را برایتان آوردیم ، لیکن بیشتر شما حقیقت را خوش نداشتید .

هر چه نالد پاسخ آید : نوش باد

گم شو و بانگ سگت خاموش باد

سخت گیرد رَبْ از آنان انتقام

چون که می بستند راه حق مدام

.Your browser does not support the audio tag

از حرارت می شود رویش سیاه

شیعه در جنّت بوَد چون قرص ماه

شیعه بر مولا علی در اقتداست

بین تفاوت از کجا تا بر کجاست ؟ !(۱)

حق تعالی می دهد پاداششان

خادمانی بهتر از داداششان(۲)

ص :۶۲

۱- ۱۴۳) یعنی : دشمنان امیرالمؤمنین علیه السلام جایگاهشان در جهنم است ، اما شیعه چون بر امیرالمؤمنین علیه السلام اقتدا کرده است جایگاه او در بهشت پر نعمت ابدی خواهد بود ؛ اکنون بنگر بین این دو طایفه چقدر تفاوت است ! !

۲- ۱۴۴) یَطُوفُ عَلَیْهِمْ وِلْدَانٌ مُخَلَّدُونَ × بِأَکْوَابٍ وَأَبَارِیقَ وَکَأْسٍ مِنْ مَعِینٍ × لَا یُصَدَّعُونَ عَنْهَا وَلَا یُنزِفُونَ × وَفَاکِهَةٍ مِمَّا یَتَخَیَّرُونَ × وَلَحْمِ طَیْرٍ مِمَّا یَشْتَهُونَ «) سوره واقعه ، آیات ۲۱ - ۱۷) . بر گِردشان پسرانی جاودان به خدمت می گردند × با جامها و آبریزها و پیاله هایی از باده ناب روان × که نه از آن دردسر گیرند و نه بیخرد گردند × و میوه از هر چه اختیار کنند × و از گوشت پرنده هر چه بخواهند . » وَالَّذِینَ آمَنُوا وَاتَّبَعَتْهُمْ ذُرِّیَّتُهُمْ بِإِیمَانٍ أَلْحَقْنَا بِهِمْ ذُرِّیَّتَهُمْ وَمَا أَلَتْنَاهُمْ مِنْ عَمَلِهِمْ مِنْ شَیْءٍ کُلُّ امْرِئٍ بِمَا کَسَبَ رَهِینٌ × وَأَمْدَدْنَاهُمْ بِفَاکِهَةٍ وَلَحْمٍ مِمَّا یَشْتَهُونَ × یَتَنَازَعُونَ فِیهَا کَأْساً لَا لَغْوٌ فِیهَا وَلَا تَأْثِیمٌ × وَیَطُوفُ عَلَیْهِمْ غِلْمَانٌ لَهُمْ کَأَنَّهُمْ لُؤْلُؤٌ مَکْنُونٌ «) سوره طور ، آیات ۲۴ - ۲۱) . و کسانی که گرویده و فرزندانشان آنها را در ایمان پیروی کرده اند ، فرزندانشان را به آنان ملحق خواهیم کرد و چیزی از کارهاشان را نمی کاهیم . هر کسی در گرو دستاورد خویش است × با هر نوع میوه و گوشتی که دلخواه آنهاست آنان را مدد و تقویت می کنیم × در آنجا جامی از دست هم می رُبایند و بر سرش هم چشمی می کنند که در آن نه یاوه گویی است و نه گناه × و برای خدمت آنان پسرانی است که بر گردشان همی گردند انگاری آنها مرواریدی اند که در صدف نهفته است .

نهرها پُر شیرْ با ساقی بوَد

اشتها و شیر هم باقی بوَد

هم عسل در چشمه ها باشد روان

هم شراب پاک می جوشد از آن(۱)

ص :۶۳

۱- ۱۴۵) مَثَلُ الْجَنَّهِ الَّتِی وُعِدَ الْمُتَّقُونَ فِیهَا أَنْهَارٌ مِنْ مَاءٍ غَیْرِ آسِنٍ وَأَنْهَارٌ مِنْ لَبَنٍ لَمْ یَتَغَیَّرْ طَعْمُهُ وَأَنْهَارٌ مِنْ خَمْرٍ لَذَّهٍ لِلشَّارِبِینَ وَأَنْهَارٌ مِنْ عَسَلٍ مُصَفًّی وَلَهُمْ فِیهَا مِنْ کُلِّ الثَّمَرَاتِ وَمَغْفِرَهٌ مِنْ رَبِّهِمْ کَمَنْ هُوَ خَالِدٌ فِی النَّارِ وَسُقُوا مَاءً حَمِیماً فَقَطَّعَ أَمْعَاءَهُمْ «) سوره محمّد ، آیه ۱۵) . مَثَلِ بهشتی که به پرهیزگاران وعده داده شده چون باغی است که در آن نهرهایی است از آبی که رنگ و بو و طعمش برنگشته و جویهایی از شیری که مزه اش دگرگون نشود و رودهایی از باده ای که برای نوشندگان لذّتی است و جویبارهایی از انگبینِ ناب . و در آنجا از هر گونه میوه برای آنان فراهم است و از همه بالاتر آمرزش پروردگار آنهاست . آیا چنین کسی در چنین باغی دل انگیز مانند کسی است که جاودانه در آتش است و آبی جوشان به خوردشان داده می شود تا روده هایشان را از هم فروپاشد ؟ » وَدَانِیَهً عَلَیْهِمْ ظِلَالُهَا وَذُلِّلَتْ قُطُوفُهَا تَذْلِیلًا × وَیُطَافُ عَلَیْهِمْ بِآنِیَهٍ مِنْ فِضَّهٍ وَأَکْوَابٍ کَانَتْ قَوَارِیرَ × قَوَارِیرَ مِنْ فِضَّهٍ قَدَّرُوهَا تَقْدِیراً × وَیُسْقَوْنَ فِیهَا کَأْساً کَانَ مِزَاجُهَا زَنجَبِیلًا × عَیْناً فِیهَا تُسَمَّی سَلْسَبِیلًا × وَیَطُوفُ عَلَیْهِمْ وِلْدَانٌ مُخَلَّدُونَ إِذَا رَأَیْتَهُمْ حَسِبْتَهُمْ لُؤْلُؤاً مَنْثُوراً × وَإِذَا رَأَیْتَ ثَمَّ رَأَیْتَ نَعِیماً وَمُلْکاً کَبِیراً «) سوره دهر ، آیات ۲۰ - ۱۴) . و سایه های درختان به آنان نزدیک است ، و میوه هایش برای چیدن رام × و ظروف سیمین و جامهای بلورین ، پیرامون آنان گردانده می شود × جامهایی از سیم که درست به اندازه و با کمال ظرافت آنها را از کار در آورده اند × و در آنجا از جامی که آمیزه زنجبیل دارد به آنان می نوشانند × از چشمه ای در آنجا که سلسبیل نامیده می شود × و بر گردِ آنان پسرانی جاودانی می گردند . چون آنها را ببینی ، گویی که مرواریدهایی پراکنده اند × و چون بدانجا نگری سرزمینی از نعمت و کشوری پهناور می بینی .

قصرها با نهرها پُر حوریان

ناز تن باشند زیبا بوریان(۱)

هوش از سر می برد اندامشان

دائماً خود می روی در دامشان(۲)

بگذری از هر خوشی گر در بهشت

لیک نگذر از پری ، حوری سرشت !!

گاه زیور از طلا بر تن کنند

گاه گُل در قصرها خرمن کنند(۳)

با نگاهش گویدت : پیشم بیا

ای مُحبّ مرتضی ، ای پُر کِیا !(۴)

۱- ۱۴۶) زیبا بوریان : حوریان بورِ زیبا .

۲- ۱۴۷) وَحُورٌ عِينٌ × كَأَمْثَالِ اللُّؤْلُؤِ الْمَكْنُونِ × جَزَاءً بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ «) واقعه، ۲۴ - ۲۲). و حوران چشم درشت ، مثل لؤلؤ نهانِ میانِ صدف ! اینها پاداشی است برای آنچه می کردند . » وَعِنْدَهُمْ قَاصِرَاتُ الطَّرْفِ عِينٌ × كَأَنَّهُنَّ بَيْضٌ مَكْنُونٌ «) سوره صافات ، آیات ۴۸ و ۴۹) . و نزدشان دلبرانی فروهشته نگاه و فراخدیده باشند × از شدّت سپیدی گویی تخم شترمرغ زیر پَرند .

۳- ۱۴۸) خِرمن کنند : انباشته کنند .

۴- ۱۴۹) پُر کِیا : سرور ، پُر شکوه .

سینه ها(۱) را تپّه های نرمْ گو

لعلِ لب(۲) را چون لبویِ گرمْ گو

کامْ هر کس گیرد از آن حوریان

قرن ها مدهوش گردد در میان !!(۳)

صد هزاران سال هم چون بگذرد

باز هم با عشق لذّت می برد(۴)

جام ها بر او ببارد بی امان(۵)

لَعل بوسد ،(۶) جام گیرد توأمان(۷)

ص :۶۵

۱- ۱۵۰) خداونـد متعـال در وصف سـینه های همسـران بهشتی می فرمایـد : » وکواعِبَ أتْراباً «) نبأ ، ۳۳) . و پـاداش بهشتیان دختران جوان با سینه های برجسته می باشد .

۲- ۱۵۱) لَعْل : جواهری قرمز رنگ که در شعر مقصود لب های سرخ زنان زیباروی بهشتی مقصود است .

۳- ۱۵۲) در روایات توصـیف زنان بهشتی آمـده است که بهشتیان آنگاه که از حوریان کام می گیرند سال های سال مدهوش لذّت آن کامجوئی می شوند .

۴- ۱۵۳) این سخن نیز برگرفته شده از روایات توصیف نعمت های بهشتی است .) اللّهم ارزُقنا (

۵- ۱۵۴) فِي جَنَّاتِ النَّعِيم × عَلَى سُرُرٍ مُتَقَابِلِينَ × يُطَافُ عَلَيْهِمْ بِكَأْسٍ مِنْ مَعِينٍ × بَيْضَاءَ لَذَّةٍ لِلشَّارِبِينَ × لَا فِيهَا غَوْلٌ وَلَا هُمْ عَنْهَا يُنزَفُونَ × وَعِنْدَهُمْ قَاصِرَاتُ الطَّرْفِ عِينٌ × كَأَنَّهُنَّ بَيْضٌ مَكْنُونٌ «) سوره صافات ، آیات ۴۹ – ۴۳) . در باغهای پر نعمت × بر سریرهـا در برابر همـدیگر می نشـینند × بـا جامی از بـاده نـاب پیرامونشـان به گردش درمی آینـد × بـاده ای سـخت سپیـد که نوشـندگان را لذّتی خاص می دهد × نه در آن فساد عقل است و نه ایشان از آن به بدمستی و فرسودگی می افتند × و نزدشان دلبرانی فروهشـته نگـاه و فراخدیـده باشـند × از شـدّت سپیـدی گویی تخم شترمرغ زیر پَرنـد . » وَيُطَافُ عَلَيْهِمْ بِآنِيَةٍ مِنْ فِضَّةٍ وَأَكْوَابٍ كَانَتْ قَوَارِيرَ × قَوَارِيرَ مِنْ فِضَّةٍ قَدَّرُوهَا تَقْدِيراً × وَيُسْقَوْنَ فِيهَا كَأْساً كَانَ مِزَاجُهَا زَنجَبِيلاً × عَيْناً فِيهَا تُسَمَّى سَلْسَبِيلاً «) سوره دهر، آیـات ۱۸ – ۱۵). و ظروف سـیمین و جامهـای بلـورین ، پیرامـون آنـان گردانـده می شود × جامهـایی از سـیم که درسـت به انـدازه و بـا کمـال ظرافت آنهـا را از کـار در آورده انـد × و در آنجـا از جـامی که آمیزه زنجبیـل دارد به آنـان می نوشانند × از چشمه ای در آنجا که سلسبیل نامیده می شود .

۶- ۱۵۵) لعل بوسد : لب های چون جواهر سرخِ حوریان را ببوسد .

۷- ۱۵۶) همزمان .

حور چون دیدی مگو جانم فدات !

او فدایت می شود ، افتد به پات

در جِنان از هر چه زودا بگذری

لیک نَتْوان چشم بربست از پری(۱)

بهر توصیفش دلم بی تاب شد

قندْ در دل از بیانش آب شد

حور بینی قندِ دل وا(۲) می شود

حال گو : در دل چه غوغا می شود ؟ ! !(۳)

با امامان همنشینی چون کنی

لذّتی بر لذّتی افزون کنی(۴)

تا ابد احساس آزادی کنی

گل بگویی ، بشنوی ،(۵) شادی کنی

---

۱ - ۱۵۷) یعنی : در بهشت از هر نعمتی بتوانی بگذری ؛ اما با آن توصیف دلربائی که خداوند از حوریان کرده است هرگز نمی توان بی خیال حوریان و پریان بهشت شد .

۲- ۱۵۸) وا می شود : سست می گردد و آب می شود .

۳- ۱۵۹) زمانی که قند در دل با این که احساسات ندارد با شنیدن وصف حور به رقص می آید و آب می شود ، اکنون بگو بر دل پر گداز چه خواهد گذشت ؟ ! !

۴- ۱۶۰) بهشتیان با همنشینی با امامان علیهم السلام بیشترین لذت را می برند .

۵- ۱۶۱) لَا یَسْمَعُونَ فِیهَا لَغْواً وَلَا تَأْثِیماً × إِلَّا قِیلًا سَلَاماً سَلَاماً «) سوره واقعه ، آیات ۲۵ و ۲۶) . در آنجا نه بیهوده ای می شنوند و نه » سخنی « گناه آلود × سخنی جز سلام و درود نیست .

ربّتان راضی بوَد از کارتان

از مرام و دین و کار و بارتان(۱)

اهل تقوا می رود در آن بهشت(۲)

حاصل بذر ولایت را که کشت(۳)

ای عزیزم ! ای نگارم ! ای جوان !

ای برادر ! ای مُحِب ! این را بدان :

گر هوای نفس(۴) را اکنون کُشی

در بهشتش غرق گردی در خوشی

حور دنیا(۵) را رها کن ای پسر !

بهترینش نبوَدش جز دردسر

خوشکلی شان باشد از رنگ و لعاب

این چنین حوری !! بوَد همچون سراب

ص :۶۷

---

۱ - ۱۶۲) اکنون که به برکت ولایت علی علیه السلام خداوند راضی از مؤمنان است و آنان را وارد بهشت می کند ، پس برخیز و بر نام مبارک امیرالمؤمنین علیه السلام گل بیفشان .

۲ - ۱۶۳) إِنَّ لِلْمُتَّقِينَ مَفَازاً × حَدَائِقَ وَأَعْنَاباً × وَكَوَاعِبَ أَتْرَاباً × وَكَأْساً دِهَاقاً × لَا يَسْمَعُونَ فِيهَا لَغْواً وَلَا كِذَّاباً × جَزَاءً مِنْ رَبِّكَ عَطَاءً حِسَاباً «) سوره نبأ ، آیات ۳۶ - ۳۱) . مسلَّماً پرهیزگاران را رستگاری است × باغچه ها و تاکستانها ×و دخترانی همسال با سینه های برجسته × و پیاله های لبالب × در آنجا نه بیهوده ای شنوند ، و نه یکدیگر را تکذیب کنند × این است پاداشی از پروردگار تو ، عطایی از روی حساب .

۳- ۱۶۴) همان گونه که پیامبر بزرگوار اسلام صلی الله علیه وآله فرمودند : الدّنیا مزرعهُ الآخره .

۴- ۱۶۵) هوای نفس : خواهش های حرام نفس .

۵- ۱۶۶) زنانی که با آرایش و پوشش نامناسب دلربائی می کنند و انسان را به وسوسه و گناه می کشانند .

گویم ات بی پرده : هان ! نادان مباش

بندِ(۱) گیسوی پری رویان مباش

خواهرم ! امر است در قرآن : » حجاب «(۲)

بی حجابی آتش و داغ و عذاب

نیست زیباییّ و لذّت ماندگار

لیک جُرم و آتشِ آن ، پایدار

خوف دار از آتش روز معاد

زلف هایت را مده در دست باد

ص :۶۸

۱- ۱۶۷) بندِ گیسو : در بندِ گیسو ، گرفتار گیسو .

۲- ۱۶۸) وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَى جُيُوبِهِنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ أَوْ آبَائِهِنَّ أَوْ آبَاءِ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ أَبْنَائِهِنَّ أَوْ أَبْنَاءِ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنِي إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنِي أَخَوَاتِهِنَّ أَوْ نِسَائِهِنَّ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُنَّ أَوِ التَّابِعِينَ غَيْرِ أُولِي الْإِرْبَةِ مِنَ الرِّجَالِ أَوِ الطِّفْلِ الَّذِينَ لَمْ يَظْهَرُوا عَلَى عَوْرَاتِ النِّسَاءِ وَلَا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنْ زِينَتِهِنَّ وَتُوبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعاً أَيُّهَا الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ «) سوره نور ، آیه ۳۱) . و به زنان با ایمان بگو : دیدگان خود را از هر نامحرمی فرو بندند و پاکدامنی ورزند و زیورهای خود را آشکار نگردانند مگر آنچه که طبعاً از آن پیداست . و باید روسری خود را بر گردنِ خویش فرو اندازند ، و زیورهایشان را جز برای شوهرانشان یا پدرانشان یا پدران شوهرانشان یا پسرانشان یا پسران شوهرانشان یا برادرانشان یا پسران برادرانشان یا پسران خواهرانشان یا زنان هم کیش خود یا کنیزانشان یا خدمتکاران مرد که از زن بی نیازند یا کودکانی که بر عورتهای زنان وقوف حاصل نکرده اند ، آشکار نکنند و پاهای خود را به گونه ای به زمین نکوبند تا آنچه از زینتشان نهفته می دارند معلوم گردد . ای مؤمنان ، همگی از مرد و زن به درگاه خدا توبه کنید ، امید که رستگار شوید .

آن که زلفش را نمایان می کند

قلب مردان را پریشان می کند

آن که ناز و تنگ(۱) می پوشد به تن

بشنود با گوشِ جانش این سخن :

هر که در انظار(۲) طنّازی کند

نزد نامحرم سبکبازی کند

در جهنم سخت می بیند عذاب

تو مرو سوی جهنم با شتاب

لذت این مستی و آمال دور

غافلان را می برد تا پای گور

دیده و دل را نگه دار از حرام

تا که یابی عالم امن و سلام

تا درون دل بوَد شیطان پست

می برد نور از دلت هر آنچه هست

هر دو چشمت را به دنیا باز کن

سوی درگاه خدا پرواز کن

چون که خود را شاه شاهان خوانده ای

خویش را از درگه او رانده ای

گر نمی خواهی شوی عبد هوس

نفس (۳)خود را گیر و کن اندر قفس

۱- ۱۶۹) ناز و تنگ : نازک و تنگ .

۲- ۱۷۰) انظار : در جامعه .

۳- ۱۷۱)نفس : خواهش های نفسانی حرام .

گر بگیری عقل خود را رهنما

ابتدا باشد خدا تا انتها

چون که دل فارغ کنی از حبّ غیر

با مَلائک در جِنان یابی تو سیر(۱)

تا بوَد غیر از خدا در روح و جان

دل نبیند آن چه باشد در نهان(۲)

هر که ننهد گام را در راه دین

او چه باشد ؟ : مرده ای روی زمین !

هیچ دانی که چرا درمانده ای ؟

این چنین در زندگی وامانده ای ؟

چون که هستی غافل از یاد خدا

در مسیر طاعتش ننهاده پا

بند بگسل خود رها کن ای پسر !

تا خدا بر تو بفرماید نظر

حالیا با اشک چشم و آهِ دل

خود بشو بیرون بیا از آب و گل

بر نگاه مهدی ار قابل شوی

صاحب صد خرمن و حاصل شوی

۱- ۱۷۲) اگر قلب و جانت از عشقِ جز خدا خالی گردد) عشق به اولیاء خدا بازگشتش عشق به خداست (در باغ های بهشتی

همراه ملائکه پرواز خواهی کرد .

۲– ۱۷۳) دل حقایق عالم را نمی بیند .

یکْ نگاهت گر کند مَهدی به مِهر

می کنی سیر سماوات و سپهر

وانگهی در آسمان ها شاد باش

در سبکْ باری بسان باد باش

وان سپس در عشق حق پرواز کن

فصل دیگر با خدا آغاز کن

این همه شور و شعف از بهر کیست ؟

آنچه آتش بر دلم افکنده چیست ؟

باز از حیدر بگویم عاشقا !

در ثنایش » خَرَّ مُوسی صَعِقا «(۱)

ای خوشا آنان که هر دم حرفشان

هست از نعت علی گوهرفشان

.Your browser does not support the audio tag

آفِتاب دین ، امیرالمؤمنین

او بوَد باب خدا در عالمین

ص :۷۱

---

۱ – ۱۷۴) برگرفته از آیه : » وَلَمَّا جَاءَ مُوسَی لِمِیقَاتِنَا وَکَلَّمَهُ رَبُّهُ قَالَ رَبِّ أَرِنِی أَنظُرْ إِلَیْکَ قَالَ لَنْ تَرَانِی وَلَکِنْ انظُرْ إِلَی الْجَبَلِ فَإِنْ اسْتَقَرَّ مَکَانَهُ فَسَوْفَ تَرَانِی فَلَمَّا تَجَلَّی رَبُّهُ لِلْجَبَلِ جَعَلَهُ دَکّاً وَخَرَّ مُوسَی صَعِقاً فَلَمَّا أَفَاقَ قَالَ سُبْحَانَکَ تُبْتُ إِلَیْکَ وَأَنَا أَوَّلُ الْمُؤْمِنِینَ «) سوره اعراف ، آیه ۱۴۳) . و چون موسی به میعاد ما آمد و پروردگارش با او سخن گفت ، عرض کرد : پروردگارا ، خود را به من بنمای تا بر تو بنگرم . فرمود : هرگز مرا نخواهی دید ، لیکن به کوه بنگر پس اگر بر جای خود قرار گرفت به زودی مرا خواهی دید . پس چون پروردگارش به کوه جلوه نمود ، آن را ریز ریز ساخت ، و موسی بی هوش بر زمین افتاد ، و چون به خود آمد ، گفت : تو منزهی ! به درگاهت توبه کردم و من نخستین مؤمنانم .

هر چه گویم در ثنای مرتضی

او بوَد برتر از این توصیف ها

در عبادت نیست کس همچون علی

در نماز او بوَد حق مُنجلی

.Your browser does not support the audio tag

نوح ، آدم ، شیث ، ابراهیم ، هود

همچنین هر مرسَلی هر جا که بود

با توسّل بر علی ذاکر شدند

بهر نعمت های حق شاکر شدند(۱)

اسم اعظم حضرت مولاستی

نی خدا ، بل آیت کبراستی

بهر یزدان حیدر عبد مطلق است

هر که یزدانش بخواند احمق است

دائماً با حق بوَد شیر خدا

همچنین حق هم بوَد با مرتضی(۲)

ص: ۷۲

---

۱ - ۱۷۵) به کتاب علی علیه السلام و پیامبران ، نوشته : حکیم سیالکوتی ، ترجمه سید محمّد مختاری مراجعه گردد. در این کتاب نویسنده شواهد و اسناد جالبی را در این باره ذکر می کند .

۲ - ۱۷۶) پیامبر اسلام صلی الله علیه وآله درباره حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام می فرماید : علیٌّ مَعَ الحقّ والحقُّ مَعَ علیٍّ یَدوُرُ مَعَهُ حیثُما دار . علی با حق است و حق نیز با علی می باشد و هر جا علی بگردد او و هم با علی می گردد . این حدیث به صورت گسترده در منابع اهل سنت آمده است .) به کتاب سیمای جهان تاب ، حکمت نامه هشتم از ص ۲۲۴ تا ۲۳۰ مراجعه گردد (.

پرچم دین تا ابد در دست اوست

بیت ایمان و یقین پا بستِ اوست(۱)

دائماً در روز و شب در هر سجود

هر مَلَک بر مرتضی دارد درود

.Your browser does not support the audio tag

می فروشد فخر بر اهل یقین

با وجود مرتضی جان آفرین

بارگاهش قبله کرّوبیان

عاشقش ساکن بوَد در آسمان

تا تولد یافت حیدر زان زمان

نور باران شد زمین و آسمان(۲)

.Your browser does not support the audio tag

دست یزدان ، شیر میدان حیدر است

در دو عالم باغ و بستان حیدر است

شاه زیبایانِ حق در عالم است

دُرّ یزدان در نگین خاتم است

گر شود نور خدا در دل جَلی

بشنوی از کلّ عالم » یا علی « !

۱- ۱۷۷) پابستِ اوست : در گرو او و وابسته به اوست .

۲- ۱۷۸) مرحوم شیخ طوسی در کتاب أمالی ، ص ۸۰ نقل می کند : آن شبی که حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام به دنیا آمد ، در آسمان نورافشانی شد و نور ستارگان چند برابر بود . قریش با دیدن این منظره غیرمنتظره ، دیدگان را به تعجب گشودند و مردم هیجان زده از خانه های خود بیرون ریختند و با یکدیگر گفتگو می کردند و می گفتند : امشب در آسمان چه حادثه ای به وقوع پیوسته که این چنین شده است ؟

حاکمانی چون سلیمان خادمش

هم نبیْ موسی بن عمران خادمش

.Your browser does not support the audio tag

بی علی قرآن به یغما می رود

سمت آئین برهما می رود(۱)

نور حکمت از علی ظاهر شود

هر که جز این گوید او کافر شود(۲)

دشمنانش از بهائم بدترند(۳)

منکرانش مرغ بی بال و پرند

ماه تابان ذرّه ای از نور اوست

بیت یزدان بی گمان معمور اوست(۴)

هر که را از مرتضی نوری نبُود

ظرف قلبش غیر طنبوری نبُود

.Your browser does not support the audio tag

عقل و بینش ، علم و حکمت مال اوست

دست گیری از بشر آمال اوست

تا رساند مردمان را در بهشت

تا بدست آرند نیکو سرنوشت

ص :۷۴

---

۱ – ۱۷۹) یعنی بـدون ولایـت علی قرآن از لحـاظ معنـا تحریـف می شود و عقایـد فاسـدی چون عقایـد برهمـا و بودا به خورد مردمان داده می شود و اسمش را عرفان می گذارند ! ! مانند صوفیه که عقاید فاسد را با استناد به آیات قرآن توجیه می کنند ! !

۲– ۱۸۰) یعنی : هر کس حکمت و علم را از سرچشمه آن یعنی وجود مقدس امیرالمؤمنین علیه السلام نگیرد و دامن بیگانگان را بگیرد و منکر علم الهی امام علیه السلام شود به سمت کفر حرکت خواهد کرد .

۳– ۱۸۱) بدترند : برای حفظ وزن شعر بتّرند خوانده شود .

۴– ۱۸۲) اشاره دارد به پاک سازی بت ها از خانه خدا توسط امیرالمؤمنین علیه السلام ، بعد از فتح مکه .

دست در دست وصی باید نَهی

چون علی باشد ضمان از گمرهی

مهربانی های عالم حیدر است

نورافکن های خاتم حیدر است

نام او بر هر دلی گر حک شود

در زمین و آسمان ها تک شود

آب حیوان گر تو را هم آرزوست

زنده آن آب از طفیل کام اوست

آب حیوان تشنه او از ازل(۱)

مشکل او را علی بنموده حل

ذرّه ای آب دهان دادی به او

چیزی از اشک روان دادی به او

خود تو گویی آن نبودی هست شد

آب حیوان گشت خود سرمست شد

شد از آن پس کیمیای جاودان

از فنا و مرگ بودی در امان

خود تو گر خاک در حیدر شوی

آب حیوانِ خود و دیگر شوی

نیستت حاجت به آب و غیر آب

گشته ای از خاک حیدر کامیاب

ص :۷۵

۱- ۱۸۳) از ازل : مقصود آغاز آفرینش می باشد .

هر چه می خواهی بخواه از حضرتش

می رسی بر آن به یُمن دعوتش

هر چه می گویی بگو با نام او

پَر بزن تا می توان بر بام او

تا ز جام وصل حق نُوشَت کند

حلقه خُدّام در گُوشت کند

.Your browser does not support the audio tag

آسمان با نام حیدر نام یافت

عرش هم با گام او آرام یافت

ساکنان عرش با کرّوبیان

همچنین روح(۱) و مَلَک با حوریان

بهر خاک پای او دعوا کنند

آسمان را مملو از غوغا کنند

.Your browser does not support the audio tag

خضر از پابوسی او خضر شد

موسی از الطاف او در مصر شد

چون که عیسی روی پاهایش فتاد

از همانجا سوی بالا پَر گشاد

چون اجازت داشت از سوی علی

مرده ها را زنده می کرد آن ولی

بارگاهش عرش باشد در زمین(۲)

او امام حق بوَد بر عالمین

ص: ۷۶

۱- ۱۸۴) روح نام فرشته ای که از تمام فرشتگان مقامش والاتر است .

۲- ۱۸۵) بارگاه و مرقد مطهر امیرالمؤمنین علیه السلام بخشی از عرش خداوند بر زمین است .

.Your browser does not support the audio tag

آن که بر سیر حقیقت عازم است

پس بداند پیروِیّش لازم است

بی علی عابدترین عابدان

نیست جایش در جِنان ، این را بدان !

پست را بالا کند با یک نظر

خلق را احیا نماید سر به سر

قاری قرآن چو باشی بهترین

روز و شب تسبیح گویی با یقین

گر نگیری مرتضی را رهنما

بی گمان ضالّ و مضلّی ، بی نوا !

.Your browser does not support the audio tag

هر دلی حیدر درونش جای شد

بیت رحمان ، خود در آن برپای شد

هر که خواهد تا ابد یابد شرف

قبله جان را کند شهر نجف(۱)

عرشیان از عرش یزدان بر زمین(۲)

فوج فوج آیند با ماء معین(۳)

حج اکبر خود در آن برپا کنند

آن زمین را محشر کبری کنند

ص: ۷۷

۱- ۱۸۶) شهر نجف : مقصود بارگاه امیرالمؤمنین علیه السلام که در نجف اشرف است .

۲- ۱۸۷) بر زمین : مقصود بارگاه امیرالمؤمنین علیه السلام است .

۳- ۱۸۸) ماء معین : آب بسیار گوارا و شیرین) آب چشمه های بهشت (.

بارگاهش مرکز عالم بوَد

برترین ممکن(۱) سِوَی الخاتم بود

ای برادر رو علی بشناس خوب

وانگهی دل را ز غیر او بروب

چون شناسی خوب او را ، مؤمنی

خود ببینی از سِوای او غنی

هر که شد شاگرد آن یکتا ولی

او بوَد مستغنی از غیر علی

نزد دیگر کس نباید رفت او

باید از او هر چه را بگرفت او

چون که تنها اوست حق را جانشین

حق خلافت داده او را بر زمین

دیگری کی مظهر اسما بوَد ؟

کی کجا کس عالی اعلی بوَد ؟

گفت مولا با کمیل نازنین

داد معیار تشیّع این چنین :

رفت و آمد می کنی گر نزد ما

نزد دیگر کس مرو ای با وفا !(۲)

ص :۷۸

۱- ۱۸۹) برترین ممکن : برترین مخلوق .

۲- ۱۹۰) امیر المؤمنین علیه السلام : یا کمیل! لا تأخذ الاّ عنّا تکن منّا ؛ ای کمیل ! معارف را جز از ما مگیر تا از ما باشی .) تحف العقول ، ص ۱۱۹) .

هر چه می خواهی منت ارزان دهم

داده هر کس هرچه بیش از آن دهم

گویمت جان برادر یک مثال

خود بگیری رمز و راز این خصال :

یک سگ ولگرد ، بی صاحب بوَد

تشنه و آواره و خائب(۱) بوَد

شاد شد آن سگ که صاحب دار شد

در امان از سنگ و از آزار شد

کرد بهر خود یکی را انتخاب

نزد دیگر کس نرفتی با شتاب

چون که آن یک فرد دید از سگ وفا

خانمانش داد و گفتا : او ز ما

تو اگر از هر دری وارد شوی

در کلاس هر کسی عابد شوی

مثل بی صاحب سگ بیچاره ای

سرپرستی چون نداری خواره ای(۲)

جاهل و بدبخت و سرگردان و منگ

می خوری از مردم و ابلیس سنگ

لیک اگر ارباب خود مولا کنی

نان خود در روغن اعلی کنی

۱- ۱۹۱) خائب : شکست خورده .

۲- ۱۹۲) خواره ای : خوار هستی .

چون فقط بر درگه او می روی

خود به خود تو نیز از او می شوی

ای خوشا آن شیعه یکّه شناس

حرمت آل علی را کرده پاس

گشته شاگرد کلاس اهل بیت

پس نرفته سوی هر کانون و بیت

هرزه گرد این در و آن در نشد

تا از این در بر فراز عرش شد

یافت ز اینجا هر مقام و هر کمال

چون که استادش محمّد بود و آل

ما چو رو از غیر حق بر تافتیم

هر چه مکتب بود و ایسم انداختیم

ما فقط صد در صد اینجا آمدیم

پس غریق لطف مولا آمدیم

با کسی کاری ندارم ای رفیق

تا همی دارم امام بس شفیق

رهبر و مولا و یارم مرتضی است

اسوه و آموزگارم مرتضی است

مرشد دیگر نمی خواهم عزیز

تا که دارم اهل بیت مشک بیز

مکتب قرآن و عترت چون بس است

حاجتی چه بر خط دیگر کس است ؟!

ص :۸۰

هان ! رها کن نغمه های غرب و شرق

می توانی در سعادت گشت غرق

مکتب قرآن و عترت یار توست

رفتن هر جای دیگر عار توست

می دهد نور حقایق را به تو

می برد زنگ علایق را ز تو

اکتفا چون کرده ای بر اهل بیت

هست منزگاه تو اوج بهشت

.Your browser does not support the audio tag

هست اینک خاتم این خاندان

شاه قائم مهدی صاحب زمان

جان جانان روح یزدان ، این ولی

وارث بر حق مولانا علی

هست عالم منتظر بر مقدمش

چشم در راه قدوم اکرمش

تا که باطل را ز بیخ و بن کَنَد

هاله ای از نور بر عالَم زند

تا که ظلمت را معلّق سازد او

تا عدالت را محقق سازد او

خود به دست اوست خوشبختیّ ما

تا نیاید هست بدبختیّ ما

یا علی! او را به داد ما رسان

رحم فرما بر جهان بی عنان

ص :۸۱

کن نظر تا زودتر گردد عیان

بشنوم بوی دل آویزش ز جان

شیهه ای از دور می آید به گوش

تک سوارش کیست؟ ای مردم به هوش!!

هرج و مرج این زمان : بوی ظهور

هست اوضاع زمین : کوی ظهور

می رود کار جهان : سوی ظهور

آشکارا می شود : روی ظهور

جان من قربان مهدیّ علی

یک فقط او هست کشتیّ علی

مهدیا! آماده روز توایم

شمع آسا در تب و سوز توایم

تا به قربان گاه عشقت سر دهیم

بانگ روز و روزی دیگر دهیم

زندگی ها را الهی می کنیم

در رکابت پادشاهی می کنیم

طعم شیرین خدا(۱) را می چشیم

انتقام روی زهرا می کشیم

چون بیایی مشکل آسان می شود

خیر و خوشبختی فراوان می شود

ص :۸۲

۱- ۱۹۳) طعم شیرین خدا یعنی طعم شیرین محبت خدا .

دولت زهرا نمایان می شود

یک حکومت کلّ دوران می شود

آرزوهامان به سامان می شود

شاد و خرم نسل انسان می شود

دردهامان جمله درمان می شود

خود محقّق حکم قرآن می شود

پاک و پاکیزه دل و جان می شود

راضی از ما حیّ سبحان می شود

روز جشن ما محبّان می شود

مکتب مولا نمایان می شود

یا علی! فرزند زهرا را بگو

در هوایش می شتابم کو به کو

چشم در راهش چو مرغ بسملیم(۱)

یک نگاهی کن ولو ناقابلیم

جان زهرا رحم کن بر شیعیان

کن دعایی » الأمان « و » الأمان «

تا خدا تعجیل فرماید در آن

تا خدا تسهیل بنماید در آن

تا شود یاریّ او ما را نصیب

یا کریم العفو و یا نعم المجیب !

۱- ۱۹۴) مرغ بسمل : مرغی که با ذکر بسم اللّٰه ذبح شده و این ور و آن ور می پرد) قراری ندارد (.

این که ما داریم نبوَد زندگی

هست ننگ و مایه شرمندگی

زندگی با مهدی زهرا خوش است

یک نمازی نزد آن مولا خوش است

ای که مغز » هل أتی « هستی امیر!

هم یتیمم ، هم چو مسکین ، هم اسیر(۱)

رد مفرمایی سگ دریوز(۲) را

مستمندم لقمه امروز را

اشک می ریزم به پایت یا علی!

کوش(۳) خَتمُ الأوصیایت یا علی!

یا علی! من بی خود و شیدائی ام

در فراق مهدی ات صحرائی ام

کاش می شد پر زنم تا خانه اش

تا سر خود را نهم بر شانه اش

۱- ۱۹۵) این بیت اشاره دارد به سوره مبارکه دهر) انسان (که در رابطه با خاندان عصمت و طهارت علیهم السلام نازل شده است؛ در آیاتی از این سوره به انفاق اهل بیت علیهم السلام اشاره ای شده که آنان یک شب افطار خود را به مسکین و شب بعد به یتیم و شب بعد آن را به اسیری دادند و خود تنها با آب افطار نمودند و در این بیت شعر آمده که : یا امیرالمؤمنین علیه السلام ما هم یتیمیم هم مسکینیم و هم اسیریم : یتیم هستیم چون فرزندت مهدی) عجل اللّٰه تعالی فرجه الشریف (را نمی بینیم ، اسیر خواهش های نفس هستیم و فقیر و مسکین الطاف معنوی شما خاندان عصمت و طهارت علیهم السلام هستیم .

۲- ۱۹۶) دریوز : گدا .

۳- ۱۹۷) کوش : کجا هست؟

غصه هایم را بگویم مو به مو

در رکابش ره سپارم کو به کو

لیک ، افسوسا که محرومم علی !

چاره ام را از تو می جویم علی !

» محسن «ات هستم در آغوشم بگیر

ای همه افتادگان را دست گیر

.Your browser does not support the audio tag

بی علی دین جز سرابی بیش نیست

کیش بی حیدر یقیناً کیش نیست

مَجمع اسرار حق در عالِمین

نیست جز مولا امیرالمؤمنین

در قیامت چون علی وارد شود

کار و بار دیگران کاسد شود(۱)

کیش بی حیدر نباشد جز فریب

می شود دین یا چو بت یا چون صلیب

ص :۸۵

---

۱ – ۱۹۸) در حدیث آمده است : قال رسول اللّٰه صلی الله علیه وآله لعلی علیه السلام : اذا کان یوم القیامه یؤتی بک یا علی بسریر من نور وعلی رأسک تاج قد أضاء نوره وکاد یخطف ابصار اهل الموقوف ، فیأتی النّداء من عند اللّٰه جلّ جلاله : أین وصیّ محمّد رسول اللّٰه ؟ فتول :ها أنا ذا فینادی المنادی : ادخل من أحبّک الجنّه وأدخل من عاداک فی النار ، فأنت قسیم الجنّه والنّار .) ینابیع الموده ، ص ۸۶) . زمانی که روز قیامت برپا شود ، ای علی ! تو با پرده ای از نور وارد می شوی و بر سر تو تاجی از نور قرار دارد که نزدیک است از شدّت نور چشم های اهل محشر ربوده شود . در آن هنگام ندائی از خداوند جل جلاله می آید : کجاست وصی محمّد ؟ سپس تو می گویی : من هستم . منادی ندا می دهد : آن کسی که تو را دوست می

دارد وارد بهشت شود و آن کسی که دشمن تو است وارد جهنم شود . ای علی ! تو تقسیم کننده بهشت و دوزخی .

منکرانش زار و نالان جان دهند

شیعیانش خوب و آسان جان دهند

شیعیان بر حوض کوثر واردان

رهسپاران سوی جنّت جاودان(۱)

منکرانش خاک را بر سر کنند

دشمنانش چون خران عرعر کنند

پور مریم خادمش در آسمان

زین سبب یاری کند صاحبْ زمان(۲)

در جِنان زیباترین رو ، روی اوست

همچنین خوش بوترین بو ، بوی اوست

این سخن را نوح بر کشتی نوشت :

مرتضی باب خدا سوی بهشت(۳)

ص :۸۶

۱- ۱۹۹) پیامبر صلی الله علیه وآله به امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند : تَرِدُ شیعتُک یوم القیامه رواءاً غیر عِطاشٍ ویَرِدُ عدُوُّکَ عِطاشاً یَسْتَسقونَ فلا یُسقون .) عیون اخبار رضا علیه السلام ، ج ۲ ، ص ۵۲) . در روز قیامت شیعیان تو سیراب و غیرتشنه وارد می شوند و دشمنانت تشنه کام وارد می گردند و آب می طلبند و کسی به آن ها آب نمی دهد .

۲- ۲۰۰) یعنی : چون حضرت عیسی علیه السلام از خادمان امیرالمؤمنین علیه السلام در آسمان است ، هنگامی که با ظهور مهدی علیه السلام نزول می نماید ، خادم حضرت صاحب الزمان علیه السلام می گردد .

۳- ۲۰۱) به کتاب » علی علیه السلام و پیامبران « نوشته حکیم سیالکوتی ، از ص ۳۵ تا ص ۴۲ تحت عنوان : » علی و کشتی نوح « مراجعه گردد . در این کتاب شواهدی از آثار باستانی ارائه می گردد که گویای این مطلب است که نوح علیه السلام بر کشتی خود ، نام مبارک امام علی علیه السلام را نوشته بود .

هر کسی ذکرش بوَد یا بوتراب

بی شک از او می شود رفع عذاب

.Your browser does not support the audio tag

پرچم اللّه اکبر مرتضی است

بر خلائق چشم داور(۱) مرتضی است

.Your browser does not support the audio tag

دشمنش را خصم دان ، بیدار باش !

دائماً از منکرش بی زار باش

هم تولّی هم تبرّی اصل دین

بی گمان لازم بوَد بر مسلمین(۲)

پس بگو : بر اولیّ و دوّمی

تا ابد لعنت بوَد با سوّمی

چارمی فرزند آن هِند لعین

بیشتر لعنت بکن ای مرد دین !

پنجمی آن پست میمون باز را

با نیای کافرش لعنت نما(۳)

.Your browser does not support the audio tag

عقل شد در شرح حیدر بی زبان

عشق هم در وصف مولا ناتوان

پس زبان در کام باید در کشید

چشم شد یکجا و وجه اللّه دید

ص: ۸۷

۱- ۲۰۲) امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند : أنا عین اللّه . من چشم خدا هستم .) توحید صدوق ، ص ۱۶۴) .
۲- ۲۰۳) یعنی : ای اهل یقین ! بدون شک برای دینداری هم تولّی لازم است و هم تبرّی .
۳- ۲۰۴) امام باقر علیه السلام در زیارت عاشورا بر این پنج تن چنین لعنت می فرستد : اللّهُمَّ خُصَّ انتَ اولَ ظالمٍ باللَعنِ منّی وَابْداً بِهِ اولاً ثمّ العَنِ الثّانِیَ والثالثَ والرّابعَ اللّهم العن یزید خامسا ...

تاج فخر اولیا را تا ابد

بر سر حیدر نهادستی احد

دست حیدر هست خود دست خدا(۱)

دست حق باشد فراز دست ها(۲)

اسم حیدر مشتق از اسم خداست(۳)

خاک پایش کُحلِ(۴) چشم انبیاست

در همه عالم که مرآت خداست ؟(۵)

: اولین مظلوم عالَم مرتضی است(۶)

ص: ۸۸

۱- ۲۰۵) امام علی علیه السلام فرمودند : انا یَدُ اللّهِ : من دست خدا هستم .) توحید صدوق ، ص ۱۶۴) .
۲- ۲۰۶) خداوند می فرماید : » یَدُ اللّهِ فَوْقَ ایْدِیهِمْ «) سوره فتح ، آیه ۱۰) دست خدا فراز دست های آنان است .
۳- ۲۰۷) فاطمه بنت اسد علیها السلام مادر حضرت علی علیه السلام می فرماید : آن گاه که علی علیه السلام را در کعبه به دنیا آوردم و خواستم از آن خارج شوم هاتفی به من گفت : ای فاطمه ! نام کودکت را علی بگذار ، او علی) یعنی دارای مقام عالی (است ، و خداوند علیّ اعلی می فرماید : من نام او را از نام خود اقتباس کردم و او را با آداب خود تربیت نمودم و او را بر مسائل مشکل علمی خود آگاه ساختم . او کسی است که بت ها را در خانه ام می شکند و بر بالای کعبه اذان می گوید و مرا تقدیس و تمجید می کند .) علل الشرایع ، شیخ صدوق ، ج ۱ ، ص ۱۳۵ ؛ بحارالانوار ، ج ۳۵ ، ص ۸ ؛ منتهی الآمال ، شیخ عباس قمی ، ج ۱ ، ص ۱۷۱ و ... (.
۴- ۲۰۸) کُحْل : سرمه .

۵- ۲۰۹) مرآت خدا : آینه خدانما ؛ منظور این است که وجود مقدس مولانا امیرالمؤمنین علیه السلام آینه ای است که در آن اسماء و صفات خداوند متعال را به نمایش می گذارد . البته خوانندگان محترم توجه داشته باشند که چون خداوند مباین با اشیاء است هیچ موجودی نمی تواند مرآت ذات خدا گردد .

۶- ۲۱۰) از امام رضا علیه السلام روایت شده که آن حضرت علیه السلام هنگام زیارت قبر مطهر امیرالمؤمنین علیه السلام می فرمودند : السلامُ علیک یا ولیَّ اللّهِ أنتَ أوَّلُ مظلومٍ ...) کافی ، ج ۴ ، ص ۵۶۱) .

اولین مظلوم : مرآت خدا ؟

زیر پای سفلگان ، ذات خدا ؟(۱)

.Your browser does not support the audio tag

آه و آه از ظلم بی حدّ و کران

بر محمّد ، بر علیّ و خاندان

هر چه گویم کم بوَد در این جهت

عذر می خواهم علی از درگهت

چون ندارم درك آن اوج ستم

گو شده بر تو و زهرا دم به دم ؟

ای خدا اوراق هستی را بسوز

بعدِ آن دیوار و درب سینه سوز

خود تو آگاهی فقط از آن چه رفت

بر علیّ و فاطمه ، از ظلم سخت

هست قتل فاطمه فوق بیان

قتل محسن قتل » سرّ اللَّه « دان

ای جهان از این مصیبت دود شو

اشك خونین باش یا نابود شو

آه ، پاداش رسالت داده شد

میوه از طوبای حق افتاده شد

دست از نقل سقیفه بسته ام

آتش در کرده بس دل خسته ام

ص :۸۹

۱- ۲۱۱) یعنی منافقـان که بعـد از رحلت رسول خـدا صـلی الله علیه وآله ، حق امیرمؤمنـان علیه السـلام را غصب و به بیت آن حضرت حمله ور شدند ؛ در حقیقت آنان به خدا بی حرمتی نمودند و خدا را زیر پا گذاشتند .

گر بمیرم از غم این داستان

بهتر از این تا بیارم در بیان

شعر از خون دلم گلگون کنم ؟

یا که جانم از تنم بیرون کنم ؟

من همی در هم زبانی با خدا

لعن می گویم بر آن قوم دغا

گو به روز و شب به همراه صمد

لعن بر اهل سقیفه تا ابد

باز می گردم به وصف روی یار

پرده را بهتر بیندازم کنار

پور عمران با ندای یا علی

چیره شد بر ساحران ، بی مشکلی(۱)

Your browser does not support the audio tag.

در مصاف مرتضی هر قهرمان

چون خَسی باشد به زیر پای آن

ص :۹۰

۱- ۲۱۲) معنی بیت : حضرت موسی علیه السلام با توسل بر وجود مقدس امیرالمؤمنین علیه السلام بر ساحران پیروز گشت و هم حقانیت رسالتش بر آنان آشکار شد و ساحران ایمان آوردند . خداوند در این باره می فرماید : » وَأَوْحَيْنَا إِلَى مُوسَى أَنْ أَلْقِ عَصَاكَ فَإِذَا هِيَ تَلْقَفُ مَا يَأْفِكُونَ × فَوَقَعَ الْحَقُّ وَبَطَلَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ × فَغُلِبُوا هُنَالِكَ وَانْقَلَبُوا صَاغِرِينَ × وَأُلْقِيَ السَّحَرَةُ سَاجِدِينَ × قَالُوا آمَنَّا بِرَبِّ الْعَالَمِينَ × رَبِّ مُوسَى وَهَارُونَ «) سوره اعراف ، آیات ۱۱۷ تا ۱۲۲) . و به موسی وحی کردیم که : عصایت را بینداز پس انداخت و اژدها شد و ناگهان آنچه را به دروغ ساخته بودند فرو بلعید × پس حقیقت آشکار گردید و کارهایی که می کردند باطل شد × و در آنجا مغلوب و خوار گردیدند × و ساحران به سجده درافتادند × و گفتند : به پروردگار جهانیان ایمان آوردیم × پروردگار موسی و هارون .

هر تَهَمتَن گر بر او زوری کند

در حقیقت از بقا دوری کند

مثل مرحب کلّه اش ویران شود(۱)

یا چو ابن عبدوُد پرّان شود(۲)

ص :۹۱

۱- ۲۱۳) هنگامی که امیرالمؤمنین علیه السلام در جنگ خیبر ، قلعه بزرگ آنان را محاصره کرد ، یهودیان ، قهرمان و جنگاور نامدار خود را به نام » مِرحب « به میدان فرستادند . مرحب به سرعت از قلعه خارج شد ، او دارای هیکلی بزرگ بود و در حالی که دو زره بر تن و دو شمشیر همراه و کلاه خود سنگی بر سر داشت ، این رجز را می خواند : خیبر می داند که من مرحبم ! غرق در سلاح و پهلوانی کار آزموده ، گاهی نیزه فرو برده و گاهی شمشیر می زنم . مسلمانان با دیدن او وحشت کردند و از مقابلش گریختند ؛ ولیکن امیرالمؤمنین علیه السلام در پاسخ او فرمود : من آنم که مادرم مرا حیدر) شیر مرد (نامیده است ؛ همان شیر بیشه ها ، دارای چهره مهیبم ؛ بی درنگ با شمشیرم شما را نابود خواهم کرد . آنگاه مرحب با غرّش به سوی امام علی علیه السلام حمله کرد و شمشیر خود را بالا برد تا ضرتبی بر آن حضرت علیه السلام فروآورد ؛ اما امیرالمؤمنین علیه السلام با چالاکی شگفتی بر او پیشی جست و با ذوالفقارش ضربتی بس محکم بر سر او نواخت که تمامی لشکریان اسلام صدای آن را شنیدند . مرحب با این که سپر بر سر گرفته بود؛ ولی ذوالفقار امیرالمؤمنین علیه السلام سپرش را برید و کلاه خودش را نیز پاره کرد و سرش را تا به دندان شکافت و نقش زمین گردید .) تاریخ طبری ، ج ۳ ، ص ۱۲ ؛ بحث مفصل در این رابطه در کتاب سیمای جهان تاب ، از ص ۲۹۵ تا ص ۳۰۶ آمده است (.

۲- ۲۱۴) پهلوان نامی عرب به نام » عَمرو بن عبدوُد « در جنگ خندق توسط امیرالمؤمنین علیه السلام کشته و بی سر شد . رسول خدا صلی الله علیه وآله به حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند : اگر این کار تو را امروز با اعمال جمیع امت مقایسه کنند ، بر آن برتری خواهد داشت ؛ چرا که با کشته شدن عمرو خانه ای از خانه مشرکان نماند مگر این که ذلّتی در آن داخل شد و خانه ای از خانه های مسلمین نماند مگر این که عزّتی در آن وارد گشت .) بحار الانوار ، ج ۲۰ ، ص ۲۱۶ ؛ مستدرک حاکم ، ج ۳۰ ، ص ۳۲ و ... (. و فرمودند : مبارزه علی بن ابی طالب با عمرو بن عبدوُد در روز جنگ خندق افضل

است از اعمـال جن و انس تـا روز قیـامت .) سـیره حلبیّه ، ج ۲ ، ص ۳۶۰ ؛ تاریـخ بغداد ، ج ۱۳ ، ص ۱۹ ؛ المستدرک علی الصحیحین ، ج ۳ ، ص ۳۲ و ... همچنین به کتاب سیمای جهان تاب ، از ۲۶۸ تا ۲۸۰ مراجعه گردد (.

هر که خواهد باشدش جان برقرار

می کند فوراً ز میدانش فرار

لا فتی إلّا علی را تا ابد

بشنوی چون قل هو اللّه احد(۱)

.Your browser does not support the audio tag

با جهادش دین حق شوکت گرفت

مصطفی با تیغ او قدرت گرفت(۲)

مرد میدان در جهان مولا علی است

روح ایمان بی گمان مولا علی است

گر بخواهی پَر زنی در آسمان

بایدت گردد » علی « وِردِ زبان

اوج گیری در تولّای علی است

نوکری از بهر ابنای علی است

او بوَد میزان حق در هر زمان

گر بگیری دامنش یا بی امان

۱- ۲۱۵) یعنی همان گونه که تا ابد » قل هو اللّه احد « مختصّ خداست ؛ » لا فتی إلّا علی « نیز مختص امیرالمؤمنین علیه السلام است .

۲- ۲۱۶) یعنی : اگر رسول خدا صلی الله علیه وآله توانست بر کفار پیروز شود و حکومت در مدینه تشکیل دهد به برکت ذوالفقار مولا علی علیه السلام بود .

بوسه زن با شوق بر خاک نجف

تا چو جبریل امین یابی شرف(۱)

بارگاه مرتضی در آن بَلَد

چشمه خورشید باشد تا ابد

چون گذاری جبهه(۲) بر خاک درش

گیردت جبریل بر بال و پرش

دائماً ذکرت چو شد یا بوتراب

خود درونت پر شود از آفتاب

اوست رمز و راز اللَّهُ الصّمد

باب رحمت ، ما له کفواً احد

با ولایش می روی تا بی کران

بس فراتر می شوی از آسمان

.Your browser does not support the audio tag

چون که او یک نور با خاتم بوَد

پس تمام عشق در عالَم بوَد(۳)

ص: ۹۳

۱- ۲۱۷) یعنی : اگر جبرائیل امین در عالم شرافت یافت به این خاطر بود که بر خاک نجف بوسه زده است ؛ تو نیز اگر می خواهی مثل جبرائیل شرافت یابی با عشق و معرفت خاک تربت امیرالمؤمنین علیه السلام را ببوس !

۲- ۲۱۸) جبهه : پیشانی .

۳- ۲۱۹) در احادیث فراوانی از کتب شیعه و اهل سنت آمده است که پیامبر صلی الله علیه وآله و امام علی علیه السلام قبل از خلقت جهان ، یک نور واحد بودند ، به عنوان نمونه : احمد حنبل از پیشوایان عامه در کتاب مسند خود از پیامبر صلی الله علیه وآله نقل می کند که فرمود : » من و علی از نور واحدی خلق شده ایم و خداوند روح من و علی را قبل از خلقت عالم خلق نموده بود « . ابن مغازلی شافعی در کتاب » مناقب « از قول رسول خدا صلی الله علیه وآله می نویسد : » من و علی نوری بودیم

در خدمت حضرت حق ، و این نور ، حضرت حق را تسبیح می گفت و تقدیس می کرد ، قبل از آن که آدم خلق شده باشد « . شیخ سلیمان حنفی قندوری در » ینابیع الموده « از رسول خدا صلی الله علیه وآله نقل می کند : » من و علی از نور واحدی آفریده شده ایم قبل از چهارهزار سال که خدا آدم را بیافریند ؛ چون خداوند آدم را آفرید آن نور را در صلب او قرار داد و پیوسته همین طور آن نور در اصلاب آباء و اجداد بود تا در صلب عبدالمطلب به دو نیم گشت . پس نبوّت در من قرار گرفت و وصایت در علی واقع شد « . علامه مجلسی از رسول خدا صلی الله علیه وآله نقل می کند : » خُلِقْتُ أنا و علیّ من نُور واحد ؛ من و علی از یک نور آفریده شده ایم «) بحارالأنوار ، ج ۳۵ ، ص ۳۴) .

.Your browser does not support the audio tag

او تولد یافت در بیت الحرام

تا ابد بر او و بر وُلدش سلام

آن که بهر عشق او بی سر شود

تا ابد در آسمان اختر شود

پس سرت را بهر او آماده دار

تا که تقدیمش کنی با افتخار

.Your browser does not support the audio tag

نهج او(۱) دریای برهان می دهد

حرف حرفش درس قرآن می دهد

اسم اعظم نیست غیر از نام او

دین به راه افتاد با اسلام او

در رُخش پیداست هر پیغمبری

بر سر آنان عَجَب تاج سری !

ص :۹۴

۱- ۲۲۰) نهج البلاغه او .

در میادین شیر جز حیدر نبُود

بی علی آئین پیغمبر نبُود

ای برادر گویمت باز این سخن

فکر کن ! اندیشه کن ! بشنو زِ من :

بی علی قرآن به یغما می رود

سمت آئین برهما می رود

.Your browser does not support the audio tag

شهد ایمان ، روح قرآن مرتضی است

باطنش(۱) ، هم روی(۲) قرآن مرتضی است

عقل گوید : اصل برهان مرتضی است

قلب گوید : کلّ قرآن مرتضی است

دل چو پرتو گیرد از نور علی

در نگاهش می شود حق مُنجلی(۳)

چون سخن در کُنه مولایم رسید

هم قلم بشکست و هم کاغذ درید

مرتضی بحری است ، بس بحری عمیق

اوست بهر شیعه اش یاری شفیق

۱- ۲۲۱) باطن قرآن .

۲- ۲۲۲) ظاهر قرآن .

۳- ۲۲۳) یعنی : اگر ذرّه ای از پرتو نور الهی امیرالمؤمنین علیه السلام در دل کسی افتد ؛ او به چنان معرفتی می رسد که هر جا نظر افکند عظمت و حقانیت خدا را در آیات و پدیده های او مشاهده می کند .

گر بخواهی غرق آن دریا شوی

پس رها باید از این دنیا شوی(۱)

این همه شور و شعف از بهر کیست ؟ !

آنچه آتش بر دلم افکنده چیست ؟ !

ای خوشا آنان که قلب و جانشان

می دهد هر دم ز عشق او نشان

جام دُردآلود او هر کس چشید

دست از دنیا و از عُقبی کشید(۲)

خوش به حال آن که زین مِیْ خورده است(۳)

هر که مست او نباشد مرده است

گر چه بیت اللَّه بوَد ما را هدف

لیک باشد قبله جان ها نجف

گشت بیت اللَّه علی را چون صدف

پس علی باشد هدف از این هدف

ص :۹۶

۱- ۲۲۴) یعنی : هر که می خواهد در دریای باعظمت و بی انتهای محبت امیرالمؤمنین علیه السلام غرق گردد ، باید حبّ دنیا را رها کند و گناه را از قلب خویش خارج سازد تا لیاقت غرق شدنِ در دریای محبت و ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام را پیدا کند .

۲- ۲۲۵) هر کس که جام محبت و ولایت امیر مؤمنان علیه السلام - که در دنیا با ناملایمات و زجرها توام است - را سر کشید ؛ او آنچنان شیفته امیر مؤمنان علیه السلام می گردد که نه تنها به زرق و برق های دنیا بی رغبت می گردد ؛ بلکه آخرت و

نعمت های ابد نیز در برابر محبت و عشق به مولا علی علیه السلام برایش ناچیز می شود .

۳- ۲۲۶) زین مِیْ : شراب محبت و ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام .

هر که نوشد جرعه ای از جام او

کیمیا دان تربت اقدام او

او » قسیمُ الجنّهِ والنّار « هست(۱)

عاشقش در آسمان بسیار هست

گر بشر بر حبّ او یکدل شود

آتش دوزخ دگر باطل شود(۲)

او بوَد ارکان آئین رسول

در تحیّر از مقاماتش عقول

بحر دانش تا ابد در جام اوست

واصل این جام ، خوش فرجام اوست !

.Your browser does not support the audio tag

بهر هر امت علی فرقان بوَد

در قیامت هم علی میزان بوَد

ص :۹۷

۱- ۲۲۷) احادیث متعددی از رسول خدا صلی الله علیه وآله و امامان معصوم علیهم السلام هم در منابع شیعه و هم در منابع اهل تسنن آمده است که در روز قیامت حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام به اذن خداوند متعال بهشت و جهنم را برای مردمان - از اولین تا آخرین - تقسیم می کند ، و هیچ کس به بهشت و یا دوزخ وارد نگردد مگر بعد از تقسیم آن حضرت علیه السلام . اسناد این احادیث را در کتاب » سیمای جهان تاب « در حکمت نامه چهاردهم به صورت گسترده بیان کرده ایم .

۲- ۲۲۸) اشاره ای دارد به حدیث مشهور نبوی که می فرماید : لَوِ اجْتَمَعَ الناسُ عَلی حُبِّ عليٍّ بن ابی طالب لَما خَلَقَ اللَّهُ النار . اگر مردمان بر محبّت و دوستی علی بن ابی طالب علیه السلام اتفاق کلمه داشتند خداوند آتش جهنم را خلق نمی کرد .) مناقب خوارزمی ، ص ۸۳ ؛ ینابیع المودّه ، ص ۱۲۶ و ... (.

برترینْ پاکانْ شمار اصحاب او

باب جنّت هست خود آن باب او

در زمین هادی بوَد ، هم آسمان

هم بوَد وجه خدا او بی گمان

.Your browser does not support the audio tag

آفِتاب کلّ عالمْ مرتضی است

گوهر دستانِ خاتمْ مرتضی است

بی ولایش هر عمل باطل بوَد

هم سلوک فردْ بی حاصل بوَد

بطن قرآن با علی پیدا شود

نام یزدان با علی معنا شود

باب جنّت با ولایش باز شد

عشق هم با نام او آغاز شد

او بوَد هم کلّ جان ، هم جان کل

بر سر هر مرسَلی تاج است و گل

هر که در قلبش علی جا وا کند

در جهان با عشق بس غوغا کند

نورِ حق را هر کسی انکار کرد

روح خود را تا ابد بیمار کرد

هر که با مولا علی نارو زند(۱)

پیش شیطان روز و شب زانو زند

۱- ۲۲۹) نارو زند : خیانت ورزد .

عدل با نام علی معنا شود

در جهان چون او کجا پیدا شود ؟

مظهر عدل خدا حیدر بوَد

عاشقش در راه او بی سر بوَد

.Your browser does not support the audio tag

آسمان با صدهزاران کهکشان

گردِ خاکِ پایِ حیدر هم ندان

هر که گوید : این سخن باشد غُلُوْ(۱)

گویمش : آن گَرد می یابد عُلُوْ(۲)

چون تبرک از کف مولا گرفت

برتر از آن کهکشان ها جا گرفت

پیش نورش شمسْ بی نور آمده

هر ک(۳) از او بینا نشد کور آمده

قلب حیدر مرکز عالَم بوَد

نفس پاک حضرت خاتم بوَد

گر مقامش را کسی انکار کرد

خویش را بدبخت و بس بیمار کرد

۱- ۲۳۰) غُلُوْ : زیاده گویی و مبالغه فراوان کردن .
۲- ۲۳۱) عُلُوْ : رفعت و بزرگی . معنی بیت : هر کس که بگوید : این گونه سخن گفتن مبالغه و زیاده گویی است ؛ در پاسخش می گویم : آن ذرّه خاکی که به کف پای مبارک حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام برخورد کرده است آنچنان عُلُوْ و رفعت می یابد که ارزشش از هزاران ستارگان آسمان بیشتر می شود .
۳- ۲۳۲) هر ک : هر که .

Your browser does not support the audio tag.

آیت العظمای حق حیدر بوَد

بازُوَش فتّاح صد خیبر بوَد

مرسَلان را سایه از پای علی است

جمله پا بوس قدم های علی است

جملگی گویند با هم این سخن

تو بگو حالی به همراهیّ من

: موئی از او از جهان سر آمده

دشمنش از یک زنا درآمده(۱)

محسنا ! در مدح او گوهر بریز

تا نظر بنمایَدَت در رستخیز

گر کریمی یا بخیلی یا فقیر

هر چه می خواهم بگیرم از امیر

باغ فردوس است این اشعار نور

چشم بد از شاعرش باشد به دور

نثر و نظمش دائماً پر بار باد

عرض اخلاصی به نزد یار باد

---

۱ - ۲۳۳) درا حادیث متعددی آمده است که دشمنان امیرالمؤمنین علیه السلام زنازاده هستند ، برای مثال در منابع اهل سنت آمده : » ... مالک بن انس عن محبوب بن أبی الزناد ، قال : قالت الأنصار : أن کنّا لنعرف الرجل إلی غیر أبیه ببغضه علی علیّ بن أبی طالب علیه السلام « : ... انس بن مالک از انصار نقل می کند که انصار انسان های حرام زاده را با بغض ورزیدن آنان به علی بن ابی طالب علیه السلام شناسایی می کردند .) تاریخ دمشق ، ابن عساکر ، ج ۲ ، ص ۷۳۸ ؛ الغدیر ، ج ۴ ، ص ۳۲۲ و ... (

.Your browser does not support the audio tag

چون نگین آفرینش مرتضی است

تا ابد او باب الطاف خداست

ذکر حق باشد نفس هایش مدام

باز هم بر او و بر وُلدش سلام

نیست جز حیدر امیرالمؤمنین

بانگ تکبیر است آن سردار دین

فخر بر عالم کند بیت الحرام

چون به میلاد علی بگرفت نام(۱)

عشق او بر عرش پروازت دهد

گنج ها از غیبِ پر رازت دهد

.Your browser does not support the audio tag

دل چو از عشق علی کامل شود

رازهائی بهر او حاصل شود

حق نمایان کرده چون برهان او

جان عالَم می شود قربان او

عقل اول عقل آخِر مرتضی است

هر زمان آیات باهِر مرتضی است

نام او گر بر دلی مرهم شود

از فشار قبر او بی غم شود(۲)

ص: ۱۰۱

۱- ۲۳۴) معنی بیت : بیت الحرام بر عالمیان فخر و مباهات می کند ؛ زیرا با تولد یافتن امیرالمؤمنین علیه السلام در درونش ، در آسمان ها نام و شهرت یافت .

۲- ۲۳۵) معنی بیت : اگر بر دل پر زخم نام مولا علی علیه السلام مرهم گردد ، او دیگر از فشار قبر و عالم برزخ هیچ ترس و واهمه ندارد ؛ زیرا مولا علی علیه السلام فریادرس اوست .

کیست او ؟ : آن مظهر اعلای حق(۱)

خود بوَد او دیده بینای حق

او زبان حق بوَد در هر زمان

دز زمین ، در قلب ها ، در آسمان(۲)

عشق با نام علی معنا شود

دل به یادش هر نفس بُرنا(۳) شود

هم قلم هم لوح و هم فرقانْ علی است

هم اساس دین و هم میزان علی است

علم اوّل ، علم آخِر ، پیش اوست

راه جنّت تا ابد از کیش اوست

زادگاه معرفت برهان او

می شکوفد دانش از دامان او

۱ – ۲۳۶) مظهر اعلای حق : مظهر اسماء و صفات الهی ؛ نه مظهر ذات ؛ زیرا هیچ موجودی مظهر ذات خداوند نیست . و علت آن – طبق نصوص متعدد معصومین علیهم السلام – این است که : چون تمام خلایق مباین و جدا از ذات اقدس الهی هستند ؛ بنابر این هیچ موجودی نمی تواند مظهر ذات خداوند باشد .) فتأمّل یا أخی (

۲ – ۲۳۷) امام علی علیه السلام می فرماید : » أنا عِلمُ اللَّهِ ، وَ أنا قلبُ اللَّهِ الْواعی ، وَ لِسانُ اللَّهِ النّاطقُ وَ عِیْنُ اللَّهِ ، وَ جَنْبُ اللَّهِ ، وَ أنا یَدُ اللَّه ؛ من علم خدا ، و من قلب فراگیر خدا ، و زبان گویای خدا ، و چشم خدا ، پهلوی خدا ، و من دست خدا هستم « .) توحید صدوق ، ص ۱۶۴ ، باب ۲۲) توضیح : امیرالمؤمنین علیه السلام در مثل چنین سخنانی با مجاز و استعاره سخن گفته است و نباید توهم جمسانیت برای خدا و یا مثلیّت امیرالمؤمنین علیه السلام با خدا گردد و معنای لطیف این سخنان برای اهل هوش و فهم مخفی نیست .

۳– ۲۳۸) برنا : جوان .

معدن علم لدنّی جان او

سرّ حق بنهفته در ایوان او

مخزن علم خداوند غیور

راه جنت می کند از او عبور

گر حقیقت جوئی ای یار عزیز

پس شنو این راز را از من تمیز :

در حقیقت خودْ علی باشد بهشت

جز علی هر پیر را باید بِهِشت(۱)

عارف کامل به مولانا علی

پا نهاده در جنان بی مَعْطلی

دور اندازد همه حور و قصور

می نشیند با علی بر موج نور(۲)

او بهشت خود به دور انداخته

چون بهشت واقعی را یافته

او ندارد کار با غیر علی

دارد او یک عشقْ با دریا دلی

عشق او وجه اللّهِ عُلْیا بوَد

فارغ از عُقبی و از دنیا بوَد

ص :۱۰۳

۱- ۲۳۹) رها ساخت .

۲- ۲۴۰) یعنی عارف کامل به مولا علی علیه السلام ، در بهشت آن چنان جذب سیمای مبارک آن حضرت علیه السلام می شود که نسبت به حور و دیگر نعمت های بهشتی بی توجه می گردد ؛ البته عارف کامل به مولا علیه السلام) به قدر استعداد بشر غیر معصوم (در هر عصر شاید به تعداد انگشتان یک دست هم نباشد .

چون جمال حضرت اللّه اوست

نقطه آن باء بسم اللّه اوست

خاك درگاهش سر و گیسوی ما

روی زیبایش همان مینوی ما(۱)

اوست مینوی خداوندیّ ما

روح ما و دین دلبندیّ ما

کاش این گونه بهشتی می شدم

ناخدای عرش و کشتی می شدم

با علی اندر علی سیری تمام

می نشستم با خدا و والسلام(۲)

سرّ خلقت در رخش پیدا بوَد

قطره با او برتر از دریا بوَد

غیر او راه حقیقت نیست ، نیست

گو به جز او قدرت حق کیست ؟ کیست ؟

آرزوی عارفانش رویِ اوست

مسجد و محراب ما ، ابروی اوست

از غبار پای مولا آسمان

کهکشان می سازد او در هر زمان

.Your browser does not support the audio tag

ظاهر و هم باطن قرآن علی است

نقطه نقطه ، حرف حرفِ آن علی است

ص :۱۰۴

۱- ۲۴۱) مینوی ما : بهشت ما .

۲- ۲۴۲) می نشستم با خدا ، یعنی : با نشست و برخاست با امیرالمؤمنین علیه السلام ، رنگ الهی می گرفتم .

Your browser does not support the audio tag.

لیله القدری که در ماه خداست

رکن آن قلب علیِّ مرتضی است

بشنوی از هر نبیّ و هر ولی :

چنگ زن بر دامن مولا علی

Your browser does not support the audio tag.

دشمنش آنگه که فرقش را شکافت

شیر حق از ذکر حق رو بر نتافت(۱)

شد مَلَک شیون کنانْ بر سر زنان

بانگ زد روح القُدُس در آسمان

: عشق بازی را از او آموختم

در دلم خورشیدها افروختم

حق خریدار مناجات علی است

عالَمی مبهوت طاعات علی است

گر مقامش را سگی انکار کرد

ذکر اوصافش مَلَک بسیار کرد

ماه از رویش خجل گردیده است

آسمان از صورتش گُل چیده است

رایت اللّه اکبر دست اوست

سوره توحید هم سر مست اوست

ص :۱۰۵

---

۱ – ۲۴۳) آنگاه که حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام در سجده نماز توسط ابن ملجم ملعون ، فرقش شکافته شد و با صورت خونین در محراب مسجد کوفه افتاد با آن حالت نیز لب های مبارک خود را به ذکر خداوند حرکت می داد .) بحارالأنوار ، ج ۴۲ ، ص ۲۸۲)

گر نظر بر ذرّه خاکی کند

ذرّه را خورشیدِ افلاکی کند(۱)

.Your browser does not support the audio tag

قلب ها را مرتضی تسخیر کرد

نام او توحید را تفسیر کرد

جان من در کنج کویِ عشق اوست

بهر چشمم گردِ کویش آرزوست

تا سگی هستم به درب خانه اش

ریزه خوار سفره شاهانه اش

هر چه می خواهم بگیرم از علی

چون علی دارم ندارم مشکلی

از در این خانه جای دیگری

کی توانم رفت سوی هر دری ؟!

من سگم ، اما سگک صاحب شناس

می کنم این صاحب خود را سپاس

در وجودت عشق حیدر را بکار

تا که پروازت دهد تا نزد یار

تا نگشتی خاک ،(۲) بهرش خاک شو

با غبارش برتر از افلاک شو

ص :۱۰۶

---

۱ – ۲۴۴) معین بیت : اگر امیرالمؤمنین علیه السلام نظر بر ذره ای از خاک افکند ، آن ذره خاک برتر و والاتر از خورشید و ستارگان افلاک و آسمان ها می گردد .
۲– ۲۴۵) تا نگشتی خاک : تا نمردی و تبدیل به خاک نگشته ای .

شیعه او هست تقوایش مدام

او بوَد بی زار از شهرتْ وَ نام

شیعه حیدر به اسم و نام نیست

کس به اسم و نام خوش فرجام نیست

چون علی بر نفس خویشت(۱) سخت گیر

نفس کن در پنجه های خود اسیر

چون علی در یادِ حق دلشاد باش

از قیود این و آن آزاد باش

بر زبانت » یا علی « باشد مدام

کوری کورانِ نورِ آن امام

.Your browser does not support the audio tag

عالم کون و مکان در دست اوست

هستی هر هست هم از هست اوست(۲)

جز از او از کس سَلُونی نشنوی

یار شو تا تَفْقِدوُنی نشنوی(۳)

ص: ۱۰۷

۱- ۲۴۶) نفس خویشت : نفس خود .

۲ - ۲۴۷) اهـل بیـت پیـامبر صـلی الله علیـه وآلـه سـبب پیـدایش عـالَم هسـتند ؛ یعنی خداونـد متعـال به خـاطر این انـوار الهی ، موجودات را خلق نموده است . در زیـارت جـامعه کـبیره می خوانیم : » بِکُمْ فَتَحَ اللّهُ وَ بِکُمْ یَخْتِمْ ؛ به شـما) خانـدان طهـارت علیهم السلام (خداوند ایجاد عالم نمود و به شما عالم را ختم می کند .

۳– ۲۴۸) اشاره به سـخن امیرالمؤمنین علیه السـلام که بارها فرمودند : » سَلُونی قَبلَ أنْ تَفقِدونی ؛ ای مردم ! تا در میانتان هستم از من بپرسید « .) نهج البلاغه ، خطبه ۱۸۹)

علم احمد آمده در سینه اش

سرّ حق را قلب او گنجینه اش

.Your browser does not support the audio tag

شیعه یعنی اهل بینش ، اهل راز

آن که دائم غرق باشد در نماز

عشق حیدر شعله ها بر دل زند

غیرْ دینت را به غارت می برد

.Your browser does not support the audio tag

دشمن ار سازد سرم از تن جدا

بهر عشق حیدر آن شیر خدا

بانگ برآرم که ای دیوانِ پست

آرزویم این چنین جان دادن است

تا شدم عبدِ عبید بوتراب

ایمنم از وحشت روز حساب

گر چه » محسن « پر گناه و پرخطاست

لیک در محشر شفیعش مرتضی است

.Your browser does not support the audio tag

» یا عَلی « در مرگ تلقینم کنید

شاد با این ذکر دیرینم کنید

با گلاب مرقدش پاکم کنید

با غبار مَضجعش خاکم کنید

آشنایان ! دوستان ! ای مؤمنین

باز هم می گویم از روی یقین :

گر چه » محسن « پر گناه و پر خطاست

لیک در محشر شفیعش مرتضی است

ص :۱۰۸

.Your browser does not support the audio tag

ذرّه ای گَردم به درگاهت امیر

جان » محسن «(۱) حیدرا ! دستم بگیر

یک نظر بر من نما ای بوتراب

تا درونم پر شود از نور ناب

گر ملائک سجده بر آدم نمود

نی برای او ، که از بهر تو بود

ای که نور اختران از نور توست

مهدی صاحبْ زمان هم پور توست

پای خود بر روی این ذرّه گذار

تا شود خورشیدها ، بل صد هزار

خطاب به وجود مقدس امام رضا علیه السلام(۲)

ذرّه ام در بارگاهت یا رضا !

دست گیرم ، جان جدّت مرتضی

بارگاهت مَلْجَاَ درماندگان

گشته ام در بارگاهت میهمان

نام تو هم نام جدّت مرتضی است

ذکر قلبم روز و شب مولا رضاست

ص :۱۰۹

۱- ۲۴۹) محسن بن علی علیهما السلام که در جریان هجوم دستگاه خلافت غاصبانه به خانه امیرالمؤمنین علیه السلام در شکم مادرش ، حضرت صدیقه کبری علیها السلام به شهادت رسید . مدارک این واقعه در کتاب سیمای جهان تاب ، در حکمت نامه بیستم به صورت مفصل آمده است .

۲- ۲۵۰) ابیات پایانی این مثنوی را در حرم مطهر امام رضا علیه السلام در کنار مضجع شریفشان سروده ام .

عرش را چون از ضریحت دیده ام

خاک پای زائرت بر دیده ام(۱)

پور حیدر یک نظر بر من نما

تا چو مرغان اوج گیرم در سما(۲)

چشم » محسن « خیره بر دستان توست

چشمه مینوی او احسان توست

× × ×

خطاب به وجود مقدس ولیّ عصر علیه السلام

ای اباصالح ! نظر بر من نما

دست گیرم باش جان مرتضی

ذوالفقار مرتضی در دست توست

آسمان ها و زمین پا بستِ توست

رخ نما بر ما تو ای دلدار پاک

گشته از هجران تو دل چاک چاک

پرده از چهره گشا ای پادشا !

تا ببینم چهره مشکل گشا

اسم اعظم در وجودت مستتِر

هست » محسن « بر ظهورت منتظر

۱- ۲۵۱) یعنی : چون من ابتدا و آغاز عرش خداوند را از بارگاه و ضریحت دیده ام ، بنابراین سزاوار است که خاک پای تمام زائرانت را بر دیده ام بگذارم .

۲– ۲۵۲) سما : سماء ، آسمان .

نجوای پایانی با خداوند

ای خدا ای پادشاه بی بدیل

ای که هر مخلوقْ در مُلکت ذلیل

خالق عالم تویی ، قادر تویی

راحم وهّاب ، هم قاهر تویی

از عدم انشا نمودی(۱) خلق را

آسمان را ، غرب را ، هم شرق را

در حریمت حیدر عبد مطلق است

هر که یزدانش بخواند احمق است

مرتضی با لطف تو رفعت گرفت

با نگاه تو بسی عزّت گرفت

از گناهانم کریما ! درگذر

نیست در عالم ز تو بخشنده تر

تا که بوی عطر او در دل نشست

بی خود از خود گشتم و شیدا و مست

خاک پای عاشقان باده نوش(۲)

توتیای دیده سازم با خروش

فاش گویم این سخن از جان و دل :

نیستم بی عشق او(۳) جز مشتِ گِل

۱– ۲۵۳) انشا نمودی : خلق کردی .

۲– ۲۵۴) عاشقان باده نوش : کسانی که از جام محبّت امیرالمؤمنین علیه السلام سیراب شده اند .

۳– ۲۵۵) او : حیدر .

ای خدا غم از دل من دور کن

چشم و قلب بنده را پر نور کن

تا تو باشی در دل و در جان من

تابه ذکر » یا عَلی « گویم سخن

تا شوم پروانه بستان یار

باز گردم حول سیمای نگار

× × ×

الحمدُ للَّهِ الّذی جَعَلنا مِنَ المُتِمّسکینَ بولایهِ علیّ بن ابی طالب علیه السلام

ص :۱۱۲

بخش دوم : برخی دیگر از اشعار

اشاره

ص :۱۱۳

مثنوی در پند و اندرز

پاک شو ای مرد خدا پاک شو

بنده حق باش و بر افلاک شو

خانه دل مسکن شیطان مکن

عقل خدا داد به زندان مکن

طایر بستان خدا باش و بس

از دل و جان دور نما خار و خس

دیده دل را به دعا باز کن

جانب حق بال گشا راز کن

سالک حق باش و برو سوی او

تا که نمایان شودت روی او

هر چه کُنی کشت بروید همان

کار بد و نیک نماند نهان

آن چه که پاینده بوَد آن بخواه

قرب و رضا ، بوسه بر آن بارگاه

ص :۱۱۵

آینه سان پاک شود جان ما

گر روی از صدق به سوی خدا

پس به گنه تار مکن روح و جان

جامه تقوا بطلب ای جوان

حاصل عمر ار نبوَد جز گنه

پس به یقین عمر تو گردد تبه

حیدر کرار بود رهنما

دامن او گیر به صدق و صفا

جهد کن و دست علی را بگیر

تا که به فردوس رسی ای خبیر

لطف خدا شامل حالش شود

آنکه ز مالش به یتیمان دهد

هر چه دهی بهر خدا بی ریا

چند برابر دهدت آن سرا

خیز و دلی با دِرَمی شاد کن

باده حق نوش و دل آباد کن

کبر بدان با تو چها می کند

دین تو را از تو جدا می کند

شاه جهان باش به افتادگی

هست همین غایت مردانگی

بخل و طمع دور کن از روح و جان

در ره حق کار کن ای مهربان

ص: ١١٧

صدق بوَد راه نجات ، محتشم !

توبه کن از کرده بد دم به دم

رهگذر عمر که یک ساعت است

نزد خردمند همه طاعت است

منزل آخر چو بوَد گور تنگ

پس تو به دنیا و فریبش بجنگ

×

ص :۱۱۷

غزل

منم همان کبوتری اسیر بندِ ناکسان

در آرزویم این بوَد رَوَم به سوی آسمان

ولی شکسته بال و پر چِسان به اوج پر کشم

چگونه بَر شوم روم به آسمانِ بی کران

به خود نگاه می کنم فسرده ام در این قفس

خدا کند که بشکنم حصارهای این جهان

بهشت جای من بوَد نه این زمین و این سرا

نثار دوست بایدم دل و سر و تن و روان

سرشک خون به حال خود ببارم از دو دیده ام

مگر خدا بیفکند نظر به عبد ناتوان

×

ص :۱۱۸

دو بیتی

به قلبم چون زدی تیری ز مژگان

ز پا افتادم و بگذشتم از جان

ز داروی طبیبان بی نیازم

مرا جام وصالت هست درمان

×

درون سینه چندان زخم دارم

که لرزد کوه گر بانگی برآرم

نمی بینم به جز تو آشنایی

که سر بر سینه مهرش گذارم

×

ص :۱۱۹

دو بیتی

چو ویران توأم آباد هستم

شبستانی پر از فریاد هستم

چه شیرین است آن جذب نگاهت

به من بنگر ، دو صد فرهاد هستم

×

بیا زیبا ! قدم بر دیده بگذار

جهان از ظلم گشته چون شب تار

به شمشیرت بَدان را سرنگون کن

که سفیانی و دجال اند بسیار

×

دو بیتی

مرا مسرور کن امروز دلدار !

بگو کی می رسد هنگام دیدار

دلم را آن چنان تسخیر کردی

که آهنگش بود : ای یار ای یار

×

صبا ! چون بگذری از کوی دلدار

ببر پیغام دل را جانب یار

که می گوید دمادم از فراقت :

دلا ! کی می رسد هنگام دیدار ؟

×

دو بیتی

شب و روز از فراقت دیده بارد

مرا امّید وصلت زنده دارد

اگر عاشق به کویت ره نیابد

سزاوارش بوَد گر جان سپارد

×

بیفشان زلف و شوری در جهان زن

نمک بر روی این زخم نهان زن

نگارا پرده از رخسار بر گیر

بهارم باش و آتش بر خزان زن

×

به عطر گیسوانت مست مستم

به عشق روی تو من زنده هستم

مدار کن به من ای نازنین یار

بده جام وصالت را به دستم

×

ص :۱۲۲

رباعی

تا کاخ ریا یکسره ویران نشود

صحرای وجود کس گلستان نشود

برخیز و به زیر پا لگد کوبش کن

با دلق ریا کسی مسلمان نشود

×

آن کس که نهال خیر در دنیا کاشت

امّید بهشت از خدا بتوان داشت

از عُجب و ریا اگر درون پاک شود

بر بام جهان تواند او پای گذاشت

×

رباعی

در روز غدیر آسمان دیدن داشت

بر پای امیر شوق بوسیدن داشت

هر کس که به روی ناز مولا نگریست

در باغ نبی هوای گلچیدن داشت

×

بر روح شهیدان مِنی رحمت باد

پاداشْ خوشا بهشتِ پر نعمت باد

آواز حزین ز عرش ایزد برخاست :

بر آل سعود روز و شب لعنت باد

×

ص :۱۲۴

رباعی

الحالْ که ماه رخ نمایان کرده است

جانم هوس جمال جانان کرده است

آن شهد نگاه و عطر گیسوی نگار

ویرانه دل کاخ سلیمان کرده است

×

بر دشت دلم خیمه زدی ای دلدار

یک لحظه نقاب روی خود را بردار

من را به تماشای رخت مهمان کن

تا دیده خود را کنم از گل سرشار

×

ص :۱۲۵

خطاب به وجود مقدس حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام

آنان که ز انفاس تو پر بار شدند

سرمست تو از میکده بی زار شدند

گفتند : »هو الحق« نه » أنا الحق « زین رو

لبیک زنان به چوبه دار شدند

×

حاسد که به زعم خویش با ایمان است

او نیک بداند که بسی ویران است

گر دل به حسد سیاه گردد چون قیر

با لطف خدا ، مرگ فقط درمان است !!

×

وصلی اللّه علی محمّد وآله الطیبین الطاهرین

ولعنه اللّه علی اعدائهم اجمعین الی قیام یوم الدّین

سید محسن طیب نیا

خاک پای قنبر امیرالمؤمنین علیه السلام

۲۸ محرم ۱۴۳۷

بخش سوم :گزیده هایی از کتاب سیمای جهان تاب

اشاره

ص :۱۲۷

کتاب سیمای جهان تاب ، مجموعه ای است مفصّل در بیان زندگانی نورانی و مناقب والای حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام که محقق ارجمند حجت الاسلام والمسلمین سید محسن طیب نیا در ۷۲۰ صفحه وزیری تألیف نموده است .

نویسنده در این مجموعه سعی نموده که با شیوه ای هنرمندانه و بیانی شیوا و جذّاب یک دوره زندگانی امیرمؤمنان علیه السلام را با مخاطب قرار دادن آن حضرت به گونه ای شرح نماید تا خواننده خود را قدم به قدم همراه امیرمؤمنان علیه السلام ببیند .

همچنین نویسنده محقق ، با تحقیقاتی وسیع و استنادات مکرر به احادیث نبوی صلی الله علیه وآله و چند صد کتاب مهم تاریخی ، حدیثی و تفسیری و غیره - که عمدتاً از اهل تسنن است - به خوبی وصایت و خلافت بلافصل امیرمؤمنان علیه السلام را اثبات نموده و شبهات مخالفان را با دلائل روشن پاسخ داده است . مطالعه این مجموعه جامع و ارزشمند را به همه حق طلبان سفارش می کنیم .

ما در این جا گزینه هایی از این کتاب را - به عنوان بخش پایانی - می آوریم .

ناشر

ص :۱۲۹

بخشی از ارادت نامه کتاب :

سلام بی پایان خدا بر تو باد یا مولا ، یا امیرالمؤمنین ، یا ابا الحسن !

سلام ملائکه و انبیاء و رُسُل و تمام نیکان و پاکان و صالحان عالم بر تو باد !

ای امیرالمؤمنین ! و ای برادر حبیب خدا ! و ای دروازه علم پیامبر خاتم ، و ای محبوب ترین خلق خدا !

سلام بر تو باد

ای رفعت یافته خدا ! ای مجاهد خستگی ناپذیر بی بدیل بشریت ! ای فاتح برتر تمام قله های ارزش های والای جاودان الهی ! سلام بر تو باد !

تویی آن خورشید جهان تاب آسمان ها ، و تویی آن سیمای عالم تاب گیتی افروز !

ملائکه آسمان ها همواره مشتاقند که بال های خویش را بگشایند و زیر قدم هایت قرار دهند تا آن را فرش راه تو کنند .

ای آرام بخش قلب رسول خاتم صلی الله علیه وآله ، ای نَفْس رسول خدا صلی الله علیه وآله ؛

ص :۱۳۱

ای ویران کننده کاخ های کفر ، ای قوام و ستونِ دین ، ای آیه آیه و کلمه کلمه و حرف حرف قرآن کریم ، سلام بر تو باد !

هر چند مردمان بی معرفت آن زمان ، تو را نشناختند و خنجرهای آتشین بر قلب مهربانت زدند ، و دشمنانت - که کافرترین و ددمنش ترین خلایق عالم بودند - با تمام ترفندها و نیرنگ ها خواستند تا نور تو را خاموش کنند ؛ اما وجود تو چونان هزاران هزارخورشید در پهنای آسمان گیتی و آسمان قلب ها درخشید و سیمای جهان تاب تو با انواری به وسعت ابدیت عالم و قلب ها را منوّر ساخت .

ای امیرالمؤمنین ! ای شیر خدا ! ای افتخار دین ! ای طراوت بهشت جاوید خدا ! همه ما فدای خاک پای تو ، همان خاک پایی که سزاوار است تمام جهانیان بر آن بوسه زنند و تبرّک گیرند .

ای امیرالمؤمنین ! آرزوی همه عاشقان عارف دلباخته ات این است : ای کاش در آن زمان بودند و صورت هایشان را ردیف ردیف کنار هم قرار می دادند تا آن را فرش گام های تو کنند .

هرگاه عاشقان عارف به مقام تو ، هر جای قرآن را ورق می زنند ، عطر محمّدی تو به مشامشان می رسد که تو روح قرآنی و قرآن با تو معنا می یابد .

ای امیرالمؤمنین ! ای قهرمان قهرمانان عالم ! عاشقان دلباخته ات ، آن کفش کهنه و پر وصله ات را به تمام عالم معاوضه نمی کنند ؛ همان کفش پر وصله ای که روزی به یکی از یارانت گفتی :

چقدر می ارزد ؟

ص: ۱۳۲

و وی جواب داد :

یا امیرالمؤمنین ! آن قدر مندرس و پر وصله است که هیچ نمی ارزد و قیمتی ندارد !

اما ما با عشق می گوییم :

لب های ما بوسه زنند بر کف آن کفش های پر وصله ات !

ای کاش تاریخ به عقب بازمی گشت و در زمان تو می زیستیم و هزاران بار جان ناقابلمان را عاشقانه به پای تو می ریختیم ، تا با فدا کردن جان خود کمی از غم ها و غصه هایت را - که صابرانه در وجود خود نگه می داشتی - تسکین دهیم و یا مرهمی ناچیز بر آن دل پر زخمت گردیم ؛ اما هزار افسوس که لایق نبودیم ؛ ولیکن تمام افتخار ما این است :

امام ما امیرالمؤمنین است .

بخشی از حکمت اول

در بیان تولد امام علی علیه السلام

یا مولا ! یا امیرالمؤمنین !

از تو چه بگویم و چه بنویسم که حق سخن درباره ات ادا کنم ؟ !

اما مگر می شود به گونه ای سخن گفت که حق مقامت ادا شود ؟ چه اگر تمام درختان قلم شوند و دریاها مرکب ، و انسان ها و دیگران حساب گر و نویسنده گردند ، نمی توانند مناقب و فضائلت را شمارش کنند ! اما منِ کوچک چگونه سخن بگویم و بسرایم و بنویسم که بزرگان در این وادی عظیمِ بی پایان ، متحیّر و کوچک اند .

آری ! نه بشر توان توصیف مناقبت را دارد و نه فوق بشر ؛ جز آن خدایی که تو را آفرید و رفعت داد .

از طلوعت در عالم نور هیچ نمی توان سخن گفت جز آن چه خود و برادرت و فرزندان پاک و مطهرت علیهم السلام فرموده اید که : ما هزاران سال قبل از ایجاد آسمان ها و زمین و مَلَک موجود بودیم به صورت نور در عالم نور و عابد و ساجد خالق نور !

ص: ۱۳۵

اما از شکفتنت در زمین شاید قدری بتوان گفت که :

آب دریا را اگر نتوان کشید

هم به قدر تشنگی باید چشید

مولای من ! زیباترین طلوع و شکفتن در زمین از آن تو است ؛ زیرا در حرمی متولد شده ای که شریف ترین و پاک ترین مکان است و ساجدان با روی نمودن به آن از خاک ، به سوی افلاک پر می کشند .

خداوند پاکِ هستی بخش ، اراده نمود که تولدت درون کعبه معجزه و نشانه ای بزرگ باشد تا جهانیان اگر اهل اندیشه اند در آن بیندیشند !

نمی دانم آن زمانی که نورت از کعبه طلوع کرد بر زمین و زمان و آسمان چه گذشت ؟ ! !

آیا جان آسمان از شوقت به نفس نفس افتاده بود ؟ ! و قلب زمین از اشتیاقت به تپش تپش ؟ !

نمی دانم ملائکه در آسمان ها اشک می ریختند یا مشتاقانه می خندیدند؟!

اما یقیناً تسبیح ملائکه در آن زمان ذکر تو بود که رسول خدا صلی الله علیه وآله فرمود :

ذکر علی عبادت است .

آیا با تولدت عشق رنگ و بویی دیگر گرفت ؟ آیا عشق تفسیر شد ؟ آیا عشق و جنون یکی شد ؟ یا عشق از آن زمان تاریخ تولد یافت ؟ یا اصلاً باید بگویم واژه ها در آن زمان در مقابلت بی معنا شدند ! !

هر چه بود عطر این تولد پاک که بسی خوشبوتر از عطر تسنیم بهشت است ، زمین و آسمان و ملکوت را پر کرد و این عطر تا ابد مشام مشتاقان دلسوخته ات را سرشار نموده است !

ص :۱۳۶

یا علی !

قبل از تولدت در عالم خاک ، تو در عالم نور و افلاک چه معامله ها با خدا کردی که از بدوِ تولدت چنین رفعت و مقام و منزلتی را خدا مختصّ تو نمود ؟ !

و اما در این سرای دنیا زیباترین و عالی ترین معامله ها را با خدا نمودی ، و همیشه بعد از رسول خاتم صلی الله علیه وآله اول بودی و دیگر یاران رسول رحمت صلی الله علیه وآله با فاصله ای بیشتر از فاصله آسمان اول تا هفتم در پشت سر تو تا ابد خواهند بود !

یا علی ! سرّ این همه مواهب و مناقب و عظمت و مقام از جانب حضرت حق سبحانه برای تو چیست ؟ ما نمی دانیم و خدا می داند !

ص :۱۳۷

بخشی از حکمت دوم

در بیان این که امام علی علیه السلام سبقت گیرنده در دین خداست

سراسر شرق و غرب در طول تاریخِ روزگار ، کسی را چون تو فاتح قلّه ارزش ها - بعد از برادرت رسول خدا صلی الله علیه وآله - ندیده است .

آری ! تویی آن روح جاودان ارزش های عالمْ که تمام قله ها را فتح نموده ای ، و بهترین عالمیان در دامنه های آن به سر می برند .

پیشگامی تو در تمام ارزش های الهی سبب شد که محبوب ترینِ خلق خدا شوی و این سخن برادرت رسول خداست که تو را محبوب ترین خلق خدا نامید .

تو آن چنان در قلّه عالی ارزش های الهی دارای مقامات هستی که درجات پائین آن را هم نمی توان پیمود !

دشمنانت چه بسیار سعی نمودند که فضائل ات را بپوشانند و تمام ترفندها و نیرنگ ها را برای خاموش کردن نور تو - که پرتویی از نور عظمت خدا است - به کار بردند ؛ اما خود خاموش شدند و تو چون خورشیدی فروزان در پهنه آسمان دل های عاشقانت درخشیدی .

ص: ۱۳۹

آن زباله های شجره خبیثه اموی هر چند هفتاد سال مزدوران حرام خوار خود را اجیر نمودند که بر منابر به تو ناسزا گویند ؛ اما چون رفعت و مقامت از جانب خدا بود ، هرگز ذرّه ای از محبت تو در دل های عاشقان دلباخته بی قرارت کم نشد ؛ بلکه افزون گشت !

آن خاندان پست ، آن خاندان نابکار ، آن خاندان ناپاک زاد که اولشان کافر ، اوسطشان کافر ، و آخرشان کافر بودند کجا و خاندان پاک تو که اوّلشان محمّد صلی الله علیه وآله ، اوسطشان محمّد صلی الله علیه وآله و آخرشان محمّد صلی الله علیه وآله کجا ؟ !

اکنون مهر تو در دل ها می جوشد و آتش عشق زبانه می زند و دلباختگانت در جای جای عالم نام تو قبله گاه قلبشان است .

آری !

حق پایدار است و باطل نابود شدنی است . و تو در قلب ها جاودان شدی ، که جاودانگی ثمره اخلاص بی مثال تو است .

ای عصاره عطر محمّدی صلی الله علیه وآله ! ای آینه تمام نمای رسول خدا صلی الله علیه وآله ، ای آیه آیه آیات الهی ! ای کلمه کلمه و حرف حرف قرآن مجید !

ای خورشید فروزان ارزش های الهی تا قیام قیامت ! ای طلوع صبحی روشن به وسعت تمام افق های عالم ! ای تفسیر کننده اسماء و صفات الهی ! ای عطر کلام خدا !

ایمان تو از همان ابتدا همان صبح صادقی بود که روشنایی ابدی را برای بشریت به ارمغان آورد که آن هرگز غروب نمی کند و هرگز تیرگی و سیاهی حتی به صورت رَگه یا ذرّه در آن پدیدار نمی گردد !

آری ، آری !

آن ایمانی ارزشمند است که پایدار باشد و چه بسیار افرادی که ایمان

ص :۱۴۰

آوردند ، اما در ایمان پایدار نبودند و آن را با ظلم ویران کردند ، اما تو نه تنها در سخت ترین شرایط از ایمانت کاسته نشد ؛ بلکه سختی ها و دشواری ها بر ایمانت افزود و آن خورشید مبارک وجودت که در کعبه طلوع کرد با ایمان و پایداری و مجاهدت هایت در چنان وسعتی از افق قرار گرفت که تا ابد برای رهپویان راه خدا نورافشانی می کند و ظلمات را می شکافد .

آنان که مقام و جایگاه تو را مدّعی شدند ، سال ها بلکه بخش عمده حیاتشان را در بت پرستی و شراب خواری به سر می بردند ؛ حتی اگر ابراز و اظهار اسلامشان را هم صادق بدانیم و نه از روی طمع ؛ اما در ایمان پایدار نبودند ؛ زیرا آن چه را که شایسته مقام آنان نبود مدّعی شدند و جایگاهی را برای خود گرفتند که مقام و منزلت تو بود .

وا اسفا بر مردم روزگار تو ! که چگونه خورشید فروزان وجودت را رها کردند و سایه نشین ظلمات شدند ، و این در حالی بود که بارها از پیامبر صلی الله علیه وآله شنیده بودند که درباره ات فرموده بود :

علی همیشه با حق است و حق همیشه با علی است ، و حق همیشه دور علی می گردد هر کجا که باشد .

تویی آن نور هدایت الهی در تمام اعصار و تویی آن کس که در افلاک ، ملائکه به تو مباهات می کنند و در آسمان ها مشهورتری تا در زمین !

ای کسی که دشمنانت ددمنشان عالم اند و عارفانت پاکان عالم !

و ای طراوت کلام خدای جهان آفرین که بارها ملائکه به امر خدا به پاس ایمان و مجاهدت هایت برای تو در آسمان ها ندا دادند :

آفرین ! آفرین !

ص :۱۴۱

اعتراف داریم که آن کس که تو را منکر شد هرگز خدا را نشناخت و آن کس که تو را تصدیق نمود و شناخت ، خدا را شناخت و از خداوند مهربان می خواهیم که ذرّه ای از معرفت و شناخت تو را به ما عنایت فرماید که در پرتو آن شناخت ، بنده خدا گردیم .

ص :۱۴۲

بخشی از حکمت پنجم

در بیان مقام شیعیان امیرالمؤمنین علیه السلام

... این یک اصل است که همیشه خوبان به خوبان و بدان به بدان ملحق می شوند .

همواره یاران وفادار پیامبران از پاکان و مخلصان بوده اند و یاران بی وفا و دشمنانشان از ناپاکان و مشرکان .

یاران و پیروان تو همان یاران با بصیرت رسول خدا صلی الله علیه وآله - همچون سلمان ، ابوذر ، مقداد و عمار - بودند که تو را تصدیق نمودند و خاضع مقام و منزلت شدند .

آن بامعرفتان مخلص کسانی بودند که هرگز ایمانشان را با ظلم نیالودند و هرگز وجودشان را از خورشید تابناک ولایت بی نیاز ندیدند .

یا مولا !

پیامبر صلی الله علیه وآله چه کسی را از اهل بیت خود خواند و فرمود : علم او چون دریایی است که نمی توان به عمق آن رسید ؟

ص: ۱۴۳

یا مولا !

پیامبر صلی الله علیه وآله درباره کدام یک از صحابه فرمود که بهشت مشتاق دیدار اوست ؟

یا مولا !

پیامبر صلی الله علیه وآله کدام یک از یاران خود را این گونه توصیف نمود که آسمان و زمین ، کسی را راستگوتر از او ندیده است ؟

آری ! سلمان

آری ! ابوذر

همان پاکان ، همان مجاهدان ، همان مخلصان !

آری ! آری !

از همان ابتدا پاکان و خوبان عالم عاشق تو بودند .

پیروان راستین تو که مصائب را در راه حفظ دین حق ، به جان خریدند همواره در طول تاریخ اسلام ، پیشگامان ایمان و معرفت بوده اند ، و چه بسیار از پیروان راستین تو که در راه احیای حق جان خود را در طبق اخلاص تقدیم دوست نمودند تا ارزش های والای دین محمّد صلی الله علیه وآله حفظ شود .

پیروان راستین تو که از جام ولایت ، شراب ناب محمّدی صلی الله علیه وآله نوشیدند و در سرزمین پاک علوی روئیدند ، همواره آزادگان جهان بوده اند .

تو در ایمان پیشگام و پایدار بودی و پیروانت نیز پیشگامان و پایدارانند ؛ تو در میدان نبرد با دشمنان خدا ، شیر و قهرمان بودی ، و پیروان تو نیز قهرمانان و شیرانند ؛ تو نسبت به دنیا بی رغبت بودی و مشتاق لقای خدا و پیروان راستین تو نیز بی رغبتان و مشتاقانند .

و از این رو رسول خدا صلی الله علیه وآله درباره تو و شیعیان تو فرمود :

ای علی ! تو و شیعیانت رستگاران روز قیامت هستید .

پیروان راستین تو حقیقتاً اهل تقوا و پاکی هستند . پیروان راستین تو اهل عبادت خالصانه و به دور از ریا می باشند . شیعه به اسم و نام نیست ؛ بلکه به ایمان و عمل است و پیروان راستین تو اهل ایمان و عمل اند . شیعیان واقعی تو اهل نماز اول وقت می باشند و آن را بر هر کاری ترجیح می دهند . شیعیان واقعی تو مدام کلام خدا را می خوانند و در آن تفکر می کنند . شیعیان راستین تو همان مجاهدان راه خدا می باشند که هرگز با دشمنان خدا کنار نمی آیند ؛ و شیعیان راستین تو همان منتظرانند ، منتظران فرزندت مهدی علیه السلام ، تا ظهور نماید و در رکاب او برای احیای دین حق جانشان را نثار کنند .

ص: ۱۴۵

بخشی از حکمت ششم

در بیان لیله المبیت

تو همیشه در آزمون های الهی مقدّم و سرافراز و پیروزمند بودی ؛ نه تنها همیشه در ایمان ممتازترین رتبه ها را کسب نمودی ، بلکه در ایثار و فداکاری و بذل جان نیز پیشگام بودی و سایر مؤمنان مخلص با فاصله ای بسیار بسیار زیاد پشت سر تو قرار داشتند .

تو در بهار جوانی خود حاضر شدی که تمام هستی خود - که جان ارزشمندت بود - را برای حفظ نهال اسلام در راه حق فدا کنی و در راه خدا با آغوش باز به استقبال مرگ رفتی و ذرّه ای نترسیدی و ایثار و جانبازی تو نه برای بهشت یا نجات از دوزخ بود ؛ بلکه فقط برای کسب رضای الهی بود .

... حالا باید دید چه کسی حاضر می شود در بستر پیامبر صلی الله علیه وآله - که قرار شده است چهل شمشیر برنده بر آن فرود آید - بخوابد و جان خود را فدای وی کند ؟ !

آری یا امیر مؤمنان !

آن شخص فداکار تو بودی ؛ تو بودی اولین مؤمن به رسول خدا صلی الله علیه وآله ،

ص :۱۴۷

و تو بودی که همواره چونان پروانه ای عاشق به دور خورشید وجود پیامبر صلی الله علیه وآله می گشتی ، و آن گاه که برادرت رسول خدا صلی الله علیه وآله موضوع را با تو در میان گذاشت ، بدون کوچکترین تردید پذیرفتی و به او گفتی : ای پیامبر خدا ! آیا با خوابیدن من در آن جا شما سالم خواهید ماند ؟ و آن حضرت فرمود : آری ! سالم خواهم ماند .

آنگاه با چشمانی اشکبار و تبسمی زیبا خود را بر روی زمین انداختی و سجده شکر به جای آوردی و برخاستی و گفتی : آنچه را مأمور گشته ای انجام ده که چشم و گوش و سودای قلبم فدای تو باد ! فرمانم ده به هر آنچه می خواهی که همانند دستیار شما هستم ، هرگونه که شما بفرمائید در آن وارد می شوم و موفقیتم فقط از ناحیه خداست .

چه زیبا ! چه زیبا !

تو در آن بهار جوانی – که هر جوانی مشتاق زندگی است – از زندگی و سلامتی خود هیچ نپرسیدی و فقط از زندگی و سلامتی برادرت رسول خدا صلی الله علیه وآله پرسیدی و آنگاه که آن حضرت مژده سلامتی اش را به تو داد ، مشتاقانه بر خاک افتادی و خدا را شکر نمودی .

آری ! بی جهت نبود که محبوب رسول خدا شدی و عزیزترین کس در نزد ایشان ؛ تا آن جا که درباره ات فرمود :

همانا گوشت علی از گوشت من است و خون او از خون من .

و نیز درباره ات فرمود :

علی برای من مانند سر من است برای پیکرم .

ص :۱۴۸

و بارها نسبت به تو سفارش کرد و فرمود :

علی از من است و من از علی و هر کس علی را بیازارد ، مرا آزرده است .

تو همواره عزیز و محبوب قلب رسول خدا صلی الله علیه وآله بودی ؛ اما با این رشادت و ایثار بزرگت ، در پیشگاه رسول خدا صلی الله علیه وآله و ملائکه آسمان ها عزیزتر شدی . تو از آغاز شب در بستر پیامبر صلی الله علیه وآله خوابیدی و آن حضرت صلی الله علیه وآله در موقعیتی مناسب از منزل خارج شد .

پاسی از شب گذشته بود که به وسیله چهل نفر - که هر کدام از آنان شمشیر برّانی در دست داشت - محاصره خانه پیامبر صلی الله علیه وآله آغاز شد ؛ آنان از شکاف در به خانه نگاه می کردند و وضع را عادی می دیدند ...

... هر چند تو در آن واقعه جان سالم به در بردی ولی ارزش کار تو به خاطر این است که از خطر نهراسیدی و با آغوش باز و مشتاقانه برای دفاع از حق به استقبال مرگ رفتی .

این جانبازی تو به اندازه ای ارزش داشت که خداوند متعال در کتاب جاویدش آن را ستوده و آن را فقط در راه کسب رضای الهی نامیده است .(۱)

۱- ۲۵۶) سوره بقره ، آیه ۲۰۷ .

بخشی از حکمت هفتم

در بیان بستن عقد اخوّت توسط پیامبر صلی الله علیه وآله با علی علیه السلام

تو بـا آن فـداکاری ات در لیله المبیت ، در چشـمان رسول خـدا صـلی الله علیه وآله محبوب تر و عزیزتر شـدی . مردم بارها از رسول خدا شنیده بودند که تو را برادر خویش صدا می زد و می فرمود :

برادرم علی را صدا بزنید !

آن چنان محبوب قلب رسول خدا صلی الله علیه وآله بودی که در بین یاران ، تو را محبوب ترین خلق خدا معرفی نمود ، آنگاه که مرغ بریانی خـدمت رسول خـدا صـلی الله علیه وآله هدیه آوردند و رسول خدا صـلی الله علیه وآله سـر بر آسـمان گشود و چنین فرمود : بارالها ! محبوب ترین خلق خود را برسان تا در تناول این خوراک شریک من گردد ! !

آن گاه درب خانه رسول خـدا صـلی الله علیه وآله کوبیـده شـد و رسول خـدا صـلی الله علیه وآله فرمود : درب را بگشائید که محبوب ترین خلق خدا رسـید ، و آن گاه که درب منزل رسول خدا صـلی الله علیه وآله را گشودند ، قامت دلربای تو چشـمان رسول خدا صلی الله علیه وآله را

روشن و قلب مطهّرش را شاد ساخت و تو را به میهمانی خود فرا خواند و فرمود :

یا علی ! تو محبوب ترین خلق خدا هستی .

... رسول خدا صلی الله علیه وآله بعد از استقرارش در شهر یثرب ، به یاران دستور داد که مسجدی بنا کنند و تو دوشادوش پیامبر صلی الله علیه وآله و دیگر یاران بنای مسجدی ساده و کوچک را به پایان رساندید .

وقتی ساختمان ساده مسجد به پایان رسید برخی از مهاجران خانه های خود را در اطراف مسجد بنا کردند و از خانه های خود دربی به سوی مسجد باز نمودند تا هنگام نماز از منزل خود مستقیم وارد مسجد شوند . چندین روز بدین منوال گذشت ؛ ناگهان دستوری از سوی پروردگار جهانیان رسید که باید تمام درهای خصوصی که از خانه ها به سمت مسجد باز می شود ، بسته شود ؛ جز درب خانه تو و علی !

این عمل سر و صدایی در میان برخی به وجود آورد و گمان کردند که این استثناء جنبه عاطفی و فامیلی داشته است که برادرت رسول خدا صلی الله علیه وآله برای روشن کردن اذهان مردم فرمود : به خدا قسم ! من چیزی را نبستم و چیزی را نگشودم ، فقط فرمان خدا را اطاعت کردم .

تو از چنان مقامی در پیشگاه خداوند متعال بهره مند بودی که خداوند متعال فقط به تو و برادرت رسول خدا صلی الله علیه وآله اجازه داد تا درب منزلتان به سوی مسجد گشوده باشد و فرمودند دیگر درب ها باید مسدود گردد .

از اقدامات مهمی که برادرت رسول خدا صلی الله علیه وآله در ابتدای ورود به

مـدینه انجـام داد ، بسـتن پیمـان اُخوّت و برادری در بین یاران خویش بود ؛ آن حضـرت صـلی الله علیه وآله از طرف خـداوند مأمور گشت تا جهت نزدیکی بیشتر قلوب مسلمانان با یکدیگر مهاجرین و انصار را با هم برادر کند . از این رو روزی در یک انجمن عمومی به یاران خود فرمود : دو تا دو تا با یکـدیگر برادر دینی شوید ، و سپس رو به مسـلمانان می کرد و می فرمود : تو برادر فلانی هستی ، تا این که پیامبر صلی الله علیه وآله سیصد نفر از مهاجرین و انصار را با یکدیگر برادر اعلام نمود .

آنگاه که کار اخوّت به پایان رسید تو با چشم های اشک بار به رسول خدا صلی الله علیه وآله عرض کردی :

یا رسول اللّه : بین یاران خود عقد اخوّت برقرار کردی ، اما میان من و دیگری برقرار نفرمودید ؟

آنگاه رسول خدا صلی الله علیه وآله با چهره ای خندان در چشمانت نگریست و فرمود:

یـا علی ! پیمـان برادری تو را به تأخیر نینـداختم مگر این که تو را برادر خود کنم که تو فقط سـزاوار منی و تو برادرم در دنیا و آخرت می باشی .

آنگاه آغوش مشک بارش را گشود و تو را در آغوش خویش - که وسیع تر از سرزمین بهشت است - گرفت و به تو فرمود :

دو هزار سـال قبـل از آفرینش آسـمان هـا و زمین بر سـر در بهشت نوشـته شـده بود : محمّـد فرسـتاده خـدا و علی برادر رسول خداست .

خدا می داند آنگاه که رسول خدا صـلی الله علیه وآله با تمام عشق تو را در آغوش گرفت ، یکی از زیباترین صحنه های عالم جلوه گر شد . در آن هنگام

قلب های یاران مخلص رسول خدا صلی الله علیه وآله از شادی لبریز گشت و ملائکه در آسمان ها بر نام تو و برادرت رسول خدا صلی الله علیه وآله که ثبت آسمان ها بود گل هایی از جنس نور پاشیدند و صلوات سر دادند .

و آن گاه که رسول خدا صلی الله علیه وآله تو را در آغوش خویش گرفت ، بوی معطّر بدنش را که خوش بوتر از شراب تسنیم بهشت است را استشمام نمودی ، و او نیز بوی معطر بدنت را که خوش بوتر از نهر سلسبیل بهشت است را استشمام نمود ، و این عطر خوش عقد اخوت رسول خدا صلی الله علیه وآله با تو ، برای همیشه در دنیا و برزخ و آخرت و بهشت ، مشام عارفان دلسوخته شما خاندان عصمت و طهارت علیهم السلام را معطر نموده است .

آری !

رسول خدا صلی الله علیه وآله خواستند تا با این عقد برادری به همه بفهمانند که تو نه تنها عزیزترین عزیزانش هستی ؛ بلکه در تمامی مراتب و مقامات - به جز مقام نبوّت و رسالت - با وی شریک و همسانی ، همان گونه که در کلام دیگری درباره ات فرمود :

ای علی ! آیا راضی نمی شوی که بگویم مقام و منزلت تو نسبت به من همان مقام و منزلت هارون است نسبت به موسی ؛ مگر این که تو پیامبر نیستی ؟

و نیز درباره ات فرمود :

علی از من است و من از علی .

و فرمود :

هر کس علی را بیازارد مرا آزرده است .

و فرمود :

نگاه کردن به چهره علی عبادت است .

و به دشمنان و مخالفان تو هشدار داد که هر کس با عداوت و بغض علی بمیرد ، بر دین یهودی و یا نصرانی خواهد مرد ، نه بر دین اسلام .

و رسول خدا تو را صدیق اکبر و فاروق اعظم نام نهاد .

و درباره ات فرمود :

علی امام نیکان و کشنده دشمنان خدا است ، و یاری کننده وی پیروز و دشمنان و بدخواهان او خوار و ذلیل اند .

و به تو فرمود :

یا علی ! تو وصی من در خاندانم و خلیفه ام در امتم هستی .

و نیز درباره فضائل خدادادی و بی کرانت فرمود :

اگر درختان قلم شوند و دریاها جوهر آن و جن و انس حساب گر آن ، نمی توانند فضائل علی بن ابی طالب را جمع کنند .

و همچنین به دشمنان قسم خورده ات و به منکران فضائل و مقام خدا داده ات وعده داده است که روز قیامت محشور می شوند با طوقی از شعله های آتش در گردنشان به پای حساب و میزان الهی !

بخشی از حکمت یازدهم

در بیان رشادت حضرت علی علیه السلام در جنگ احد

در جنگ بدر که عمدتاً با رشادت های تو کفار قریش دچار شکست سخت و ذلّت باری شدند ، تصمیم گرفتند برای جبران آن و اعاده حیثیت از دست رفته خود در بدر درصدد انتقام برآیند ؛ از این رو همه سران کفر توافق کردند مال التجاره ای را که ابوسفیان در جنگ بدر سالم به مکه رسانده بود ، صرف هزینه انتقام از رسول خدا صلی الله علیه وآله و مسلمانان کنند .

سپاه شرک متشکّل از سه هزار مرد جنگی با اسبان متعدد و تجهیزات فراوان نظامی به فرماندهی ابوسفیان راهی مدینه شد ...

... آنگاه که پرچم داران سپاه کفر توسط تو یکی پس از دیگری کشته شدند ، سپاه خود را شکست خورده دیدند و با رها کردن مقادیر زیادی از سلاح های خود پا به فرار گذاشتند . مسلمین که خود را پیروز معرکه می دیدند ، بدون توجه به بازگشت دشمن با خیال آسوده مشغول جمع آوری غنائم شدند و تو در آن هنگام در کنار رسول خدا صلی الله علیه وآله بودی

ص :۱۵۷

و مواظب بودی که نکند دشمن طی نقشه ای بی محابا حمله کند و جان پیامبر صلی الله علیه وآله در مخاطره قرار گیرد .

» خالد بن ولید « از فرماندهان سپاه کفر بسیار تلاش کرد که از پشت سر به مسلمین حمله کند ؛ اما آن پنجاه نفر - که پیامبر صلی الله علیه وآله بر فراز شکافی از کوه قرار داده بود - با تیراندازی مانع عبور وی و سپاهیانش شدند ؛ اما زمانی که تیراندازان - بجز ده نفر از آنان - همگی به گمان پیروزی ، به پائین کوه جهت عقب نماندن از جمع آوری غنائم ، سرازیر شدند ، خالد بن ولید با تعداد زیادی از لشکریان شرک به مسلمانان حمله نمودند و آن ده سرباز اسلام را به شهادت رساندند و به دل سپاه اسلام که مشغول جمع آوری غنائم بودند ، تاختند .

در این موقع مسلمین از جلو و عقب مورد تهاجم دشمنان واقع شدند و شیرازه سپاه اسلام از هم پاشیده شد . در این هنگام » عمره « دختر » علقمه « از این موقعیت استفاده کرد و پرچم واژگون شده قریش را به دست گرفت و افراد فراری را به بازگشت و پایداری فراخواند . فراریان با دیدن پرچم افراشته بار دیگر به میدان آمدند و لشکر خود را سامان داده و مسلمین را محاصره کردند .

در این میان شخصی به نام » عبداللّه بن قمیئه لیثی « که می خواست پیامبر صلی الله علیه وآله را به قتل برساند ، مصعب بن عمیر را که وقتی زره می پوشید شبیه آن حضرت صلی الله علیه وآله می شد ، کشت و فریاد زد : محمّد را کشتم !

شایعه قتل رسول خدا صلی الله علیه وآله شیرازه سپاه مسلمین را کاملاً از بین برد و مسلمانان روحیه خود را از دست دادند و بدون این که به پشت سر خود نگاه کنند برخی به سوی مدینه و برخی دیگر به سوی کوه احد گریختند !

ص :۱۵۸

پیامبر صلی الله علیه وآله مسلمانان در حال فرار را با صدای بلند صدا می زد ، ولی احدی به پشت سر خود نگاه نمی کرد و همه در حال فرار بودند .

در آن گیر و دار گروهی از کفار هم قسم شدند که یکپارچه به پیامبر صلی الله علیه وآله حمله کنند و آن حضرت صلی الله علیه وآله را به قتل برسانند .

اما تو یا علی !

در آن کار زار سخت ، یک قدم هم عقب نشینی نکردی و چنان رشادتی برای حفظ جان برادرت رسول خدا صلی الله علیه وآله از خود نشان دادی که اهل زمین و آسمان حیرت زده شدند !

تو در آن پیکار سخت چون صد شیر دور پیامبر صلی الله علیه وآله می چرخیدی و ضربات را از او دفع می نمودی و مهاجران را به هلاکت می رساندی ... در آن هنگام برادرت رسول خدا صلی الله علیه وآله فرمود :

علی از من است و من از علی .

و در آن میان صدایی از آسمان برخاست که می گفت :

لا فتی إلّا علی ولا سیف إلّا ذوالفقار !

باز پنجاه نفر از کافران دسته جمعی به برادرت رسول خدا صلی الله علیه وآله حمله کردند و تو با فریادهایت به دل پنجاه تن زدی و تعدادی از آنان را کشتی و بقیه هم از ترس پا به فرار گذاشتند و مجدداً آن ندا در آسمان پیچید : لا فتی إلّا علی ولا سیف إلّا ذوالفقار !

در این میان جبرئیل فرود آمد و به رسول خدا صلی الله علیه وآله گفت : راستی که علی فداکاری می کند و فرشتگان از فداکاری او به شگفت آمده اند !

پیامبر صلی الله علیه وآله فرمود : چرا چنین نباشد ؟ او از من است و من از اویم !

ص :۱۵۹

در آن روز مکرر از آسمان صدایی شنیده می شد که می گفت : لا فتی إلّا علی ولا سیف إلّا ذوالفقار و گوینده دیده نمی شد . از پیامبر صلی الله علیه وآله سؤال کردند که گوینده کیست ؟ فرمود : جبرئیل است .

تو جانانه جنگیدی و از جان پیامبر صلی الله علیه وآله دفاع کردی در حالی که بدنت از شدّت زخم ها و جراحات غرق خون بود ؛ اما فقط در فکر نجات جان رسول خدا صلی الله علیه وآله بودی !

همان کسانی که بعدها ادّعای مقام تو را کردند جزو اولین کسانی بودند که از ترس مردن پا به فرار گذاشتند ! !

اما تو در آن نبرد کاملاً نابرابر در حالی که پیکرت بیش از شصت زخم کاری برداشته بود، چون شیر می غرّیدی و از رسول خدا صلی الله علیه وآله دفاع می کردی.

فریادهای مکرّر پیامبر صلی الله علیه وآله و رشادت های بی نظیر تو و همچنین مقاومت چند تن دیگر از یاران مخلص رسول خدا صلی الله علیه وآله ، سبب گردید که گروهی از مسلمین که فرار کرده بودند ، بازگردند و کفار را عقب رانده و پیامبر صلی الله علیه وآله را به جای امنی منتقل نمایند .

هنگامی که با رسول خدا صلی الله علیه وآله از میدان احد به مدینه برگشتید ، حضرت فاطمه علیها السلام در حالی که ظرفی پر از آب در دستش بود به استقبال پدر شتافت و صورت خون آلود پدر را شست و آنگاه که تو وارد شدی و در دستت شمشیر ذوالفقار بود و دستت تا شانه غرق در خون بود به همسرت فاطمه علیها السلام فرمودی :

ای فاطمه !

این شمشیر را که مورد سرزنش نیست بگیر و من ترسو نیستم و نه این که مورد ملامت واقع شوم .

ص :۱۶۰

سوگند به جانم ! تا آخرین درجه امکان به یاری محمّد شتافتم و در راه اطاعت خدای آگاه به بندگان ، گام برداشتم .

خون دشمن را از این شمشیر پاک کن ، شمشیری که دودمان پرچمداران دشمن را جام حمیم دوزخ آشاماند .

پیامبر صلی الله علیه وآله در این هنگام فرمود :

ای فاطمه !

این شمشیر را بگیر که شوهرت آن چه سزاوارش بود ، ادا کرد و با آن شمشیر گردنکشان قریش را به خاک هلاکت افکند .

آنگاه پیامبر صلی الله علیه وآله اُمّ سلمه و امّ عطیه را دستور داد تا زخم های تو را مداوا کنند ؛ آن دو همسر پیامبر صلی الله علیه وآله خدمت رسول خدا صلی الله علیه وآله رسیدند و گفتند : ما هر جای او را درمان می کنیم ، جای دیگر سرباز می کند و لذا ما بر جان وی بیمناکیم . رسول خدا صلی الله علیه وآله به اتفاق جمعی از مسلمین به عیادت تو آمد ، در حالی که تو غرق در جراحت روی زمین خوابیده بودی ؛ برادرت رسول خدا صلی الله علیه وآله دست بر زخم های تو می کشید و آن ها بهبود می یافت و می فرمود :

همانا مردی که این چنین در راه خدا بلا ببیند بی شک تلاش خود را کرده و معذور است .

تو در آن هنگام گفتی :

سپاس خدای را که فرار نکردم و به دشمن پشت ننمودم .

و سپس افزودی :

اما افسوس که از فیض شهادت محروم شدم !

ص :۱۶۱

برادرت به تو فرمود :

آن را نیز - ان شاء اللّه - در پیش داری .

آری !

تو مجدداً در آزمون سخت الهی رو سفید و پیروز گشتی و از مرگ نترسیدی و در راه دوست ، جانت را در طبق اخلاص قرار دادی و محبوب رسول خدا صلی الله علیه وآله بودی و محبوب تر شدی ، و این در حالی بود که برخی از مدّعیان ، از آن آزمون الهی سرافکنده خارج شدند .

تو سبب حیرت ملائکه آسمان ها شدی ، آنان از آن بالا به تو می نگریستند و بر تو و رشادت هایت درود می گفتند و آفرین نثارت می کردند ، و جبرائیل امین آن چنان مبهوت رشادت و جان فشانی هایت گشته بود که در آسمان و زمین مکرر ندا سر می داد :

لا فتی إلّا علی ولا سیف إلّا ذوالفقار !

مردمان دامن این و آن را گرفتند و ما مفتخریم که امام مان علی است .

ص :۱۶۲

بخشی از حکمت چهاردهم

در بیان این که علی علیه السلام در روز قیامت بهشت و جهنم را تقسیم می کند

از تو چه بگویم که هر چه بگویم تو والا تر از آنی ! عظمت و مقام بی مثالت چشم ساکنان آسمان ها را خیره کرده است و ما بندگان خاکی چه می توانیم از تو بگوئیم ؟

در دنیا مردمان بی معرفت تو را نشناختند ؛ لیکن در قیامت و در روز رستاخیز ، خداوند متعال عظمتت را آشکار می سازد .

و در آنجا مردمان و منکران می فهمند که علی کیست !

در دنیا بسیاری تو را انکار نمودند و تو را زجرها دادند و خاندان پاک و مطهرت را به شهادت رساندند ؛ اما در روز رستاخیز ، تو به اذن خداوند همه کاره ای .

خداوند به پاداش ایمان خالص و بی مانندت و رشادت ها و جان فشانی های تحیّرآفرین بی مثالت در نابودی کفر و اعتلای کلمه توحید ، به تو مقام و منزلتی عطا می کند که فقط مخصوص تو است .

ص :۱۶۳

آری !

فقط مخصوص تو است و آن تقسیم کننده بهشت و جهنم برای همه مردمان از اولین تا آخرین است .

برادرت رسول خدا صلی الله علیه وآله در سخنان مکرر خود فرمود :

علی در روز قیامت بهشت و جهنم را تقسیم می کند .

و فرمود :

هیچ کس وارد بهشت نمی شود مگر بعد از تقسیم علی .

و خود نیز بارها در کلامت فرمودی :

من تقسیم کننده بهشت و جهنمم .

آری ! خداوند به هر کس که بخواهد مقامات عالیه و عزّت بی مانند می دهد و خداوند به تو عزّت و مقامات بی مانند را عنایت فرمود ، و خدا می داند و دیگران نمی دانند و خداوند اراده می کند و انجام می دهد و هیچ موجودی توان ایستادن در مقابل اراده الهی را ندارد !

آری

در روز قیامت ، عرصه رستاخیز به دست تو است و تو قسمت می کنی بهشت و جهنم را برای مردمان .

و اما دشمنان تو و منکران امامت تو !

دشمنان تو - که حتی تحمّل شنیدن نام مبارکت را هم ندارند - با این بیان بروند و سر خود را بر دیواری سنگی بکوبند و متلاشی کنند .

و پیروان » ابن تیمیه «) وهابیون (که هم اکنون جنایت ها به اسم اسلام

مرتکب می شونـد و پیروانت را کـافر می داننـد و بـا بمب گـذاری در مساجـد و امـاکن ، پیروانت از پیر و جوان و کوچـک و بزرگ را برای تقرّب به خـدا ! ! ! تکه تکه می کننـد ، برونـد خود را حلقه آویز نماینـد که برادرت رسول خـدا صـلی الله علیه وآله درباره شیعیانت فرمود :

آنان رستگاران روز قیامت اند .

ص: ۱۶۵

بخشی از حکمت هفدهم

در بیان واقعه شکوهمند غدیرخم

سلام بر تو ای برادر رسول اللَّه صلی الله علیه وآله و حجت خدا و امام عالمین !

سلام بر تو یا امیرمؤمنان ! که حیات قلوب خاکیان افلاک نشینانی و فخر کرّوبیان آسمان ها .

در این حکمت می خواهم از غدیر بگویم ، از آن چشمه جوشان و زلال معرفت که تا ابد می جوشد و کام تشنگان معارف ناب را سیراب می کند .

غدیر برکه نیست ؛ اقیانوسی است که عرض آن از وسعت بهشت جاوید خدا فراخ تر است .

در این اقیانوس بی کران صورت هزاران هزار خورشید می درخشد ؛ ولی انوار شکافنده آنان نتوانسته است عمق آن اقیانوس عظیم را درنوردد .

غدیر ظاهری دارد و باطنی؛ ظاهر آن اعلان خلافت و امامت بلافصل ات از جانب خدا توسط برادرت رسول خدا صلی الله علیه وآله است ؛ و اما باطن این اقیانوس بی کران را ما نمی دانیم و خدا و رسولش صلی الله علیه وآله می دانند !

ص: ۱۶۷

غدیر تجلّی گاه اراده خداست !

در سال دهم هجری پیامبر صلی الله علیه وآله با یکصد هزار نفر از مسلمین راهی حج گردید .

مسلمانان اعمال و مناسک حج را زیر نظر رسول خدا صلی الله علیه وآله به پایان رسانیدند و به دستور آن حضرت صلی الله علیه وآله راهی سرزمین مدینه و سرزمین خود شدند . هنگامی که کاروان به سرزمین « رابغ « که در سه میلی » جحفه « - که یکی از میقات های احرام است - رسید ، جبرئیل امین در نقطه ای به نام غدیرخم فرود آمد و آن حضرت صلی الله علیه وآله را با آیه ذیل مورد خطاب قرار داد :

ای رسول ! آنچه که از طرف خدا فرستاده شد بر مردم ابلاغ کن و اگر چنین نکنی رسالت خود را تکمیل نکرده ای ، خداوند تو را از شر مردم) بدخواهان (حفظ خواهد کرد .

لحن آیه سخن از مأموریت سنگینی دارد که با ترک آن رسالت ناقص می شود و بدون شک درباره توحید و مبارزه و نماز و روزه و غیره نبود ؛ زیرا قبلاً احکام این مسائل کاملاً بیان شده بود .

پس این مأموریت سنگین چیست یا امیرمؤمنان ! که ترک آن یعنی بی نتیجه بودن رسالت ؟ !

آری ! با توجه به این که آیه فوق در سال آخر عمر با برکت برادرت رسول خدا صلی الله علیه وآله نازل شده ، بدون تردید مربوط به مسئله خلافت و جانشینی پیامبر صلی الله علیه وآله است .

پیامبر صلی الله علیه وآله دستور توقف را صادر نمود و فرمود : کسانی که جلو

کاروان هستند ، باز ایستند و آنان که در عقب کاروان اند ، سریع تر خود را ملحق سازند ...

... پیامبر صلی الله علیه وآله خطبه ای خواند :

حمد و سپاس مخصوص خداست ، از او یاری می طلبیم ...

هان ای مردم ! نزدیک است من دعوت حق را لبیک بگویم ...

من دو چیز گران مایه را در بین شما می گذارم ، یکی کتاب خدا و دیگری اهل بیتم ؛ بر این دو پیشی نگیرید که هلاک می گردید ...

در آن لحظه حساس که تمام چشم ها به دهان مبارک رسول خدا صلی الله علیه وآله دوخته شده بود ، تو را صدا زد و تو از جهاز شتران بالا رفتی و در کنار برادرت رسول خدا صلی الله علیه وآله ایستادی ، و مردم همه به تو خیره شدند و منتظر بودند که بدانند جریان چیست ؟ !

در آن زمان حساس ترین و عالی ترین و پرمخاطره ترین صفحه تاریخ بشریت به وقوع پیوست ؛ رسول خدا صلی الله علیه وآله دستان تو را در دستان خود برافراشت و با ندای بلند به مردمان فرمود :

ای مردم ! سزاوارتر بر مؤمنان از خود آنان کیست ؟

همگی گفتند : خداوند و پیامبر او .

آنگاه برادرت رسول خدا صلی الله علیه وآله فرمود :

خدا مولای من و مولای مؤمنان است و من برای آن ها از خودشان اولی و سزاوارترم . هان ای مردم ! هر کس من مولای اویم ، این علی هم مولای اوست .

و سپس برایت دعا کرد و فرمود :

خداوندا ! کسانی که علی را دوست دارند ، دوست بدار و کسانی که او را دشمن دارند ، دشمن بدار ...

و فرمود :

حاضران به غائبان برسانند .

آنگاه که تو از منبر جهاز شتران پائین آمدی ، همه به سمت تو هجوم آوردند و با تو بیعت نمودند .

هلهله و شادی در میان مردم موج می زد و همه بر تو آفرین می گفتند .

سه روز در غدیر به امر برادرت رسول خدا صلی الله علیه وآله جشن و شادی برپا بود و همه با تو یا امیر مؤمنان ! بیعت کردند ؛ هر چند برخی در دل ناراحت و پریشان خاطر بوند ، اما ظاهر را حفظ نموده و با تو بیعت کردند .

در همان هنگام جبرئیل امین بر پیامبر صلی الله علیه وآله نازل شد و از طرف خداوند پیغام آورد که امروز دینتان را کامل کردم و راضی شدم که اسلام دین شما باشد . و برادرت رسول خدا صلی الله علیه وآله بی درنگ بانگ زد :

اللّٰه اکبر ! اللّٰه اکبر ! سپاس خدای را بر کامل شدن دین و اتمام نعمت و رضایت پروردگار به رسالت من و ولایت و خلافت علی بعد از من .

آری ! رسول خدا صلی الله علیه وآله ولایت و امارتت را - از جانب خدا - در آن عرصه عظیم به مردم ابلاغ فرمود و هیچ کس جز معاندان دین ، منکر آن نخواهند بود .

واقعه غـدیر جـاودانه است ؛ زیرا قرآن جاودانه است و نزول دو آیه (۳ و ۶۷ سوره مائـده (از آیـات قرآن ، پیرامون این واقعه غدیر را جاودانه ساخته است ؛ هر چند منافقان بعد از رحلت برادرت رسول خدا صـلی الله علیه وآله امور را دگرگون کردند و نگذاشتند امور مسلمین در دستان خدائی تو باشد ؛ اما تو همواره امام و حجت خدا بودی هر چند بسیاری منکر تو شدند .

تو آن خورشـید فروزان آسـمان امامت و هدایت امت می باشی که خفّاش صفتان طاقت دیدن نور و جمالت را ندارند . پاکان عـالم همه صورت هـای خود را بر آسـتان غـدیر بر زمین می گذارنـد تا گرد و غبار آن سـرزمین که با قـدم های تو و برادرت رسول خدا صلی الله علیه وآله و ملائکه آسمان ها متبرک شده است را سرمه دیدگان خود کنند .

نوشیدن جرعه ای از شراب غدیر ، انسان را در ابدیت پرواز می دهد و همنشین پیامبران و فرشتگان می گرداند .

آنان که محتوای غدیر را منکر شدند، خود را از ابدیت طیّبه محروم ساختند .

ص :۱۷۱

بخشی از حکمت نوزدهم

در بیان شهادت رسول خدا صلی الله علیه وآله

تقریباً دو ماه بعد از بازگشت از غدیرخم برادرت رسول خدا صلی الله علیه وآله در بستر بیماری افتاد و به تو خبر داد که عروجش نزدیک است . تو در آن مدت چون پروانه به دور وجود رسول خدا می گشتی و جز در کارهای ضروری لحظه ای حضور بر بالین او را ترک نمی کردی ...

تو خود شاهد بودی که چهره پیامبر غمناک و محزون بود و دائم با آن قلب پرگدازش به صورت دوست داشتنی تو نگاه می کرد .

آری ! برادرت رسول خدا صلی الله علیه وآله می دانست که چه توطئه هایی در شرف وقوع است ؛ او می دانست که بعد از رحلتشان چگونه مزد رسالتشان را می دهند و به تو و خاندانش جورها روا می دارند ...

... حال پیامبر صلی الله علیه وآله دگرگون شد و از هوش رفت ، وقتی به هوش آمد تو را صدا زد . تو در کنار بستر آن حضرت صلی الله علیه وآله نشستی ، برادرت خواست کمی از بستر برخیزد که تو پیامبر صلی الله علیه وآله را از بستر بلند نمودی و بر سینه خود تکیه دادی .

ص: ۱۷۳

رسول خدا به تو فرمود :

یـا علی ! سـرم را بر دامنت بگـذار که امر خـدا فرارسـید ، هنگامی که جان از تنم رفت ، خودت کار تجهیز مرا برعهـده بگیر و پیش از همه مردم بر من نماز بگذار و تا مرا در قبرم دفن نکردی ، از من جدا مشو و از خداوند متعال یاری جوی .

تو سـر مبـارک رسول خـدا صـلی الله علیه وآله را بر دامان خود قرار دادی و گوش خود را نزدیک لب های مبارک او بردی ، برادرت رسول خدا صلی الله علیه وآله مدّت طولانی با تو سخن گفت و وقتی از تو پرسیدند پیامبر صلی الله علیه وآله به تو چه گفت ؟ پاسخ دادی : هزار باب دانش به من آموخت که هر باب هزار باب دیگر می گشود و به چیزی وصیّت کرد که ان شاء اللّه به آن عمل خواهم کرد .

چیزی نگـذشت که علائم احتضار در وجود شـریف رسول خدا صـلی الله علیه وآله پدیدار گشت و تو سـر مبارک رسول خدا صلی الله علیه وآله را بر سینه خود گزاردی و صورت را بر صورت مبارک آن حضرت گذاشتی . پیامبر صلی الله علیه وآله لب های خود را به ذکر خداونـد حرکت می داد . سـکوتی آمیخته با هزن و نگرانی همه جا را فراگرفته بود و مهاجران و انصار در بیرون خـانه اجتمـاع کرده بودنـد و بی صبرانه نگران حـال رسول خـدا بودنـد که ناگهان لب های پیامبر صـلی الله علیه وآله از حرکـت بـاز ایسـتاد و روی هـم افتـاد و تـو صـورت را از صـورت رسـول خـدا صـلی الله علیه وآله برداشـتی و در حـالی که از چشمانت اشک جاری شده و بغض گلویت را فشرده بود ، فرمودی :

خداوند پاداش شما را در مصیبت پیامبرتان زیاد گرداند !

و این گونه بود که پیامبر مهر و رحمت و برترین مخلوق خدا با ترک

دنیای خاکی به جایگاه ابد خود عروج نمود و با رحلت جانگداز وی باب رسالت تا ابد مسدود گشت .

برادرت رسول خدا به تو وصیت کرده بود که او را غسل دهی و کفن کنی و اولین بار به تنهایی بر او نماز گذاری ، و تو به وصیت پیامبر صلی الله علیه وآله عمل کردی ، پیکر مقدس او را غسل دادی و حنوط کردی و خودت به تنهایی بر او نماز گذاردی و سپس صحابه را اذن دادی تا بر او گروه گروه نماز بخوانند .

تو با دستان خودت پیکر مقدس و مطهر برادرت رسول خدا صلی الله علیه وآله را در قبر قرار دادی و خود لحد بر روی آن حضرت چیدی و تو بودی که آخرین نگاه را بر چهره رسول خدا صلی الله علیه وآله انداختی ، آنگاه که آخرین سنگ لحد را بر او قرار دادی .

سلام بر برادرت رسول خدا صلی الله علیه وآله که بی نظیرترین و برترین فرد بشر بود !

سلام بر برادرت رسول خدا صلی الله علیه وآله که خاتم انبیاء و گل سرسبد آفرینش و عصاره هستی و بهترین و شریف ترین مخلوق خدا بود !

و سلام بر تو یا اباالحسن که بعد از برادرت رسول خدا صلی الله علیه وآله ، تو برترین و عزیزترین مخلوق خدا هستی !

تو همیشه مطیع محض رسول خدا صلی الله علیه وآله بودی و خود را خادم آن حضرت می دانستی و همواره قلب رسول خدا صلی الله علیه وآله از تو شاد بود و چشمان مبارکش با دیدن تو مسرور .

تو مقامات بی کران را با تبعیّت مطلق از رسول خدا صلی الله علیه وآله و غلامی

ص :۱۷۵

آن حضرت علیه السلام به دست آوردی ؛ زیرا کاملاً آگاه بودی که اطاعت از رسول خدا صلی الله علیه وآله همان اطاعت الهی است .

تو قدر رسول خدا را دانستی و برادرت رسول خدا صلی الله علیه وآله هم قدر تو را دانست و به مردم تذکر داد ؛ اما بیشتر مردمان نه قدر رسول خدا صلی الله علیه وآله را دانستند و نه قدر و منزلت تو را !

برادرت رسول خدا صلی الله علیه وآله همان خورشید جاودانه الهی است که تا ابد می درخشید و نور می افشاند و تو یا امیرالمؤمنین ! چون ماه پرفروغ بی زوالی هستی که در پرتوِ نور رسول خدا صلی الله علیه وآله برای همیشه در آسمان هدایت بشریت برتر از هزاران هزار خورشید کهکشان ها می درخشی و نور می افشانی .

سعادت مند و خوشبخت کسی است که دامان هردوی شما را بگیرد و خاک پای شما را سرمه دیدگان خود کند .

) در ادامه این کتاب بسیار ارزشمند از حکمت بیستم تا پایان کتاب ،) حکمت سی و سوم (دوران زندگانی حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام بعد از رحلت نبی مکرم اسلام صلی الله علیه وآله تا شهادت حضرتشان مطرح می شود و مباحثی همچون حمله به خانه آن حضرت ، شهادت حضرت زهرا علیها السلام ، دلائل سکوت امیرمؤمنان علیه السلام در زمان خلفا ، بیعت مردم با آن حضرت بعد از مرگ خلیفه سوم ، جنگ های خونین زمان آن حضرت علیه السلام و نهایتاً شهادت آن حضرت علیه السلام ، به صورت گسترده مطرح می گردد . در این جا ما فقط گزینه هایی از حکمت سی و سوم را می آوریم و خوانندگان محترم را به مطالعه کامل کتاب ارجاع می دهیم (.

بخشی از حکمت سی و سوم

در بیان شهادت حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام

... همه دلسوختگان عالم فدای خاک پای تو شوند یا امیرالمؤمنین !

تو را در حالی که صورت و لباست غرق در خون بود ، در گلیمی گذاشتند و چهار طرف آن را گرفتند و تو را به خانه گِلی کوچکت بردند .

خاک عالم بر سر عالمیان باد !

چه کسی فکر می کرد که روزی کَننده درِ قلعه خیبر را در گلیمی قرار دهند و به منزل ببرند ؟ !

تو را وقتی که به خانه بردند بیهوش بودی ؛ وقتی به هوش آمدی به دو فرزند عزیزت حسن و حسین علیهما السلام فرمودی :

ابن ملجم را زندانی کنید ، غذا و آب به او برسانید و با او خوش رفتاری کنید . اگر من از این زخم شفا یافتم و زنده ماندم ، خود بهتر می دانم که با او چه کنم ، اگر خواستم از او فدیه می گیرم و او را آزاد می کنم و اگر خواستم او را می بخشم .

ص: ۱۷۷

و اگر از دنیا رفتم ، اختیار او با شماست ؛ هرگاه به کشتن او تصمیم گرفتید ، او را مُثلِه نکنید .

همه فرزندانت در حالی که گریه می کردند و بر سر و سینه خود می زدند ، دور تو جمع شده بودند . مردم کوفه که همه از آن جریان باخبر شده بودند ، دور بیت تو اجتماع نموده ، گریه می کردند و شیون می زدند .

همه فرزندان و کودکان یتیم کوفه - که تو هر شب برایشان آذوقه می بردی و دل هایشان را شاد می کردی - دور کلبه کوچکت حلقه زده بودند و می گریستند ؛ زیرا می دانستند که حقیقتاً یتیم شده اند .

... حالِ تو ساعت به ساعت وخیم و وخیم تر می گشت و چهره پرفروغت نورانی تر !

پزشکان و جرّاحان کوفه را برای درمان شکاف عمیق سرت جمع کردند و هیچ یک از آن ها حاذق تر و آگاه تر از » اثیر بن عمرو بن هانی « نبود ؛ او طبیب ماهری بود و کرسی طبابت داشت و جراحات را درمان می کرد .

اثیر بن عمرو بر بالین تو آمد ، به محل زخم سرت نگریست . شُش گوسفندی را که تازه و گرم باشد طلبید . شش را حاضر کردند . او رگی از آن بیرون آورد و آن را در درون زخم نهاد و آن را مکید و سپس آن را بیرون آورد و به آن نگاه کرد ، دید سفیدی اجزای مغز در آن دیده می شود ، عرض کرد :

ای امیرمؤمنان !

وصیت های خود را بکن ؛ زیرا ضربت دشمن خدا به مغز سرت رسیده است .

آری !

وعده خدا در عروجت به سوی اعلاترین مراتب ملکوت نزدیک است . برادرت رسول خدا صلی الله علیه وآله مشتاقانه انتظار تو را می کشد که تو را سخت در آغوش بگیرد و ببوسد و دردهایت را تسکین دهد . همسر بزرگوارت صدیقه کبری علیها السلام ، نور خدا ، مشتاقانه منتظر تو است تا در چشمان نازنینت نگاه کند و مرهم غم هایت شود . تمام پیامبران و اولیاء خدا به امر خدا ، مشتاقانه در صفوفی منظم ایستاده اند تا هنگام مصافحه ات با برادرت رسول خدا صلی الله علیه وآله ، با ذکر صلوات ، گلبرگ های بهشت را بر سرتان بریزند . ملائکه خدا در بهشت ، دقیقه شماری می کنند تا با گام نهادن تو در بهشت ، بال های خود را با تبرّک جستن به خاک پایت تا ابد معطر گردانند .

سرتاسر سرزمین بهشت ، زیباترین زیورهای خویش را آشکار نموده تا تو را عاشقانه بر دیدگان خود جای دهد .

و از همه مشتاق تر ، مشتاق تر ، خدای تو است .

و آنگاه که آثار رحیل و پرواز به اعلی مرتبه ملکوت در سیمایت هویدا شد با همان صوت بی رمقت وصیت خود را نمودی ، همان وصیتی که اوج بندگی و وارستگی و آزادگی و عدالت در آن موج می زند ، همان وصیّتی که اگر هر یک از افراد بشر آن را سرلوحه حیات خود قرار دهد نه تنها در دنیا سعادت مند می شود ؛ بلکه با مرگ خود یکسره در ابدیت و رَوْح و ریحان الهی پرواز می کند !

وصیّتی که برای همه بشر تا روز قیامت سودمند است ، فرمودی :

شما را به ترس از خدا سفارش می کنم ، به دنیاپرستی روی

نیاورید ، گرچه سراغ شما آید و بر آن چه از دست می دهید اندوهناک مباشید ؛ حق را بگوئید و برای پاداش الهی عمل کنید و دشمن ستمگر و یار ستم دیده باشید . شما را و تمام فرزندان و خاندانم را و کسانی را که این وصیت به آن ها می رسد ، به ترس از خدا و نظم در امور زندگی و ایجاد صلح و آشتی در میانتان سفارش می کنم ...

خدا را ! خدا را ! درباره یتیمان .

خدا را ! خدا را ! درباره همسایگان .

خدا را ! خدا را ! درباره قرآن و عمل به آن .

خدا را ! خدا را ! درباره نماز ؛ چرا که ستون دین شما است ...

امر به معروف و نهی از منکر کنید ...

آن گاه صدایت ضعیف و ضعیف تر شد و فقط ذکر خدا می گفتی ، مانند همان موقعی که سر رسول خدا صلی الله علیه وآله بر سینه ات در حال احتضار بود ، که لب های مبارکشان آهسته آهسته حرکت می کرد و ذکر خدا می گفت ؛ تا آن که آن لب ها از حرکت باز ایستاد و تو آنگاه با چشمان پر از اشک سر را بالا گرفتی و به دخترش فاطمه علیها السلام و همسرانش و آنان که در کنار بسترش بودند ، فرمودی : خداوند در مصیبت رحلت رسول خدا به شما اجر دهد ؛ همچنین لب های تو هم از حرکت باز ایستاد و فرزندت امام حسن علیه السلام سر را بالا گرفت و به برادرش امام حسین علیه السلام و خواهرش و برخی از یارانت که بر بالینت با چشمانی پر از اشک جان دادن تو را نظاره گر بودند ، تسلیت گفت .

آری !

تو چشم از دنیا بر بستی و به سوی رضوان الهی سفر نمودی ؛

ص :۱۸۰

اما سیمای جهان تاب تو تا ابد در صحنه گیتی نورافشانی می کند و قلب های مستعد را با نور خدا منوّر می گرداند .

تو زنده ای ، تو زنده جاویدی ! مرده دشمنان تو أند ، مرده منکران تو أند .

سلام خدا بر تو باد در همان روزی که در بیت اللّه الحرام متولد شدی و نیز همان روزی که در خانه خدا ضربت خوردی و نیز در همان روزی که برانگیخته می شوی !

... در مظلومیت تو بعد از مرگت همین بس که قبر مطهرت بیش از صد سال مخفی بود و در زمان فرزندت امام صادق علیه السلام بود که آن قبر مطهر به شیعیان معرفی شد .

سلام بر تو ای پرچم حقّانیت انکارناپذیر حق ! ای یکپارچه ترین مردان قرون دیرین !

ای دست خدا ! دست آسمان ! دست زمین !

سلام بر تو ای امیرالمؤمنین !

ای انسان فناناپذیر ! ای انسان جاودانی ! و ای مرد تکرارناپذیر تاریخ !

تو شمشیر برهنه در دست ، در وحشی ترین ادوار تاریخ زندگی به خاطر نجات بشر از چنگ ظلمت ، به خاطر رهایی بندگان گمنام بی گناه خدا از سیاه چال زندگی ، متین و مطمئن و سرافراز ، سینه بازت را پناهگاه ، قلب محبّت پرور نغمه پردازت را تپش به تپش به پای حقیقت ریختی !

ای گنجینه گرانبار مواهب الهی ! ای عنصر بی پایان فضیلت ! ای شخصیت بی نظیر و

جاودانه عالم ! ای تابناک ترین مظهر عبودیت خدا !

ص :۱۸۱

ای فروغ جهان تاب ابدیت ! ای سرچشـمه سـخا و کرم و جوانمردی ! ای شیر خدا و قهرمان میدان توحید و معرفت ! ای پیشتاز پیشتازان عالم در وصول به حق ! سلام خدا بر تو باد ! سلام خدا بر تو باد ! (۱)

---

۱ – ۲۵۷) در این کتـاب تمـام مبـاحث تـاریخی و حـدیثی در بخش حکمت نامه ها با اسـتنادات فراوان از منابع شـیعه و سـنی (حدود ۴۰۰ منبع) آمده است .

برخی از آثار منتشر شده مؤلّف

۱ - سیمای جهان تاب) بیان مناقب والای امیرالمؤمنین علیه السلام و زندگی نامه آن حضرت در ۷۲۰ صفحه وزیری (این کتاب به زبان انگلیسی و عربی نیز در حال ترجمه شدن است .

۲ - سیمای جهان افروز) در بیان مناقب والای حضرت سیدالشهداء علیه السلام (

۳ - امام حسین علیه السلام آسمانی ترین انسان بهشتی) به زبان انگلیسی در ۴۰۷ صفحه در بیروت به چاپ رسیده است (.

۴ - ابن عربی از نگاهی دیگر) مجموعه ای مفصل در نقد عرفان و عقاید و مذهب ابن عربی ، چاپ دوم آن در ۷۰۰ صفحه وزیری به چاپ رسیده است این کتاب توسط بسیاری از مراجع عظام تقلید و علمای جهان تشیع مورد تأیید قرار گرفته است (.

۵ - عجایبی از صحاح) نگاهی جامع بر صحاح سته اهل سنت (

۶ - چه کسانی نمی فهمند ؟ !) در نقد عرفان التقاطی و تفکرات یونانی (

۷ - ستارگان هدایت) در بیان مناقب خاندان عصمت و طهارت علیهم السلام (

۸ - معارف حقیقی در صحیفه سجادیه) کتابی مفصل در مقایسه معارف نورانی خاندان عصمت و طهارت علیهم السلام با معارف بشری (

ص :۱۸۳

۹ – حدیث کوی دوست) شوق وصال یار ، به زبان شعر (

۱۰ – همراه با خورشید) کتاب صوتی زندگانی امیرمؤمنان علیه السلام با شیوه ای نو (این اثر – که برگرفته از کتاب سیمای جهان تاب است – در ۳۰ ساعت با قرائت مؤلّف کتاب عرضه شده است .

به کارگیری گسترده از تکنیک های جدید صوتی مانند : میکس ، ریمکس ، افکت های گوناگونی صوتی ، فنون بیانی و جلوه های دیگر هنریِ ترکیب شده با انواع مداحی های استدیوییِ متناسبِ با موضوع بحث ، کار فوق را) بدون استفاده از موسیقی (بسیار جذّاب و بی نظیر ساخته است ، به گونه ای که دل های محبّان آن حضرت را می لرزاند و اشک ها را جاری می سازد .

این اثر را به همه دلباختگان و عاشقان امیرالمؤمنین علیه السلام تقدیم می نماییم .

ص :۱۸۴

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که مـا را در دستیـابی به این هـدف یـاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادنـد تقـدیر و تشـکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصـفهان -خیابان عبـدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شـهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانه ای
قائمیه
اصفهان
www
برای داشتن کتابخانه های‌تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹